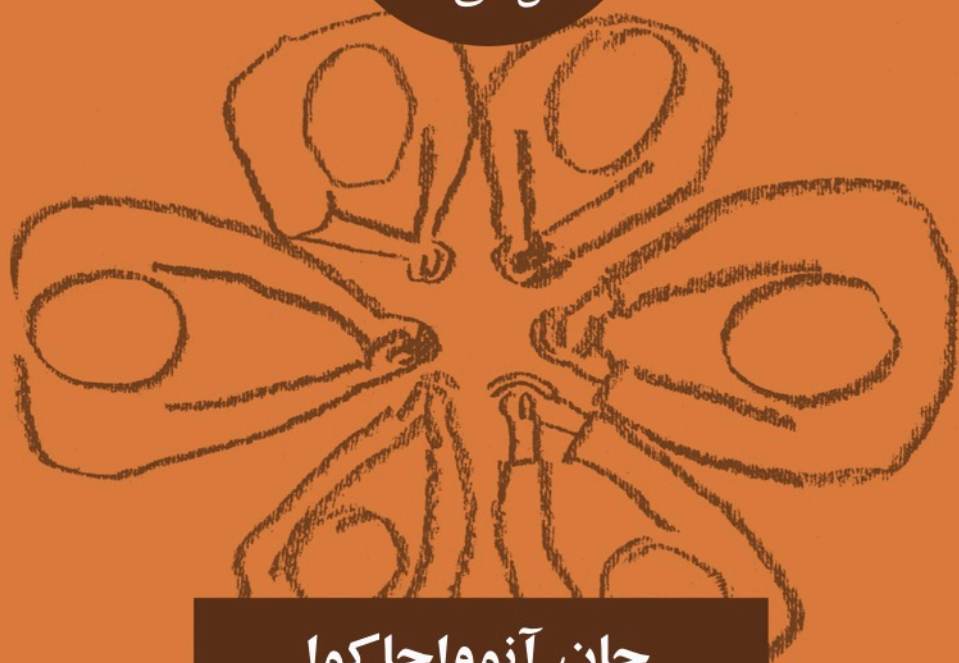


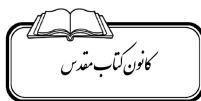
دعا

چگونه
دعای دسته جمعی
کلیسا را
شکل می دهد



جان آنوواچاکوا

محمد ثانوی



دعا

به قلم جان آنوواچاکوا

Prayer

JOHN ONWUCHEKWA

(Farsi)

کانون کتاب مقدس
محمد ثانوی

برگردان به فارسی
ویرایش

Translation By:

Farsi Editor

BTCPersians

Mohammad Sanavi

Bible Training Center for Persians

ISBN 978-1-958168-52-3

© 2022, 9Marks

www.9marks.org

www.btcpersians.com

www.kanoneketab.com

Prayer: How Praying Together Shapes the Church
Copyright © 2018 by John Onwuchekwa
Published by Crossway
1300 Crescent Street
Wheaton, Illinois 60187

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system, or transmitted in any form by any means, electronic, mechanical, photocopy, recording, or otherwise, without the prior permission of the publisher, except as provided for by USA copyright law. Crossway® is a registered trademark in the United States of America.

Cover design: Darren Welch
Hardcover ISBN: 978-1-4335-5947-1 ePub ISBN: 978-1-4335- 5950-1
PDF ISBN: 978-1-4335-5948-8 Mobipocket ISBN: 978-1-4335-5949-5
Library of Congress Cataloging-in-Publication Data
Names: Onwuchekwa, John, author.
Title: Prayer : how praying together shapes the church / John Onwuchekwa.
Description: Wheaton : Crossway, 2018. | Series: 9Marks: building healthy churches | Includes bibliographical references and index. Identifiers: LCCN 2018003481 (print) | LCCN 2018024421 (ebook) |

Farsi ISBN: 978-1-958168-52-3
© 2022 www.kanoneketab.com \ www.btcpersians.com
Farsi Editor: Mohammad Sanavi



www.kanoneketab.com



کانون کتاب <https://t.me/Kanonketab>



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس Sound cloud

عنوان: دعا
نویسندگان: جان اونواچاکوا
مترجم: کانون کتاب مقدس
ویرایش: محمد ثانوی
تعداد صفحات: ۱۳۳
شابک ۹۷۸-۱-۹۵۸۱۶۸-۵۲-۳
ناشر: کانون کتاب مقدس
چاپ اول ۲۰۲۲

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای موسسه کانون کتاب مقدس محفوظ است. هرگونه نسخه برداری الکترونیک، صوتی، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه کانون کتاب مقدس مطابق قانون حق مؤلف و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است.

خوانندگان گرامی

امروزه ضرورت مطالعه اصولی و درک صحیح کتاب مقدس برای همه مسیحیان کاملاً مشهود است و هدف ما از ترجمه، گردآوری و تدریس این مجموعه کتب تعلیمی این بوده که به نوعی ابزارهای لازم برای این مهم را در اختیار معلمین کتاب مقدس قرار داده و آنها را مجهز نماییم تا علاوه بر تعلیم صحیح کتاب مقدس و شاگردسازی، قادر باشند تعالیم غلط و دروغین را نیز تمیز دهند.

امیدواریم و دعای ما این است که با درک صحیح و عمیق تر از کتاب مقدس، ثمرات نیکوی کلام خدا در زندگی شما و ما با کمک روح القدس به فراوانی دیده شود. در انتها از همه کسانی که با وفاداری برای تهیه این مجموعه ما را در این مدت یاری کرده اند تشکر می کنیم از خواهر شهزاد در برای بازخوانی ترجمه سپاس گزاریم.

برای تهیه دیگر کتب آموزشی لطفاً با ما به آدرس btcpersians@gmail.com تماس حاصل نمایید و یا از سایت ما به آدرس www.kanoneketab.com برای دریافت دیگر منابع دیدن فرمایید. قبلاً از لطف شما سپاسگزاریم.

محمد ثانوی

مدیر اجرایی کانون کتاب مقدس

هدف کانون کتاب مقدس:

آهاده سازی و تجهيز مردان و زنانی است
که توسط کلیسای محلی به عنوان
خدمت گذاران با صلاحیت تشخیص داده
شده اند تا خدمت آموزش و
شاگرد سازی بدن مسیح را با انجام رسانند.

دوستان ارجمند این کتاب را می‌توانید بصورت گویا در لینک ذیل
گوش فرادهید.

لطفاً کلیک کنید.



فهرست

۸	پیشگفتار
۱۰	مقدمه
۱۵	فصل ۱ دوباره نفس بکش
۲۵	فصل ۲ کاری فوق العاده
۳۸	فصل ۳ دنیا از آن ماست
۵۴	فصل ۴ خوراک روح
۶۴	فصل ۵ ریشه‌ها
۷۷	فصل ۶ جلال
۹۱	فصل ۷ به من تکیه کن
۱۰۸	فصل ۸ انجام کار درست
۱۲۰	خاتمه نقش دعا در پرستش گروهی

پیش‌گفتار مجموعه

آیا باور دارید که مسئولیت شما یاری کردن در جهت بنای کلیسای تندرست است؟ اگر شما مسیحی هستید، ما بر این باوریم که این مسئولیت بر دوش شماست.

عیسی به شما فرمان داده که رفته و شاگرد بسازید (متی ۲۸: ۱۸-۲۰). رساله به یهودا می‌فرماید که شما باید در ایمان پیشرفت کنید (یهودا ۲۰-۲۱). پطرس رسول می‌فرماید که عطایای خود را در راه خدمت به دیگران استفاده نمایید (۱ پطرس ۴: ۱۰). پولس رسول می‌فرماید که حقیقت را در قالب محبت بازگو کرده، به این ترتیب کلیسای شما در بلوغ رشد نماید (افسسیان ۴: ۱۳، ۱۵). متوجه هستید که با این صحبت‌ها به کجا می‌رویم؟

چه شما عضو کلیسا یا یکی از مشایخ کلیسا باشید، هدف مجموعه کتاب‌های «کلیسای تندرست»، یاری رساندن به شما در جهت تکمیل فرمان کتاب مقدس و نقش شما در بنای کلیسای تندرست می‌باشد. امید ما بر این است که این سری کتاب‌ها شما را کمک نموده تا محبتتان به کلیسا همچون محبت عیسی به کلیسا، رشد کند.

برنامه مؤسسه «۹ علامت»، تهیه کتابچه‌هایی برای هر بخش از این «۹ علامت کلیسای تندرست»، و به علاوه موضوع «الهیات صحیح» می‌باشد. به دنبال تهیه کتاب‌های «موعظه تشریحی»، «الهیات کتاب مقدسی»، «انجیل»، «تبدیل جانها»، «بشارت دادن»،

«عضویت کلیسا»، «تادیب و تنبیه کلیسایی»، «شاگرد سازی و رشد» و «مشایخ کلیسا» باشید.

موجودیت کلیسا برای نمایش جلال خدا به ملت‌هاست. ما این کار را با چشم دوختن به انجیل عیسی مسیح، اطمینان به نجات او، و سپس با قدّوسیت خداوند و در اتحاد باهم و محبّت کردن به یکدیگر، انجام می‌دهیم.

با اُمید،

مارکِ دُور و جاناتان لی من
ویراستگران ارشد

مقدمه

اگر یکشنبه آینده به تعدادی از کلیساهای مختلفی سربزنید، چه مورد مشترکی در آنها خواهید دید؟

موسیقی و سرودخوانی می شنوید. ممکن است سرودها جدید یا قدیمی باشند با صدایی بلند یا کم. با این حال، در هر کجایی که مسافرت کنید، ساختار اصلی برنامه های کلیسا تقریباً یکسان است.

در هر کلیسا موعظه ای انجام می شود که ممکن است، موعظه ای موضوعی، مختصر، و به طور کلی ساده باشد. یا ممکن است تشریحی طولانی، و به طور کلی جدی باشد. در روز یکشنبه، ممکن است مراسم غسل تعمید ببینید، در شام خداوند شرکت کنید، یا در قرائت دسته جمعی کتاب مقدس مشارکت کنید.

اما می دانید چه موردی را احتمالاً زیاد نمی بینید؟ یا در آن مشارکت نمی کنیم؟ این مورد دعا می باشد!

نه به این معنی که هیچ کس با خدا حرف نخواهد زد. اما دعاها احتمالاً مختصر و کوتاه خواهند بود، چند کلمه گذرا در حالی که نوازندگان و دسته سرایندگان از محراب خارج می شوند تا جا را برای واعظ خالی کنند. این دعاها شاید کتاب مقدسی باشند، اما مبهم و گنگ خواهند بود و در حال تمرکز بر وعده های کلی خدا برای گروهی خاص از ایمانداران خواهند بود. اینگونه دعاها شاید آموزنده باشند اما مختص به همان منطقه خواهند بود، اما به ندرت از عده ای خاص با نیازهای امروزه آنان فراتر می رود. آنها شاید احساسی باشند

که از قلب افرادی سرچشمه می گیرند که واقعاً تمایلی جدی برای برقراری ارتباط با خدای خود دارند.

مساله این است که دعاهاى کوتاه نمى توانند جلال خدا و صفات و شخصیت او را نمایان کنند. احتمالاً بر روی کلام خدا تفکر و تعمق نمى کنند. اینگونه دعاها قلب شنوندگان خود را تفتیش نمى کنند و یا منجر به اعتراف گناهان خاص افراد نمى شوند. آن گروه از ایمانداران کارهایی را که فقط خدا می تواند انجام دهد را از او درخواست نخواهند کرد، کارهایی مانند: نجات گمشدگان و گمراهان، خوراک دادن به گرسنگان، آزادی اسیران، دادن حکمت به رهبران جهان، احیای روابط شکسته، حمایت از مسیحیان تحت آزار و اذیت.

این یک مشکل ساده نیست _ و به نظر می رسد که بسیاری از کلیساها متوجه این موضوع نمى شوند که چه قدر کم باهم دعا می کنند، یا دعاهايشان چقدر کم بازتاب بخشندگی و گشاده دلی خداست. یاد مراسم دعایی از یک کلیسا افتادم که جان استات John Stott پس از بازدید از آنجا آن را توصیف کرده است. آیا برای شما هم آشناست؟

به یاد دارم چند سال پیش از کلیسایی بازدید کردم. ردیف عقب نشستم. وقتی به دعای شبانی رسیدیم، توسط یکی از رهبران انجام شد، زیرا شبان در تعطیلات به سر می برد. بنابراین او دعا کرد که شبان تعطیلات خوبی داشته باشد. خُب، چنین دعایی خوب است. شبانان باید تعطیلات خوبی داشته باشند. دوم اینکه، او برای یک بانوی عضو کلیسا که پابه ماه بود دعا کرد که زایمان سالمی داشته باشد، که این هم خوب است. سوم، برای دیگر بانویی که بیمار بود دعا کرد و بعد تمام شد. این تمام چیزی بود که او کرد. بیست ثانیه بیشتر طول نکشید. با خود گفتم، این یک کلیسای کوچکی در یک روستای کوچک با یک خدای کوچک است. آنها هیچ علاقه ای به دنیای بیرون ندارند. هیچ فکری در مورد فقرا،

ستمديدگان، پناهندگان، مکانهای خشونت و بشارت جهانی نمی کنند.^۱

آنچه استات در اینجا توضیح می دهد احتمالاً برای بسیاری از کلیساها صادق است: خدایی که گویی فقط مختص آن روستاست و به امورات خارج از آن توجهی ندارد!

یکبار از شبان مارک دوور شنیدم که گفت: ما مسیحیان باید آنقدر دعا کنیم که غیر مسیحیان بگویند که این مسیحیان چقدر با خدایشان صحبت می کنند!

من از شبان مارک دوور شنیده ام که می گوید ما باید در جلسات کلیسا آنقدر دعا کنیم که بی ایمانان خسته شوند. ما بیش از حد با خدایی صحبت می کنیم که آنها به او اعتقاد ندارند.

این جمله شاید مبهم باشد، اما بطور یقین ما - که منظورم از ما بعنوان مسیحیان و اعضای کلیسا با همدیگر - باید دعاهای طولانی تر، بهتر و همچنین دعاهای کتاب مقدسی تری بکنیم.

هدف این کتاب در یک جمله این است: یادگیری آن که چطور بهتر و بیشتر بعنوان یک کلیسا دعا کنیم. همانطور که زندگی دعایی خصوصی ما می تواند به لطف و فیض خدا بهبود پیدا کند، زندگی دعایی جمعی و مشارکتی ما نیز می تواند بهبود یابد.

جادهٔ پیش رو

هیچ کتابی به تنهایی نمی تواند همه آنچه که مربوط به دعاست را توصیف کند و آن را درست بیان کند. افزون بر این، یک زندگی سرشار از دعا با تمرین مداوم حاصل می گردد، نه به وسیلهٔ درک و فهمیدن پیشنهادهای. با این حال، همان گونه که ما این سفر را با همدیگر آغاز می کنیم، می خواهم مطمئن شوم که شما از مقصد مورد

۱. John Stott in Ten Great Preachers, ed. Bill Turpie (Grand Rapids MI: Baker, 2000), 117.

نظر من آگاه هستید. امید من این است که این کتاب راهنما و سکوی پرشی باشد و به شما در لذت بردن از عطیۀ شگفت انگیز دعا که ما آن را به عنوان یک کلیسا داریم، کمک کند.

از میان تمام کتابهایی که در مورد دعا نوشته شده‌اند، این کتاب هدف بسیار خاصی دارد: هدف آن بررسی اینکه چطور دعا، زندگی کلیسایی را شکل می‌دهد. در مورد دعا بسیار به عنوان یک اصل فردی نوشته شده است. اما در مورد دعا به عنوان یک فعالیت ضروری و عمومی که کلیساهای محلی را شکل می‌دهد، چیزهای زیادی دربارهٔ انجام دعا و عدم انجام دعا نوشته نشده است.

فکر کنید این کتاب چند تکه پازل مهم گمشدهٔ دعا از یک پازل پانصد تکه‌ای را که از قبل تدوین شده است را ارائه می‌دهد. من مدیون کسانی هستم که چنین کارهای سختی را تدوین می‌کنند و به تصویر می‌کشند.

اجازه بدهید مروری از آنچه این کتاب پوشش می‌دهد را به عمل درآورم. فصل ۱ آن مشکلاتمان را ارائه می‌کند: و آن عدم دعای مشارکتی و جمعی است. فصل ۲ آن مسیری برای یک راه حل پیشنهاد می‌دهد و به ما کمی زمان می‌دهد تا منظورمان از دعا را درک کنیم تا بتوانیم باهم رو به جلو پیش برویم.

فصل‌های ۳ و ۴ آن، الگویی به ما می‌دهد که نحوهٔ صحبت عیسی در مورد دعا را بررسی می‌کند. فصل ۵ حقایقی در مورد تمرین دعای قدرتمند عیسی مسیح در زمانهای بحران را به ما در عمل پیشنهاد می‌کند.

بخش پایانی کتاب، فصل‌های ۶ الی ۸، کاربردی‌تر خواهند بود. در این فصول، پس از اینکه برکات و مزایای دعای مشارکتی و چگونگی شکل دادن آن به کلیسا مشخص می‌شود، چگونگی گنجاندن دعا در زندگی کلیسایی را بررسی می‌کند و ما به موضوعات متنوعی خواهیم پرداخت: مانند دعا در جلسه پرستشی، جلسات دعا، و اینکه چگونه دعای جمعی و مشترک می‌تواند

ماموریتی را برای ما ایجاد کند تا بتوانیم دعا‌های متنوعی را شکل دهیم.

در پیوست، به کتابهای دیگری در مورد دعا اشاره خواهیم کرد که به شما در دیدن تصویر کلی کمک خواهند کرد. من فقط چند کتاب را پیشنهاد می‌کنم زیرا مطالعه کردن در مورد دعا از خود دعا کردن به مراتب آسان‌تر است. پس می‌خواهم آنقدر به شما پیشنهاد بدهم تا اشتهایتان را باز کند، اما نه آنقدر زیاد که شما را از کار واقعی دعا کردن منحرف کند.

باشد که این کتاب را برای ارزشی که دارد تهیه کنید و کلیسای شما به وسیله

دعای جمعی و مشارکتی قدرتمند و منظم شکوفا شود.

فصل ۱ دوباره نفس بکش

مشکل زندگی بدون دعایی

دعا همچون نفس کشیدن است

خُب، اینجا شما در حال خواندن کتاب دیگری در مورد دعا هستید. شاید آخرین مورد آن به اندازه کافی احساس گناه در شما ایجاد نکرده باشد و همین نشان می‌دهد که شما هنوز برای مجازات آماده نیستید. کتابی در مورد دعا بدون اینکه کاستیهای شما را نقل قول کند و بدون اینکه شما را به عنوان اهل دعا نشان دهد چه فایده‌ای دارد؟ بدون مقدمه عرض می‌کنم: «زنده ماندن بدون نفس کشیدن، امکانپذیرتر از مسیحی بودن بدون دعاست!»^۲

گذشته از شوخی، این ممکن است قوی‌ترین و چالش برانگیزترین جمله‌ای باشد که در مورد دعا خوانده‌ام. نفس کشیدن – به عنوان استعاره‌ای برای دعای مسیحی – دعا را آنگونه که باید باشد به تصویر می‌کشد. این به ما یادآوری می‌کند که دعا برای وجود ما ضروری است. نفس کشیدن برای هر کاری که انجام می‌دهیم ضروری است. هر کنشی را فعال می‌سازد. به همین ترتیب، دعا در زندگی ایماندار موضوعی اساسی و حیاتی است. هم به وجود کنونی و هم به تحمل و مداومت پیوسته ما گره خورده است. دعا نفس کشیدن است. استعاره بهتری از آنچه دعا می‌بایستی برای یک مسیحی باشد وجود ندارد.

به همین دلیل است که بسیاری از مسیحیان در مواجهه با دعا دچار چالش و سردرگمی هستند. آیا عجیب نیست که بسیاری از مسیحیان

۲. آزمون دانای و دانش کل موتور جستجوی گوگل در اینجا ناموفق است. ظاهراً فقط خدا می‌داند که این نقل قول از کجا سرچشمه گرفته است. برخی می‌گویند مارتین لوتر (جرعه انقلاب پروتستان را زد)، برخی دیگر می‌گویند مارتین لوتر کینگ جونیور (به ضد برتری نژاد در آمریکا در قرن ۲۰ مبارزه کرد). با توجه به اینکه چگونه مارتین لوتر کینگ به نام مارتین لوتر نامگذاری شده است، اجازه دهید این را به هر دوی آنها نسبت دهیم.

در اصل به این واقعیت واقف اند، اما تعداد کمی از آنها در کلیساها آن را عملی می‌سازند؟

مشکل ما نحوه گفتگوی ما در باره دعا نیست. ما در مورد دعا با تمام حرارت و شفافیتی که شایسته آن است صحبت می‌کنیم. مشکل ما نحوه برخورد با دعاست. عمل ما با گفتار ما یکی نیست، که همیشه نشانه گر این ست که چیزی فراموش شده است (یعقوب فصل ۲ را ملاحظه کنید)

احتمال دعا کردن در برخی از کلیساها وجود دارد. شاید در جایی کلیسایی وجود دارد که هرگز دعا نکند، اما فکر نمی‌کنم شما در کلیسایان چنین می‌کنید. من کلیسای شما را نمی‌شناسم، اما یقین دارم مواقعی وجود دارند که دور هم برای دعا کردن جمع می‌شوید. چنین دعا‌هایی ممکن است کوتاه و مختصر باشند، اما جلسه دعا دارید.

و آنچه به نظر من بزرگترین مساله است: نه نبود کامل دعا؛ بلکه دعای بسیار اندک و کم، می‌باشد. در اینجا نقل قول دیگری برای آشکار شدن بیشتر این ناامنی‌های مربوط به دعا آمده است: «بنابراین به یکی از شرارت‌های فاحش این دوران، شاید در همه اعصار - دعای کم یا دعا نکردن، می‌رسیم. از میان این دو شریر، شاید دعای کم بدتر از دعا نکردن باشد. دعای کم مایه تسلی خاطر و وجدان، و نوعی تخیل است و کاری بیهوده و فریب است زیرا دعای کم آشکار می‌کند ما زمان اندکی را برای دعا کردن اختصاص داده‌ایم!»^۳

وقتی دعا کوتاه و به ندرت باشد، وقتی فقط به اندازه‌ای انجام شود که وجدان آسوده شود و نه بیشتر، یعنی ما به مشکل برخوردیم. هر یک از ما بخشی از کلیساهایی بوده‌ایم که دعا در آنجا حضور دارد اما نه قدرتمند و هدفمند. متأسفانه، دعا‌های ما در کلیسا اغلب شبیه دعای قبل از وعده خوراک است: اجباری و خشک که کسی از آن بهره مند نمی‌شود. دعا در کلیسای ما به ابزاری برای گذر از یک

۳. E. M. Bounds, E. M. Boundson Prayer (Peabody, MA: Hendrick-son, 2006), 118.

بخش جلسه به بخش بعدی تقلیل پیدا کرده است و فقط تبدیل به این شده است که اجازه دهید همه چشمهایشان را ببندند و سرهایشان را خم کنند تا رفت و آمد گروه پرستش (نوازندگان و سرایندگان) داخل و خارج از صحنه چندان بی نظم و ترتیب به نظر نرسد.

آیا خطر را در دعای کم می بینید؟ هر جا که دعایی وجود دارد، خود دعا مطلبی را بیان می کند، به شنوندگان مطلبی می آموزد. دعا چیزی را فریاد می زند. به کلیسا می آموزد که واقعاً به خداوند نیاز داریم. هر جا که دعا وجود ندارد، این فرضیه را تقویت می کند که ما بدون خداوند زندگیمان خوب پیش می رود. به ندرت دعا کردن به کلیسا می آموزد که خدا تنها در مواقع خاص مورد نیاز است – تحت شرایط خاص نه در همه مواقع. به کلیسا می آموزد که کمک خدا بطور متناوب ضروری ست، نه بطور مداوم. کلیسا را متقاعد می کند که چیزهای بسیاری وجود دارند که ما بدون کمک خدا هم می توانیم انجامشان دهیم، و تنها وقتی مزاحمش می شویم که در موقعیت های به مراتب دشوارتری قرار بگیریم!

لحظه ای با من در مورد رویدادهای نژادپرستانه ای که در تابستان ۲۰۱۶ ایالات متحده را بمباران کرد فکر کنید. در یک هفته کشور شاهد کشته شدن فیلاندو کاستیل، آلتون استرلینگ و پنج افسر پلیس در دالاس بود. مردم منزوی و منفعل شدند و در هر گوشه ای کسی موردی برای سوگواری داشت. بر خلاف آنچه که در پشت پرده در بین مردم در جامعه رخ می داد؛ کلیساهای بسیاری به صورت گروهی گرد هم آمدند تا برای جامعه، کلیساهای رهبران، و ملتشان دعا کنند. برخی کلیساهای با کلیساهای با کلیسای های فرقه خود گرد هم آمدند. برای یک فصل، دعاها با به نظر قدرتمند، فشرده، و هدفمند می رسید. صدای فغان و فریاد یکدل ما این بود، «خداوندا، ما به کمک تو نیاز داریم!»

با این حال، پس از عبور از این بحران ها، دعای دسته جمعی نیز تمام شد. این مطلب باید به تنهایی گویا باشد، اینطور نیست؟ این نشان می دهد که ما با دعا به عنوان موردی خاص رفتار می کنیم، که

به معنای مراقبت از چیزهایی ست که نمی توانیم به تنهایی از عهده آنها برآییم. ما با دعا همانند نفس کشیدن برخورد نمی کنیم. ما با آن همانند داروهای که به منظور رهایی از خطر یک عفونت است رفتار می کنیم. عفونت ناپدید شود، حرارت و دفعات دعاهاى ما نیز ناپدید می شود.

لحظه روى راستى

اجازه دهید برای دقیقه‌ای صادق باشم. از آنجایی که من مجبور نیستم به چشم هیچ یک از شما نگاه کنم، در اعتراف به عیب‌هایم کمی شجاع تر هستم. اگر شما هم شبیه من هستید و خواندن کتابی در مورد دعا باعث می شود احساس کنید که شکست خورده‌اید، لطفاً بدانید که نوشتن کتابی درباره دعا کردن احساس ریاکاری در من ایجاد می کند. من اولین کسی خواهم بود که اعتراف می کنم که در مورد دعا متخصص نیستم. مهارت خاصی در این مورد احساس نمی کنم. من در رزومه و پیشینه کاری‌ام عنوان «مرد توانا در دعا» را قرار نمی دهم. من با دعا در کشمکش هستم. و همیشه این جدال را دارم. احساس می کنم دعاهايم اغلب ضعیف است.

این را به این دلیل می گویم که افرادی را دیده‌ام که با چه قدرتی دعا می کنند و می دانم که من یکی از افراد نیستم. اما مادرم یکی از آنهاست. به یاد می آورم که هر روز او را تماشا می کردم که از سر کار به خانه می آمد و در مسیر رسیدن به اتاقش به ما سلام می کرد. در آن روزها که درب اتاق خوابش ترک برداشته بود، از لای ترک در او را می دیدم که کنار تختش زانو می زند تا دعا کند. در دعا او فردی متفاوتی میشد. هر روز این کار را می کرد. حتی همین امروز هم برایم دعا کرد. در هر تماس تلفنی تا برایم دعا نکنید، گوشی را قطع نمی کند. و اگر فراموش کند، دوباره تماس می گیرد و یا پیام صوتی می گذارد. پدرم نیز همینطور بود. بنابراین وقتی در سال ۲۰۰۱

کلیسا را تاسیس کردند، آن کلیسا دی ان ای دعای آنها را به ارث بردند، همانگونه که فرزندان چهره والدین خود را به ارث می‌برند.

پدر و مادرم و شبانان، واعظین، و نویسندگانی که بیشترین تاثیر را در من گذاشتند همگی مردان و زنان توانایی در دعا بودند. آنها بهترین تلاش و تکاپوی مرا در دعا به چالش کشیدند. من می‌دانم که «جنگجویان دعا» بودن چگونه به نظر می‌رسد (اگر به من اجازه دهید از این اصطلاح «جنگجویان دعا» استفاده کنم) زیرا من از نزدیک شاهد آن بوده‌ام، نه به این دلیل که در طول زندگی مسیحی خودم را مثل آنها نشان داده‌ام. در اغلب سفر ایمانم، متوجه شدم که در بیشتر ویژگی‌هایی که تحسین می‌کنم، خود نقص دارم.

نقطه عطف من

چندین سال پیش، اتفاق وحشتناک و شگفت‌انگیزی رخ داد. شش هفته قبل از تاسیس کلیسایی که در حال حاضر شبانی آن را برعهده دارم، برادر سی و دو ساله‌ام ناگهان در گذشت. بدون هیچ توضیحی. بدون علت مرگ، هیچ چیز قطعی در کالبدشکافی وجود نداشت. بدون هیچ مساله و موردی. فقط رفت که رفت. برای اولین بار در زندگی‌ام، احساس کردم در حال خفه شدن هستم. نمی‌توانستم نفس بکشم. اگر تا به حال احساس خفگی کرده باشید، پس میدانید که چقدر همه چیز را بغرنج و پیچیده می‌کند. اما این اندوه، به کمک فیض خدا، بهترین اتفاقی بود که می‌توانست برای رابطه من با خداوند و کلیسایمان حادث شود. خدا از موقعیت وحشتناکی استفاده کرد تا یک چیز شگفت‌انگیز را در من متولد و بیدار کند.

همین حالا برای اولین بار بعد از چند ماه دوباره گریه می‌کنم. گمان می‌کردم در مورد مرگ برادرم روی خود کار کرده بودم، اما همچنان که در این مورد فکر می‌کنم قلبم به درد می‌آید و آهی بلند می‌کشم، به معنای واقعی و مجازی، ابزاری بود که خدا از آن استفاده

کرد تا به من در درک این نکته که دعا، نفس کشیدن است، کمک کند.

افکار نامطلوبم محو شدند زمانی که زبانم به دعا گشوده شد. از حرف‌هایی که از دهانم بیرون می‌آمد، هم شوکه بودم هم آرام و آسوده، هم شرمسار و هم عصبانی بودم. من خدا را دروغگو خواندم. او بی‌رحم و بی‌توجه به نظر می‌رسید. سپس در همان دم، از او تقاضا کردم که فیض خود را بر من بباراند. احساس حقارت، خشم و نفرت داشتم. و من به او گفتم. کاری از دست من بر نمی‌آمد جز اینکه به او بگویم. همه این (احساسات) فقط ظاهر می‌شدند. درد مانند یک سرم حقیقت بود که مرا مجبور کرد به تمام افکار ناشایستم درباره او اعتراف کنم. و او آن را از من گرفت؛ هم چنین هر ذره آن را. او دیدگاه منفی مرا تصحیح کرد، نه با کلماتی توبیخ آمیز بلکه با کلامی تسلی بخش.

در حالی که غرق در اندوه و ماتم بودم، مخزن اکسیژنم را خالی کرد تا مجبورم کند برای بدست آوردن هوایی تازه بالا بیایم! وقتی به او نزدیک شدم، نه با شانه و تکیه گاهی سرد و منجمد که البته سزاوارش بودم، که با آغوشی باز مواجه شدم. هر دعایی که قبلاً انجام می‌دادم، دعا نبود. رسمی، خنک، ضد عفونی شده، تمرین شده و تکراری بود. برای اولین بار در زندگی ام، احساس کردم که می‌دانم دعا کردن و برقراری رابطه با خدا چیست. وقتی غم و اندوه قلبم را - هر یک از آنها را - به حضورش بردم، با خدایی ملاقات کردم که نگران این نبود که غصه هایم را با او به اشتراک بگذارم.

خدا آخرین نفس‌های برادرم را به اولین نفس‌های زندگی روحانیم تبدیل کرد. در نتیجه کل زندگی من زیر و رو شد. و این باعث شد که در کلیسایی که برای رهبری آن آماده می‌شدم، گام بردارم. به کمک فیض خدا، این مصیبت و چندین سختی و مشقات دیگر که کلیسای ما در اوایل تجربه کرد، به تقویت این حقیقت که اغلب

فراموش شده کمک کرد: دعا برای زندگی روحانی، حیاتی و ضروری است. دعا مانند نفس کشیدن است.

کلیدی برای خدمت موثر

من در دهه گذشته دو کلیسا را شبانی کرده‌ام، و با شبکه‌ها، سازمان‌ها، دانشگاه‌های الهیات، مجموعه‌ها و سایر گروه‌های مسیحی مشغول بوده‌ام. من با رهبرانی که رویاهای آینده‌ساز و نظام کلیسایی آنها بسیار قدرتمند و کسانی که هیچ رویایی ندار و نظام کلیسایشان ضعیف است نشسته‌ام. من با افراد با استعداد، افرادی با استعدادهای متوسط و افرادی با استعداد یا مهارتی بسیار کم خدمت کرده‌ام. من با کلیساهای جذاب، کلیساهای فعال در خدمت برون مرزی، کلیساهای بزرگ، کلیساهای متوسط و کلیساهای کوچک همکاری کرده‌ام. در طول تجربه‌ام، آموخته‌ام که این تمایزات مهمترین نیستند. آنها حاشیه‌ای و ثانوی هستند. اگر من مجبور بودم برای ایجاد دو دسته کلیسا خطی بکشم، از این تفاوتها پیروی نمی‌کردم. من آموخته‌ام که کلیساها را به عنوان کلیساهایی بینم که دعا می‌کنند و کلیساهایی که دعا نمی‌کنند. همانطور که بعداً توضیح خواهم داد، تعهد کلیسا به دعا یکی از بزرگترین عوامل تعیین کننده تاثیرگذاری آن در خدمت است.

دعا برای مسیحی اکسیژن است و ما را حفظ می‌کند. بنابراین، دعا باید منبع حیات برای هر جامعه‌ای از مسیحیان باشد. برای کلیسا همان چیزی است که برای هر فرد است - نفس کشیدن. با این حال، بسیاری از گردهمایی‌های ما را می‌توان به افرادی تشبیه کرد که صرفاً برای حبس نفس یکدیگر دور هم جمع می‌شوند. این توضیح می‌دهد که چرا مردم به نظر می‌رسد انرژی کمی برای زندگی واقعی در زندگی مسیحی دارند.

اما نفس کشیدن باهمدیگر چیزی است که کلیساهای ما به آن نیاز دارند. هیچ چیز مثل دعا ما را فروتن نمی‌کند. هنگامی که دعا

می‌کنیم، به ما یادآوری می‌شود که دعا مانند سایر رژیم‌های دنیوی نیست که به استعداد چشمگیر و تمرین بیشتری برای به دست آوردن نتایج عالی نیاز داشته باشد. برای مثال، اگر کسی امیدوار است که برای نواختن یک ساز پاداش یا جوایزی دریافت کند، ابتدا باید سالها تمرین کند تا به سطحی از تخصص دست یابد. نتایج عالی ناشی از یک تمرین طاقت فرسا و طولانی مدت است. هیچ بازده اولیه‌ای برای نوآموزان وجود ندارد.

دعا چنین چیزی نیست زیرا نتایج عالی نتیجه مستقیم یک تمرین طاقت فرسا و تخصصی نیست. نتایج عالی از جانب فرمانروای پرفیض ماست، پاداش دهنده بزرگ که پاداش قومش را که از او استعانت می‌جویند، می‌دهد.

بسیاری از دستاوردهای بزرگ در دعا از افراد نوایمان به دست می‌آید؛ ابراهیم خدا را ملاقات کرد، و خدا پیشنهاد داد که دعای او را بشنود و شهری را که برادرزاده‌اش در آن سکونت داشت نجات دهد (پیدایش ۱۸ آیات ۲۲ الی ۳۳). موسی خدا را در بوته‌ای در حال سوختن ملاقات کرد، و مدتی نگذشت که با موفقیت برای اسرائیل شفاعت کرد. (خروج ۳۲ آیات ۳۱ الی ۳۴). در چهل روز پس از قیام و صعود عیسی، شاگردان به گونه‌ای دیگر شروع به دعا کردند. آنها از دعا کردن برای محافظت از خود دست کشیدند و بیشتر برای وفاداری و جسارت انجیل دعا کردند. (مرقس ۸ آیات ۳۱ الی ۳۴؛ اعمال رسولان ۴ آیات ۲۳ الی ۳۱؛ ۵ آیات ۴۰ الی ۴۱). خدا به دعای افراد نوایمان پاداش می‌دهد، که باعث تشویق دعای مداوم در زندگی قوم خود می‌شود.

اگر دعا مانند نفس کشیدن است، پس به تخصص ما مربوط نمی‌شود. این در مورد تجربه ما از قدرت کسی ست که با او دعا می‌کنیم. دعا انتظارات بزرگی است که در ما پدید می‌آیند وقتی که تجربه واقعی از خدایی داریم که می‌شنود و پاسخ می‌دهد. ما به متخصص نیاز نداریم، و این یک تشویق قوی برای کلیساهایی است که پر از اعضا و حتی شبانانی هستند که احساس می‌کنند نوایمان

هستند. من زیبایی دعا‌های ضعیفی را که با نجات دهنده‌ای مشتاق ملاقات می‌کند، تجربه کرده‌ام. کلیسای ما هم دارد. خیلی شبیه اولین دم و بازدم زندگی شماست. این تجربه شما را مشتاق می‌کند که بارها و بارها آن را بکار بگیرید.

درباره این کتاب

این کتاب خیلی در مورد دعا در زندگی یک فرد مسیحی صحبت نمی‌کند. برای اینکه آثار جامع‌تر و بهتری در این مورد موجود هست. این کتاب درباره دعا در حیات کلیسا است، و زمانی که صحبت از دعای مشارکتی می‌شود، کلیساهای ما به چه چیزی بیشتر از تشویق نیاز دارند؟

بعنوان فردی که کلیساهایی با اندازه‌ها، بودجه‌ها، و محله‌های متنوعی را رهبری کرده است، روابط گسترده‌ای با دیگر مسیحیان و شبانان داشته‌ام. از تجارب گوناگون خود، متقاعد شده‌ام که دعا، حیاتی‌ترین کلیدهای یک خدمت موفقیت آمیز است. به اندازه نفس کشیدن الزامی است. دعا به معنای جایگزینی، برای انجام کاری نیست، بلکه ما را فعال و قادر می‌سازد. اگر می‌خواهیم ببینیم که کلیساهایمان در ایمان به خدا رشد می‌کنند، پس کلیساهایمان باید دعا کنند؛ درست مانند زندگی خود آنها که به دعا وابسته است. ما باید یاد بگیریم که چگونه با هم نفس بکشیم.

دعای من این است که این کتاب مانند گاری بیشتری نداشته باشد. مسیحیان کلاسیک شگفت انگیزی هستند که هرگز تا بازگشت مسیح ارتباطشان را از دست نخواهند داد. اما دعای من این است که به زودی زود، کتابی مثل این، انتظار دارم بازار کمتری نسبت به کتابی تحت عنوان «چگونه با خانواده خود موقع شام نفس بکشیم»^۴ پیدا کند.

۴. How to Breathe with Your Family at Dinner

دعای من این است که این کتاب یک روز بیشتر برای تصحیح باشد، زمانی که انرژی ما کم می‌شود، و کمتر برای متقاعد کردن این موضوع باشد که انرژی ما باید در گام نخست به سمت دعای مشارکتی جهت یابد. دعای من این است که فریاد منظم، مشتاقانه و جمعی ما نزد پدرمان آنقدر عادی و قابل انتظار باشد که مضحک به نظر برسد از اینکه واقعاً کسی برای نوشتن کتابی در این مورد وقت بگذارد. امیدوارم روزی به وقوع پیوندد. اما از آنجایی که آن روز امروز نیست، بیایید این سفر را باهم آغاز کنیم و دعا کنیم که خداوند به آن برکت دهد.

فصل ۲

کاری فوق‌العاده

دعا کردن را به ما بیاموز

ضروری ≠ طبیعی

در سال ۲۰۱۷، من و همسرم یک تماس تلفنی داشتیم که زندگی‌مان را تغییر میداد. ما برای ده سال در تلاش برای داشتن یک فرزند بودیم. به مدت پنج سال از طریق پرورشگاه تلاش کردیم. و بالاخره این تماس تلفنی روز شنبه بود و دوشنبه دخترمان را به فرزندی قبول کردیم.

خبر خوب این بود که سرانجام آنچه را که برایش دعا کرده بودیم را داشتیم. خبر بد این بود او حدود دو ماه زودتر به دنیا آمده بود و نمی‌توانست خودش به تنهایی نفس بکشد. ما نتوانستیم دختر بچه‌مان را به خانه بیاوریم. او مجبور بود در بیمارستان به مدت چند هفته بماند، به دستگاهی متصل شود تا یاد بگیرد چگونه نفس بکشد.

نفس کشیدن، همان چیزی است که برای تداوم بخشیدن به زندگی او ضروری بود، که بطور طبیعی برای او اتفاق نیفتاد. در مورد ما و دعا هم همینطور است. «مسیحی بودن بدون دعا، امکان پذیرتر از زنده بودن بدون نفس کشیدن نیست.» هنوز هم درست است. اما چیزی که برای زندگی ضروری است به این معنی نیست که بطور طبیعی برای ما پیش بیاید. این موضوع همانطور که برای تنفس دخترم صادق بود، برای تنفس معنوی و روحانی ما نیز صادق است.

از طریق کتاب مقدس به نمونه‌هایی از افرادی که به دعا نیاز داشتند، فکر کنید و اینکه صرفاً چقدر برایشان آسان بود که از آن اجتناب کنند.

در مورد آدم و حوا چطور؟ پس از نافرمانی از خدا و درامان ماندن از مرگ آنی، خدای پرفیض ما آمد و با آنها گفتگو کرد. در این مقطع، آنها می توانستند به ضعف خود اعتراف کنند و از خدا تقاضای کمک کنند. آنها نه تنها این کار را نکردند، بلکه در عوض تلاش کردند قضاوت خدا را به سمت کسی که قدری بیشتر «سزاوارش» است معطوف کنند!

قائن پس از دستگیری با دستهای خون آلود، با خدا گفتگوی رو در رو کرد، اما او نه تنها بر ضعف و ناتوانی خود اعتراف نکرد بلکه تقاضای بخشش هم نکرد. در مزامیر ۳۲، داوود اعتراف می کند که سکوت در مورد گناه خود بجای دعا کردن، به همان اندازه طبیعی و مخرب بود. در مرقس ۱۴ متوجه می شویم که حواریون به جای اینکه به حالت سجده به خاک افتند، دراز کشیدن و خوابیدن را آسان تر از دعا کردن با خدا یافتند. این افراد با وجود نیازشان به دعا رفتاری غیر طبیعی از آنان سر زد و خوابیدند.

دعا کردن را به ما تعلیم بده

یکی از کنایه آمیزترین پاسخ های گفتگو در کتاب مقدس مربوط به زمانی ست که حواریون از عیسی تقاضا می کنند که چگونه دعا کنند (لوقا ۱۱ آیه ۱) چیزی که آن را طعن آمیز می کند این واقعیت نیست که آنها از عیسی می خواهند چیزی به آنها بیاموزد. عیسی خداوند و سرور بود. او حکیم بود، و آنها پیوسته به بعنوان خاخام و معلم به او رجوع می کردند. چرا این درخواست، بسیار قابل ملاحظه و مهم است؟ زیرا این تنها گزارش ثبت شده در کتاب مقدس است که شاگردان از عیسی می خواهند که به آنها آموزش دهد.

وقتی صحبت از اعمال و معجزات عیسی به میان می آید، شاگردان تعجب می کنند که او چگونه می تواند با دعا و امواج را آرام کند. آنها در حالی که عیسی نابینایان را شفا می دهد، دیوها را بیرون می کند و لنگ ها را وادار به راه رفتن می کند، با هیبت ایستاده اند.

پطرس نمی پرسد عیسی چگونه روی آب راه می رود. او درخواست می کند و از قایق بیرون آمده و روی آب راه می رود.

وقتی عیسی در لوقا ۱۰ هفتاد تن را دو به دو به ماموریت میفرستد، دستورالعمل‌هایی گام به گام در مورد چگونگی درمان جذام یا بیرون راندن شیاطین نمی دهد. او دستوراتی می دهد، می گوید بیماران را شفا دهید و پادشاهی خدا را اعلام کنید. اما شاگردان به عیسی نمی گویند: «اما عیسی زمانی که کوری را شفا دادی ما خواب بودیم و نمی دانیم چه مقدار از آب دهان برای شفای مرد نابینا استفاده کردی؟» آنها دستورات عیسی را همانگونه که داد، بدون هیچ پرسشی پذیرفتند و با آنها راهی شدند، و بعد از مدتی آن هفتاد تن با شادی بازگشتند و گفتند که واقعاً دستورات مثرثمر بودند.

حتی زمانی که شاگردان با ناتوانی خود مواجه می شوند، مانند زمانی که در مرقس ۹ موفق به بیرون راندن دیو نمی شوند، به عیسی نمی گویند، «به ما بیاموز که چگونه این کار را انجام دهیم». در عوض، آنها می گویند: «چرا نتوانستیم؟» آنها به دنبال تشخیص اشتباه خود هستند، نه یک نسخه‌ای برای انجام صحیح آن.

اما وقتی نوبت به دعا می رسد، شاگردان به عیسی میگویند، «ما را بیاموز» (لوقا ۱۱ آیه ۱). آنها به طور موثر میگویند: «ما باید یاد بگیریم. ما می دانیم که چگونه با دوستان خود صحبت کنیم. ما حتی می دانیم وقتی اینجا هستید چگونه با شما صحبت کنیم. اما دعا چیزی متفاوت به نظر می رسد، و این چیزی است که ما نمی دانیم چگونه انجام دهیم».

عیسی با دستورالعمل‌هایی پاسخ می دهد، که ترکیبی از نحوه صحبت کتاب مقدس در مورد دعا است (متی ۶ آیات ۹ الی ۱۳؛ لوقا ۱۱ آیات ۲ الی ۴ را ملاحظه کنید). عیسی راهی برای قرار دادن فرمان روی مسائل دارد. او ۶۱۳ فرمان عهد عتیق را می گیرد و آنها را در چند کلمه ساده خلاصه می کند: خدا را دوست بدارید و دیگران را دوست بدارید. او همین کار را با تعالیم کتاب مقدس در مورد دعا

انجام می‌دهد. او در چند بیت، پایه و اساس همه دعا‌های ما را برپا می‌کند.

پایه گذاری: دعا چیست؟

ما به آن ابیات در دو فصل آینده خواهیم پرداخت. اما اکنون، بطور ساده می‌پرسیم: دعا چیست؟ دعا به ورود دو تن به مباحثه معنادار گفته شده است، تعاریف باید همیشه نقطه آغازی باشد»^۵ می‌دانیم که دعا ضروری است؛ ما می‌دانیم که به طور طبیعی برای ما اتفاق نمی‌افتد. ما باید بیاموزیم که چگونه مانند شاگردان دعا کنیم. اما اگر ابتدا نتوانیم در مورد دعا به توافق برسیم، صحبت در مورد دعا و چگونگی شکل دهی کلیسا برای ما مفید نخواهد بود.

شاید بگویید: «این به نظر اتلاف وقت می‌رسد. هر کسی می‌داند که دعا چیست. حتی مجبور نیستید مسیحی باشید تا بدانید دعا چیست.» نه با این عجله. گاهی معمول‌ترین کلمات مانند دعا برای تعریف کردن دشوارترین هستند.

شما در مکالماتان چند بار از کلمه «خب یا بنابراین» استفاده می‌کنید؟ هیچ کس وسط جمله، شما را متوقف نمی‌کند تا از شما تقاضا کند که استفاده از واژه «خب یا بنابراین» را توضیح دهید. به نظر آنقدر پیش پا افتاده می‌رسد که نیازی به تعریف شدن ندارد. اما جلو بروید و آن را (بدون استفاده از فرهنگ لغت یا گوگل) تعریف کنید.

متوجه منظورم می‌شوید؟ این کلمه‌ای است که استفاده از آن آسان‌تر از تعریف کردن آن است. گاهی اوقات، رایج‌ترین واژه‌ها سبب سردرگمی بیشتر می‌شوند، و واژه «دعا» هم از این قاعده مستثنی نیست.

۵. James R. Estep Jr., Michael J. Anthony, and Gregg R. Allison, A Theology for Christian Education (Nashville: B&H, 2008), 6.

تعاریف برای دعا فراوان اند. در اینجا چند نمونه داریم:
دعا گفتگو با خداست.

فقط با خدا حرف بزنید درست همان گونه که با بهترین دوست خود حرف می زنید.

دعا درخواست چیزی از خداست.

دعا همان حکم و درخواست ماست؛ آنچه را که از او می خواهیم را خدا انجام خواهد داد. اما ما با او کشتی می گیریم تا زمانی که خواسته ما را انجام دهد؛ خدا می خواهد ببیند که برای آنچه از او می طلبیم چقدر دعا می کنیم. ما باید از او آنچه که می خواهیم را بطلبیم. ما نیاز داریم که نام او را بخوانیم و از او بخواهیم.

دعا، یکی شدن اراده ما با اراده خداست.

دعا برای چیزی گرفتن از خدا یا وادار کردن او به انجام عملی نیست. آنچه را نیاز دارید او می داند و پیشاپیش معین کرده است که آیا قصد دارد به شما آن را بدهد یا خیر. دعا به راستی تماماً در مورد یکی شدن اراده شما با اراده خدا است. دعا بیشتر از آن که برای خدا باشد برای شماست.

دعا تفکر آرزومند هدفمند در راستای خداست.

دعا چیزی نیست جز آرزوی خوب یا تفکر آرزومند در مواجهه ما با خوشی ها و مصیبت ها.

دعا ترکیبی از همه این موارد است.

حق با کیست؟ ما نمی‌توانیم به هیچ تعریفی بسنده کنیم. ما به یک مورد دقیق و مناسب نیاز داریم. چرا؟ چون تفسیر نادرست منجر به عملکرد نادرست می‌شود.

آیا تا به حال داستان مردی که برای مادرش در روز مادر یک طوطی گرانقیمت هدیه کرد را شنیده‌اید؟ او ۱۰۰۰۰ دلار برای یک طوطی پرداخت کرد که می‌توانست به چهل زبان صحبت کند و چند سرود بخواند. او پرنده را نزد مادرش فرستاد و تا چند روز دیگر خبری نشد. پریشان حال از اینکه نکند مادرش پرنده را دوست نداشته باشد، با مادرش تماس گرفت و جویا شد، «چطور شد پرنده را دوست داری؟» که او پاسخ داد، «عالی بود!» پسر با غرور، پرسید، «از چه چیزی بیشتر خوشش اومد؟» او پاسخ داد، «ران‌ها. آنها خوشمزه بودند.» تفسیر اشتباه، کاربرد اشتباه!

دعا چه چیزی نیست

زمان این اجازه را به ما نمی‌دهد تا به هر یک از تعاریف پردازیم، اما اجازه بدهید بطور مختصر در مورد چند روش معمول و رایجی که مردم در مورد دعا فکر می‌کنند، صحبت کنیم.

خروج ۳۳ آیه ۱۱ به ما می‌گوید که موسی با خدا رو در رو صحبت کرد همانطور که کسی با دوستش صحبت می‌کند. من فکر می‌کنم می‌توان بر اساس کاربرد نادرست این آیه، الهیات اشتباهی از دعا را ساخت.

عیسی خدا در جسم بود. بنابراین هر موقع که شاگردان با عیسی گفتگویی داشتند، آنها با خدا حرف می‌زدند همانطور که با هر کس دیگری. اگر دعا صرفاً به معنای گفتگو با خدا بود، و عیسی خدا بود، آیا نباید هر مکالمه‌ای را که کسی با عیسی داشت به عنوان دعا در نظر گرفت؟ فکر نمی‌کنم عیسی آن را اینطور دیده باشد.

هنگامی که فیلیپ از عیسی می‌خواهد که پدر را به آنها نشان دهد، عیسی در پاسخ می‌گوید: «هر که مرا دیده، پدر را دیده است» (یوحنا

۱۴ آیه ۹). به نظر می‌رسد عیسی می‌گوید: «دنبال چه هستی. اگر مرا دیده‌ای، خدا را دیده‌ای» (عبرانیان ۱ آیه ۳ را ملاحظه کنید). با این حال، وقتی شاگردان از عیسی می‌خواهند که به آنها یاد دهد چگونه دعا کنند، او به همان شیوه پاسخ نمی‌دهد. او نمی‌گوید: «خُب، اگر با من صحبت کرده‌ای، با پدر صحبت کرده‌ای.» در عوض به آنها دستور می‌دهد. او به آنها الگویی می‌دهد که چگونه به شخص دیگری غیر از کسی که درست در مقابلشان ایستاده است خطاب کنند: «پدرما» (متی ۶ آیات ۹ الی ۱۵؛ همچنین ببینید لوقا ۱۱ آیات ۱ الی ۴)

در حالی که دعا چیزی بیش از گفتگوی معمولی با خالق ما است؛ دعا، دخالت در اراده خدا برای برآوردن خواسته‌های ما نیست. خدا قادر مطلق است. ما نمی‌توانیم در اراده او دخالت کنیم. او خیلی قوی است ما نمی‌توانیم بیشتر از آن چیزی که دختر نوزادم می‌تواند انجام دهد از او بخواهیم – دخترم چیزی که من نیاز دارم یا می‌خواهم را ندارد. ما نمی‌توانیم از خدا چیزی غیر ممکن را بخواهیم حتی اگر به آن نیازمند بوده باشیم.

بینید منظورم از دشواری درک دعا چیست؟ این به اندازه همه تعاریفی که شاید با آنها بزرگ شده‌ایم، صریح و شفاف نیست. تعریف دعا امروزه متفاوت‌تر از گذشته است و همچون گذشته بریده و رسمی و خشک نیست.

فراخواندن نام خداوند - خداوند را صدا کردن

من تا ابد مدیون کتاب گری میلر - خواندن نام خداوند Calling on the Name of the Lord: الهیات کتاب مقدسی دعا - هستم. کتاب او صرفاً پاسخی ست به این پرسش: دعا دقیقاً چیست؟ او به دنبال ریسمان مشترکی می‌گردد که هر نمونه از دعا از پیدایش تا مکاشفه را بهم ببافد تا تعریفی از کتاب مقدس برای دعا ایجاد کند که

خاص و در عین حال فراگیر باشد. نتیجه گیری او چنین است: دعا «فراخواندن خداست برای عمل به وعده اش».^۶

اولین نمونه ثبت شده دعا در کتاب مقدس در پیدایش ۴، بیرون باغ عدن اتفاق می افتد: «آدم و زنش صاحب پسر دیگری شدند. آدم گفت: «خدا به جای هابیل پسری به من داده است» پس اسم او را شیت گذاشت. شیت دارای پسری شد که اسم او را انوش گذاشت. و از این موقع بود که مردم پرستش نام خداوند را آغاز کردند» (پیدایش فصل ۴ آیات ۲۵ الی ۲۶).

خواندن نام خداوند چیزی فراتر از گفتن نام او با صدای بلند است. در سراسر کتاب مقدس، نام خداوند مترادف با ذات خداوند است. خواندن نام او به معنای توسل به شخصیت اوست. فریادی برای کمک است، شبیه زمانی ست که کسی فریاد میزند: «با ۹۱۱ تماس بگیرید! بعد از تماس با ۹۱۱، «آیا به نظرتان ما بایستی در مورد چگونگی و نحوه مکالمه مان با ۹۱۱ سوالی پرسیم؟» فکر می کنم تماس با ۹۱۱ به معنای درخواست کمک است بر اساس آنچه که می دانیم ۹۱۱ چیست - یک خط اضطراری. همین امر در مورد فراخواندن نام خداوند نیز صادق است.

پیدایش ۴ آیه ۲۶ همان چیزی ست که میلار آن را آیه «ستون» می نامد.^۷ دیوارهای بدون ستون را می توان بدون آسیب رساندن به یکپارچگی ساختاری خانه خراب کرد. از سوی دیگر، دیوارهای ستون را نمی توان بدون فروریختن خانه خراب کرد. آیه ۲۶ این نوع بار سنگین را برای درک معنای دعا بر دوش می کشد. این به ما کمک می کند تا چارچوبی برای چگونگی درک دعا بسازیم، زیرا این اولین بار است که در کتاب مقدس می بینیم که افرادی نام خداوند را فرا می خوانند.

۶. Gary Millar, Calling on the Name of the Lord: A Biblical Theology of Prayer, New Studies in Biblical Theology (Downers Grove, IL: Inter Varsity Press, 2016), 27.

۷. Millar, Calling, 26.

پس آن آیه بنیان و اساس و ستون است. در پیدایش ۱ و ۲، خدا جهانی کامل می آفریند، و آدم و حوا را در آن قرار می دهد تا با خدا ارتباط برقرار کنند و شکوه و جلالش را در سراسر آفرینش منعکس کنند. در پیدایش فصل ۳، آدم و حوا توسط مار فریفته می شوند، و تصمیم می گیرند به جای انعکاس (جلال) خدا، جایگزین خدا شوند. وقتی خدا با گناه آنها روبرو می شود، آدم حوا را مقصر می داند، و حوا مار را.

سپس خدا شروع به صحبت می کند. او چه می گوید؟ در پیدایش فصل ۳ آیه ۱۵ (آیه اساسی دیگر) خدا از واژه وعده صحبت می کند. یک روز، نسل این زن، سر مار را له خواهد کرد. زن صاحب فرزندی خواهد شد که این مکار فریبنده را شکست دهد. اگر چه آدم و حوا گناه کردند، خدا با مهربانی و فیض خود زندگی آنها را حفظ می کند و وعده می دهد که روزی از طریق این پسر همه چیز را اصلاح خواهد کرد.

بنابراین پیدایش ۴ در ابتدا امیدوار کننده است. آدم و حوا یک پسر دارند و آنها معتقدند که اولین فرزندشان وعده محقق شده خداست. آنها نام قابیل را به او می دهند، که به معنی «به دست آمده» است. آنها تصور می کنند که او همان بذر عهد وعده داده شده در پیدایش فصل ۳ آیه ۱۵ است. اما پس از اینکه قابیل از اولین مراسم مذهبی با دست های آغشته به خون برادرش باز می گردد، توسط خدا تبعید شد، و بر همگان آشکار است که او همان تخم و بذر وعده داده شده که در موردش صحبت شد، نیست.

ادامه پیدایش ۴، شجره نامه ای از فرزندان قابیل است که به یکی از خویشاوندان دور به نام لمک ختم می شود. قتل در خانواده قابیل جریان دارد، و لمک اکنون به این می بالد که چگونه از پدر بزرگ جد خود پیشی گرفته است. اینجاست که آیات ۲۵ و ۲۶ وارد می شوند.

آدم و حوا پسر دیگری به نام شیث دارند که پیشنهاد دیگری می‌دهد. این مردم از خدا می‌خواهند تا به وعده خود عمل کند، حتی اگر آن روز امروز نباشد. وقتی مردم شروع به فراخواندن نام خداوند می‌کنند، آنها «از خداوند می‌خواهند تا به وعده خود از طریق پسرش» که نفرین را برمیگرداند و مار را شکست می‌دهد، عمل کند.^۸

جان کالوین اظهار می‌کند، «دعا در کتاب مقدس ارتباط تنگاتنگی با انجیل دارد – راه حلی که خدا برای مشکل سرکشی و تمرد انسان علیه خود و عواقبش مهیا کرده و وعده داده است. شکل انجیلی دعا از صفحات آغازین کتاب مقدس مشهود است – و به ویژه در پیدایش ۴ آیه ۲۶، زمانی که مردم برای اولین بار شروع به «خواندن نام یهوه» می‌کنند – درست مانند زمانی که در پایان در کلیسا دعا می‌کنند و میگویند «بیا، ای خداوند ای عیسی! (مکاشفه ۲۲ آیه ۲۰ را ملاحظه کنید).^۹ بنابراین، دعا به یک معنا می‌گوید، «آیا ما هنوز آنجا هستیم، خدا؟ پس، لطفاً چیزهایی که وعده داده‌ای را به انجام برسان.» دعا در کتاب مقدس به امید رستگاری و نجات و بنابراین به خود انجیل مرتبط است.

دعا: نسخه خدا برای زندگی در جهانی سقوط کرده

به دعا به عنوان نسخه خدا برای زندگی در یک جهان سقوط کرده بیاندیشید. این نسخه مانند نسخه‌های دیگر عمل می‌کند. تصور کنید برای یک بیماری که شما را آزار می‌دهد دارویی تجویز شده است. ممکن است مطب دکتر را فقط با یک صفحه کاغذ ترک کنید، اما چیزی تغییر می‌کند. حتی زمانی که بیماری فعلی شما شدید است و شرایط تان تغییر نکرده است چه چیزی باعث لبخند شماست؟ یک کلمه: امید. یک نسخه، خود به تنهایی دارو نیست. آن صرفاً شما را به دارو متصل می‌کند و می‌رساند. ممکن است بیماری تان هنوز شما

۸. Millar, Calling, 27.

۹. John Calvin in Millar, Calling, 15–16.

را آزار دهد، اما نسخه به شما یادآوری می‌کند که بیماری تان زودگذر است چرا که شما راه حل را پیدا کرده‌اید.

همانند یک نسخه، دعا قبل از اینکه شرایط ما را اصلاح کند، نگرانی‌های ما را کاهش می‌دهد. مزمور فصل ۱۳ را در نظر بگیرید. ما از شرایط دقیقی که باعث شد داوود این مزمور را بنویسد مطمئن نیستیم، اما هر کس که آن را می‌خواند تجارب مشابهی داشته است.

مزمور ۱۳ با اضطراب و پریشانی داوود آغاز می‌شود: «خداوند! تا به کی مرا فراموش می‌کنی؟ برای همیشه؟ تا به کی رویت را از من برمی‌گردانی؟» (آیه ۱) اما در پایان، داوود در حال جشن گرفتن رستگاری است: «در وصف تو ای خداوند سرود خواهم خواند، چون تو بر من احسان کرده‌ای» (آیه ۶). مزموری که تنها شش آیه دارد. چگونه داوود با آن سرعت از پریشان حالی به رهایی و رستگاری رسید؟ نه با تغییر شرایطش، بلکه با بردن نگرانی‌هایش به (درگاه) خدا، تقاضا کردن از او که آنچه را وعده داده به انجام رساند، و اعتماد داشتن به آنچه که خواهد کرد.

داوود می‌آموزد که دعا بیشتر از اینکه در مورد این پرسش «کی می‌خواهی؟» باشد در مورد پرسش «آیا می‌خواهی؟ آیا نمی‌خواهی؟» می‌باشد. اگر چه داوود با نگرانی در مورد تنظیم زمان خدا دعایش را آغاز می‌کند، اما در پایان مزمور تصمیم می‌گیرد در خدایی که او را دوست دارد و او را نجات خواهد داد، شادی کند. شخصیت خدا و وعده‌هایش شادی داوود را حفظ کرد، حتی زمانی که شرایط او هنوز تغییر نکرده بود. همانند یک نسخه، دعا امیدی را که داوود بدان نیاز داشت را فراهم می‌کند تا استقامت و پایداری و صبر داشته باشد: خدا وعده‌ای داده است، و او همیشه به وعده‌های خود عمل می‌کند.

تشویق عیسی

چیزی فروتنانه‌تر از این نیست که از کسی بخواهید به شما یاد دهد که چگونه کاری را انجام دهید. خوشبختانه، عیسی زمانی را صرف تادیب شاگردانش نمی‌کند؛ در ازا، آنها را تقویت می‌کند، و انگیزه‌های فراوان دعا را برجسته می‌سازد. عیسی به وسیله تمثیل‌ها و داستان‌های دیگر، آنچه را که در دعا نکردن از دست می‌دهیم را برجسته و شفاف می‌کند.

هنگامی که عیسی در مورد دعا آموزش می‌دهد او با مهربانی و فیض خود به ما یادآور می‌شود که خدا ما را می‌بیند—نه با روشی که وقتی کسی مرتکب جرم و خطایی می‌شود دورین ثبت و ضبط کند، بلکه با روشی که یک رئیس مخفی شده به کارمندی که کار درستی انجام می‌دهد پاداش می‌دهد. این حقیقت را با یادآوری عیسی مطابقت دهید که دعاها با قدرتش از زیبایی می‌شوند نه با طولشان، و همه ناامنی‌ها و نگرانی‌های ما بایستی ناپدید شود. دستورات خداوند ما هیچ بهانه‌ای برای دعا نکردن به ما نمی‌دهد، و هر تشویق به دعا در پرتو امید ماست.

شکل کلیسا از دعا

این امید بین مسیحیان مشترک است. امیدی ست که بر زندگی‌هایمان حکمرانی می‌کند. (اول تیموتائوس ۴ آیه ۱۰ را ملاحظه کنید؛ تیتوس فصل ۱ آیات ۱ الی ۲ و ۲ آیات ۱۱ الی ۱۴؛ ۳ آیات ۴ الی ۷). این بدان معناست که امید برای مسیحیان از آن ماست، نه فقط از آن من. همانطور که مارک دیور می‌گوید، «پاسخ به این پرسش که یک مسیحی کیست، غیر ممکن است، بدون پایان دادن به گفتگویی درباره کلیسا—دست کم در کتاب مقدس چنین است.»^{۱۰} اگر دعا به امیدی که ما در مسیح شریک هستیم متصل باشد،

۱۰. Mark Dever, What Is a Healthy Church? (Wheaton, IL: Cross-way, 2007), 26.

پس دعا بایستی بازتاب یکی بودن ما در مسیح باشد. اگر دعا شکل انجیلی دارد، پس بطور ضمنی باید شکل یک کلیسا را داشته باشد.

در این کتاب ما به هر مثالی از دعا در کتاب مقدس نخواهیم پرداخت. ما بیشتر زمان خود را صرف دو مورد خواهیم کرد. به این معنا نیست که مابقی اهمیت ندارند. صرفاً کمکی ست به ما تا درک کنیم که دعا بایستی شبیه به یک الگو و در عمل باشد. و ما چه مدل بهتری از دعایی داریم که خداوند ما عیسی مسیح ارائه کرده است؟ آموزش و الگوی او به ما در ساختن چارچوبی که به ما اجازه دهد درک بهتری از دعا و پیامدهای مشارکت آن داشته باشیم، کمک خواهد کرد.

فصل ۳

دنیا از آن شماست

مشکل ما اینجاست: بی‌دعایی خودکشی روحانی‌ست. بنابراین چیزی که پیشنهاد می‌دهم این است که ما بیشتر دعا کنیم. این کار علم ساخت موشک نیست، می‌دانم. اما قبل از اینکه بتوانیم بیشتر دعا کنیم، باید بدانیم منظورمان از دعا چیست. چطور تعریف کتاب مقدسی از دعا را یاد می‌گیریم؟ عیسی به ما با مهربانی می‌آموزد.

در این دو فصل بعدی به دو بخش از الگوی عیسی برای دعای مسیحی خواهد پرداخت. این زمینه را برای پرداختن به درک ضرورت دعای گروهی فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه کلیسا را شکل می‌دهد.

اولویت‌های فرایند: شروع برای فراگیری نحوه دعا

برادرزاده دو ساله ام، جکسون تا اولین مراسم «روز شکرگزاری» خود نمی‌دانست که کیک چیست، زمانی که همسایه‌های مان کیک را آوردند، کل زندگی او تغییر کرد. زیرا او تا کنون به شیر خشک و میوه و سبزیجات پوره شده، خاک و ترکیبی از این موارد که همگی حکم یک جعبه مداد رنگی را برایش داشتند، عادت داشت اما حالا با ترکیبی از مزه‌های دیگر روبرو شده بود که چیز متفاوتی را برای او رقم می‌زدند. مدت کوتاهی پس از درک این که نام این لذت جدید کیک است، متوجه شد که اگر به سادگی به شکل دستوری آن را بر زبان آورد: «کیک! کیک!»، می‌تواند با درخواست از عموی ساده لوحش کیک را داشته باشد. هربار که عمویش می‌آمد اولین کلمه‌ای که از دهانش بیرون می‌آمد «کیک» بود! البته که من هم ساده بودم و به او می‌دادم ... تا اینکه همسرم مداخله کرد.

«جکسون، اگر کیک می خواهی، این راه خواستن نیست. اگر کیک می خواهی، تو باید بگی، کیک لطفاً». از آن به بعد ما شروع به تعلیم جکسون کوچک از راه پرسش کردیم. هر زمان که او تقضای کیک می کرد، به او می گفتیم، «جکسون، چطور کیک می خواهی؟» که با عجله جواب می داد، «کیک لطفاً!» ما به جکسون فرایند صحیح به دست آوردن آنچه را که می خواهد را آموختیم. ما چیزی را که او می خواست زیر سوال نبردیم.

عیسی با دعا به گونه ای متفاوت برخورد می کند. او مشکل ما را در دعا تصحیح نمی کند، چنانچه من و همسرم انجام دادیم. او به مشکل اولویت های ما می پردازد. جی. سی. رایل اظهار می کند، «به من دعاها ی یک انسان را بگو، و من به زودی به تو وضعیت و حالت روحی وی را خواهم گفتم» هنگامی که عیسی به ما دعا کردن را می آموزد، به ما چگونه خواستن را نمی آموزد. درازا، او به ما می آموزد که چه چیزی بخواهیم. او قبل از آنکه به ما دعا کردن را بیاموزد اولویت های مان را به ما می دهد. بنابراین از اینجا شروع خواهیم کرد.

پدر ما:

دعا با روابط صمیمانه آغاز می شود

دو کلمه ابتدایی دعای ربانی — «پدر ما» — به همان اندازه که آشنا هستند مهم هم هستند (متی ۶ آیه ۹). اما اجازه ندهید این آشنایی شما را نسبت به اهمیت آنها کور کند. دعا با پذیرش نه تنها یک رابطه، که با پذیرش روابط آغاز می شود. ما عادت داریم اینگونه فکر کنیم که دعا رابطه شخصی و انفرادی با خداست، اما چیزی بیش از آن است.

۱۱. J. C. Ryle, A Call to Prayer: With Study Guide (Pensacola, FL: Chapel Library, 1998), 35, Kindle. 2

گرچه ممکن است تمرین دعا در انزوا شبیه یک نجات غریقی در برابر وسوسهٔ تاثیرگذاری بر دیگران از طریق دعاهايمان باشد (متی ۶ آیه ۵)، اما همیشه و فقط به تنهایی دعا کردن شاید یک وسواس و عادت باشد. از خوراکی دادن به پنج هزار تن (یوحنا ۶ آیات ۱۱ الی ۱۰) تا برخاستن ایلعادر از مرگ (یوحنا ۱۱ آیات ۴۱ تا ۴۴) تا ورود به باغ جتسیمانی (متی ۲۶ آیه ۳۶)، عیسی اغلب دیگران را در دعاهايش مدنظر قرار میداد. ما قطعاً نباید در تلاش برای تحت تاثیر قرار دادن دیگران از طریق دعاهايمان باشیم، بلکه همیشه بایستی آنها را در دعاهايمان مدنظر قرار دهیم.

چرا؟ چون ما یک خانواده هستیم. خدا فقط پدر من نیست، که «پدر ما» ست. این دو واژه به ما یادآوری می کند که ما هم فرزندان خدا هستیم هم خواهر و برادر یکدیگر. دعا هرگز به این معنی نیست که صرفاً تمرینی فردی با منافع شخصی باشد، بلکه یکی از اصولی ست که به ما یادآوری می کند که ما به عنوان یک فرد، مسئول دیگران هم هستیم. این به این معناست که هر زمان که ما دعا کنیم، بایستی ساختار و طرز تفکر فردی را کنار بگذاریم. ما در رابطه خود با خدا فقط یک فرد نیستیم، بلکه ما بخشی از جامعهٔ افرادی هستیم که دسترسی یکسان و برابری به خدا دارند. دعا یک تمرین جمعی ست.

اگر که فکر می کنید بیش از حد به این موضوع می پردازم، به موعظه سر کوه (متی ۵ الی ۷) توجه کنید، عیسی مایل است تا از ضمایر مفرد به هنگام صحبت کردن با جمعیت در مورد اخلاق استفاده کند. پندهای اخلاقی او در رابطه با شهوت (فصل ۵ آیات ۲۹ الی ۳۰)، زناکاری و طلاق (فصل ۵ آیات ۳۲ الی ۳۳)، و خونخواهی و انتقام (فصل ۵ آیات ۳۹ الی ۴۲) در همگی ضمایر مفرد به کار برده است. اما موقع صحبت با همین جمعیت در مورد دعا، همهٔ ضمایرش جمع هستند (فصل ۶ آیات ۹ الی ۱۳). این یک خطای دستور زبانی نیست. این همان تعلیم عیسی به ماست.

ما یک خانواده ایم چون همگی همان پدر را داریم. قبل آنکه چیزی در دعا بطلبیم، به ما یادآوری می شود که خدا فقط فرمانروا و

قاضی مطلق و قدرتمند ما نیست. او پدر ما نیز هست. عیسی بعنوان جایگزینی برای گناهان ما جان سپرد تا ما در حضور خدا عادل شمرده شویم (تا عادل شمردن ما را اعلام کند). اما او با پذیرفتن ما به عنوان خانواده خود خواسته خود را در عمل انجام داد.^{۱۲} این به این معناست که هیچ ترسی نداشته باشیم زمانی که به سوی خدا می آییم.

آیا می بینید که چقدر حیرت انگیز است؟ پدر ما می شنود و گوشش را به ما متمایل می کند (مزمور ۵ آیات ۱ الی ۳). پدر ما با وجود تمام نقص ها و ضعف هایمان رحم و دلسوزی خود را به ما نشان می دهد (مزمور ۱۰۳ آیه ۱۳). پدر ما را با عشق خود می پوشاند، گرچه سزاوار خشم او باشیم (رومان ۸ آیه ۱، ۱۵). پدر ما احتیاجات ما را برآورده می کند و به ما عطایای نیکو ارزانی می دارد. (متی ۶ آیه ۸؛ ۷ آیه ۱۱؛ یعقوب ۱ آیه ۱۷). پدرمان به خاطر خیر خودمان ما را با عشق خود تادیب می کند (عبرانیان ۱۲ آیات ۵ الی ۱۱). چه امتیاز ویژه ای دارد که خدا را «پدر ما» خطاب کنیم.

جی. آی. پکر این موضوع را به بهترین وجه می گوید:

اگر می خواهید قضاوت کنید که یک فرد چقدر خوب مسیحیت را درک می کند، باید بفهمید که او چقدر به فرزند خدا بودن و به خدا به عنوان پدر خود فکر می کند. اگر این فکری نیست که دعاها و پرستش او و دیدگاه کلی او از زندگی را برانگیزد و آنها را کنترل کند، به این معناست که او اصلاً مسیحیت را به خوبی درک نمی کند. هر آنچه که مسیح به ما آموخت، هر چیزی که عهد جدید را نو و بهتر از عهد عتیق می کند، هر چیزی که مسیحیت در مخالفت با یهودیت محض بطور متمایز است، در پدر خواندن خدا جمع می شود. «پدر» نام خدا در مسیحیت است.^{۱۳}

در طول زندگی ام مفتخرم که شاهد پدران بزرگ زیادی بوده ام. اما من قهرمان خود را دارم. اما بیش از یک دهه گذشته، دو پدر

۱۲. J. I. Packer expounds on this in greater depth in his chapter "Sons of God," in *Knowing God* (1973; repr., Downers Grove, IL: Inter-Varsity Press, 1993).

۱۳. Packer, *Knowing God*, 201.

استثنایی را دیده‌ام که شبان و همکار من بودند. هر دوی آنها پدر پسر بچه‌هایی مبتلا به اوتیسم هستند. اگرچه دنیا به یک کودک اوتیسمی بعنوان یک نقص نگاه می‌کند، اما وابستگی و وفور عشقی که آنها نسبت به پسرانشان دارند را زایل نمی‌کند. من عشق بی‌قید و شرط آنها نسبت به فرزندانشان را تماشا کرده‌ام، و از نقطه‌ای که بسیاری از مردان از فرزندان خود ناامید می‌شوند گذر کرده‌اند.

این برکت پدر خواندن خدا از جانب ماست. این برکت از آن کسانی نیست که بواسطه قدرت تخیل، کامل یا برگزیده هستند. هیچ یک از ما ورزشکار ستاره، کارآفرین موفق، یا سخندان قهاری نیستیم که پدرانمان برای داشتن چنین عناوینی به ما حسادت بورزند. بلکه، ما فرزندان و لخرجی هستیم که کرامت خدادادی‌مان را برای چیزهایی اسراف می‌کنیم که راضی‌کننده برای خدا نیست. ما فرزندان هستیم که ناامیدانه به پدری مشتاق و بااراده نیازمندیم که دائماً عشقی بی‌قید و شرط به ما دهد چرا که ما دائماً در تمام شرایط با شکست مواجه می‌شویم. خدا به تنهایی می‌تواند چنین پدری برای ما باشد.

همان خدایی که دل‌های ما را به دعا آماده می‌کند گوش خود را به سمت ما متمایل می‌کند. این یکی از انگیزه‌های بزرگ برای دعا کردن است. شما کسی را دارید که حقیقتاً، تمام و کمال شما را می‌شنود. هیچ مقدار از ضعف یا نقص نمی‌تواند باعث دوری او از ما شود. پدر ما گوشش را به سمت ما متمایل کرده است، و مشتاق است هم اکنون ما را بشنود. نمی‌دانم چه مدتی از زمانی که برایش دعا کرده‌اید گذشته است، اما اینجا چیزی است که از آن مطمئن هستم: او همین حالا می‌شنود. او بهترین شنونده‌ای است که ما می‌توانستیم تصور کنیم.

وقتی که دعا می‌کنیم «پدر ما»، ما به خود، نزدیکی، حکمت، صبر و توجه او را یادآوری می‌کنیم. زمان این اجازه را به ما نمی‌دهد که درخواست‌های نامحدود به این حقیقت را به بحث بگذاریم. اما صرفاً

این را بدانید: خدا ما را در درجهٔ اول فرامی‌خواند تا رابطه‌مان را بعنوان پدر در آغوش کشد.

چه کسی در آسمان است: ادراک قدرت او

پدر ما «در آسمان» است (متی ۶ آیه ۹). ما دعا را بیش از گرمی آغوش رابطه‌مان با پدرمان و با یکدیگر آغاز می‌کنیم؛ ما دعا را با یک اعتماد راسخ به درخواست از کسی که در راس سلسله مراتب است، شروع می‌کنیم. وقتی نویسندگان کتاب مقدس از آسمان صحبت می‌کنند، آنها نه تنها به یک جا و مکان، بلکه به حالت یا عبارتی از قدرت اشاره می‌کنند. وقتی می‌گوییم باراک اوباما در کاخ سفید بود، منظورمان بیشتر از آدرس اوست. منظورمان این است که او بالاترین ادارهٔ مملکت را در دست داشت. او قدرت داشت. منظور نویسندگان کتاب مقدس از این گفته که پدر ما در آسمان است، نیز همین است.

به مزمور ۱۱۵ آیه ۳ بیندیشید: «خدای ما در آسمانهاست؛ و آنچه را که اراده فرماید به عمل در می‌آورد». مطمئناً، زمانی که بشریت دستور خدا را به اندازهٔ کافی با ساختن برجی که بتواند به «آسمان» برسد، نقض کرد (پیدایش ۱۱)، خدا مجبور شد چند پله پایین بیاید تا راس آن به اصطلاح برج را ببیند. او قدرت خویش را اعمال کرد و وحدت زبان آنها را از بین برد و مردم را در سراسر زمین پراکنده کرد. زمانی که دعا می‌کنیم، ما به قدرت مطلق خدا چنگ می‌زنیم. خدا کنترل دارد. او به اجازهٔ کسی نیاز ندارد. توسط هیچ کسی مجبور نیست. کسی نمی‌تواند برنامه‌هایش را متوقف کند. پدر ما در آسمان تواناست! برنامهٔ او همیشه پیروز است.

قرار دادن آن با همدیگر:

خدا به همان میزان که مهربان است توانا نیز هست

«پدر ما در آسمان» زمینه دعاهای ما را می‌داند (متی ۶ آیه ۹). این چهار کلمه ابتدایی ما را به دعا کردن دعوت می‌کنند چرا که به ما می‌آموزند که خدا همان قدر که دلسوز و مهربان است، توانا نیز هست. او قادر به انجام هر کاری هست. و به خاطر مرگ فداکارانه عیسی، او مسیحیان را بخشی از خانواده خود می‌سازد، ما می‌دانیم که او می‌شنود و مایل است به آنچه از او تقاضا می‌کنیم، پاسخی مثبت دهد. هیچ دادگاه تجدید نظری برای اینکه خداوند از تصمیمش بازگردد وجود ندارد. ما قدرتمندترین گوش موجود در هستی و ورای هستی را داریم. او همه را می‌بیند، می‌شناسد و همه را هدایت می‌کند. بنابراین سوال اینگونه مطرح می‌شود که: اگر شما دارای قدرتمندترین گوش و توجه در جهان هستی بودید، چه تقاضایی می‌کردید؟ یک اظهارنامه مالیاتی طولانی‌تر در پایان سال؟ گزارش خوب پزشکی در ملاقات با دکتر بعدی‌تان؟ دانستن اینکه قدرتمندترین موجود در جهان مایل است پاسخ مثبتی به من بدهد، من را هیجان زده می‌کند، کما اینکه مطمئن‌ام که شما را نیز هیجان زده می‌کند. من شمارا نمی‌شناسم، اما حتم دارم درخواست‌های شما دقیقاً همانند درخواست‌های من نخواهند بود. ما مخلوقات پیچیده با مشکلات و دغدغه‌هایی پیچیده هستیم. اما احتمالاً درست هم اکنون چیزی سنگین در قلب شما وجود دارد. این هفته چه درخواست و تقاضایی از خدا دارید که ممکن است در هفته آینده تاثیرش را نشان دهد؟

چگونه دانستن عظمت قدرت و مهربانی خدا می‌بایست بر دعای ما اثر کند؟ نخست، آن بایستی به ما جسارت بخشد. ای. دبلیو. تازر اینگونه پاسخ می‌دهد: «دعا، خدا و دعاکننده را در یک چیز متحد می‌کند و می‌گوید که خدا قادر مطلق است و دعاکننده هم به قادر مطلق متصل است (برای همزمانی در بودن)، چرا که او در تماس

مستقیم و نزدیک و بدون فاصله با قادر مطلق است.»^{۱۴} آیا این نکته را درک می‌کنید که این نوع از قدرت در دسترس شما در دعاست؟

دوم، آن باید شما را فروتن کند. مولف «کلیسا» چنین تعلیم می‌دهد، «در سخن گفتن شتاب نورزید، اجازه ندهید قلبتان در بیان کلمه‌ای قبل از خدا عجله کند، زیرا که خدا در آسمان است و شما بر روی زمین. پس، کم گوی و گزیده گوی.» (۵ آیه ۲). خدا اینجا نیست که به سادگی آرزوها را بر آورده کند. او برای تامین مالی بت پرستی اینجا نیست. خدا به ما خدمت می‌کند، اما او به خاطر شکوه و جلال خویش است که وجود دارد. ما به خاطر اوست که وجود داریم، نه برعکس. در دعا، پیش از آنکه خدا روزی‌مان دهد، حالت درست اشتیاق برای جلالش را صمیمانه و قلباً می‌پذیریم.

حضور خدا < روزی خدا

در دعای ربانی (متی ۶ آیات ۹ الی ۱۳)، عیسی به ما در فهمیدن اینکه درخواست‌های ما از کجا باید آغاز شود، کمک می‌کند. پس از اثبات اینکه خدا پدر ماست، کسی که به همان اندازه که مهربان و دلسوز است، توانا هم هست، عیسی به ما یاد آوری می‌کند که هدف قدرت خدا پیشبرد برنامه‌ی اوست، نه برنامه‌های ما. عیسی به ما نشان می‌دهد که دعای مسیحی با اشتیاق برای حضور خدا قبل از روزی ما شروع می‌شود.

همه درخواست‌ها در آغاز دعای ربانی خدا محور هستند. مشاهده بفرمایید:

^{۱۴}. A. W. Tozer, Prayer (Chicago: Moody, 2016), 175.

پدر آسمانی ما، ای پدر آسمانی ما،

نام تو مقدس باد. نام تو مقدس باد.

پادشاهی تو بیايد. ملکوت تو بیايد.

اراده تو همانطور که در آسمان اجرا اراده تو چنانکه در آسمان است، بر می شود، زمین نیز کرده شود.

بر روی زمین نیز اجرا گردد. (متی ۶ آیات ۹ الی ۱۰)

این دعا انسان را از مرکز تصویر حذف می کند. این دعا نیازها و خواهش های ما را جابجا می کند، و به ما یادآوری می کند که مهمترین چیزها، آنهایی نیستند که خدا به واسطه دارایی ها و مالکیتش به ما اعطا می کند بلکه چیزهایی ست که خدا به واسطه حضور خویش آنها را به ما ارزانی می دارد. در سراسر کتاب مقدس، افرادی که در این زندگی به آرامش و امنیت می رسند، افرادی هستند که اشتیاقشان برای حضور خدا بیشتر از دارایی های اوست. عیسی به ما این را در سه درخواست اولیه خود تعلیم می دهد.

درخواست اول: عزت و جلال خدا

«نام تو مقدس باد» (متی ۶ آیه ۹) بهتر بود برای گوش ما اینگونه ترجمه شود، «دعا می کنم که نام تو مقدس باشد». در عهد عتیق، زمانی که مردم خلاف طرح و اراده خدا زندگی می کردند، گفته می شد که اعمال شریrane آنها باعث بی حرمتی نام خدا می شود. دعاي «نام تو مقدس باد» به معنای این است که بیشتر برای پیشبرد شهرت و اعتبار خدا دغدغه مند باشید تا اعتبار و شهرت خودتان. دعا می کند که خدا خود از نام خویش در برابر هتک حرمت و پنهان ماندن محافظت کند، تا مردم تصویری نادرست از او را نپذیرند یا تصویر تحریف شده از او را رد کنند. نام خدا مقدس است. هیچ چیز نمی تواند این واقعیت را تغییر دهد. ما به سادگی از او می خواهیم تا در دنیا کار کند تا نامش اینگونه پر جلال در نظر گرفته شود.

جلال خدا به دنیا در قامت شخص عیسی آمده است. بنابراین، «نام تو مقدس باد» به معنی دعایی ست که هر کسی به عیسی پاسخ مناسبی می‌دهد. جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم به اندازه کسی که وقتی یک عروس از راهرو عبور می‌کند و روی صندلی می‌نشیند تحت تاثیر قرار می‌گیرد، تحت تاثیر خدا قرار نگرفته است. این عدم تاثیرپذیری از حضور خدا به این دلیل است که آنها نسبت به جلال خدا زمانی که در عیسی آشکار شد کور هستند (دوم قرنتیان فصل ۴ آیات ۳ الی ۶ را بنگرید)، بنابراین ما دعا را با این تقاضا آغاز می‌کنیم که جلال خدا در شخص مسیح دیده و تسلیم شود. زیبایی این درخواست این است که ما از خدا می‌طلبیم آنچه را که پیشاپیش برای ما می‌خواهد را انجام دهد.

این درخواست لحن بقیه دعا را مشخص می‌کند. همه آنچه از خدا می‌خواهیم باید از این آرزوی همه جانبه سرچشمه بگیرد.

درخواست دوم: پادشاهی خدا بیاید

«پادشاهی تو بیاید» (متی. ۶ آیه ۱۰) دعایی ست برای موفقیت انجیل در جهان. ما می‌دانیم که انجیل ما را تغییر داده است، بنابراین می‌خواهیم که پادشاهی خدا از طریق انجیل تا انتهای دنیا ادامه پیدا کند.

ما از جهانی که در آن زندگی می‌کنیم خسته‌ایم، ما در تمنای دنیای بهتری هستیم. می‌خواهیم کامل بودن خوشبختی‌ها را تجربه کنیم. در آرزوی مکانی هستیم که حاکمیت خدا شناخته شده باشد و مورد تمجید قرار بگیرد. خدا وعده داده است که این آرزو تحقق خواهد یافت، و وعده او اشتیاق ما را برمی‌انگیزد. وقتی پدری به دخترش قول می‌دهد که او را به دیزنیلند ببرد، کودک می‌داند که این سفر اهمیت ندارد بلکه زمان انجام این سفر مهم است. در شوق محقق شدن وعده پدرش، مدام می‌پرسد: «پس کی می‌رویم؟ خودت

قول داده‌ای! «دعای پادشاهی تو بیاید» برای ما شبیه به همین مورد است.

ما نمی‌توانیم به دو ارباب خدمت کنیم. به این ترتیب، دو پادشاه – ما و خدا – نمی‌توانند همزمان وجود داشته باشند. جاه طلبی‌ها و حکومت فرد باید بمیرد. به عنوان مسیحیان، برنامه‌های ما در واقع مرده است، و این باشکوه است چرا که برنامه (اراده)های خودمان ما را خواهد کشت (غلاطیان ۲: ۲۰). دعای «اراده تو چنان که در آسمان جاری ست بر روی زمین نیز کرده شود» ما را متحد می‌کند زیرا که به ما کمک می‌کند در شوق پادشاهی‌اش باقی بمانیم. این ما را از غیبت، از شوخی برای موقعیت، از اشتیاق برای ایجاد قلمرو پادشاهی کوچک خودمان باز می‌دارد.

درخواست سوم: اراده تو کرده شود

اراده تو چنانکه در آسمان جاری ست بر روی زمین نیز کرده شود» (متی. ۶: ۱۰) بعدها در درخواست دوم برای آمدن ملکوت خدا بسط می‌یابد. همانطور که او پیشاپیش بر آسمانها حکم می‌راند، مشتاق دیدن حاکمیت خدا بر روی زمین نیز هستیم. ما از مردم نمی‌خواهیم با اکراه و اجبار تسلیم حکومت خدا شوند. ما از آنها می‌خواهیم که با شادی و شور تسلیم شوند زیرا که آنها متقاعد شده‌اند که او تماماً خیر است. ما دعا می‌کنیم که اراده خدا بر روی زمین همانطور که او تعیین کرده است، انجام شود؛ حتی اگر به معنای رنج، فداکاری و مرگ ما باشد.

برقراری پادشاهی خدا بر روی زمین به معنای جابجایی پادشاهی‌های کوچکتر است، همان کاری که کلیساها از طریق کار و خدمت انجیل خود انجام می‌دهند. به هر حال، کلیساهای محلی، پاسگاه‌های پادشاهی خدا هستند. بنابراین دعا برای تحقق اراده او به معنی دعا برای ادامه برقراری کار انجیل او به وسیله کلیساهای محلی است.

این دعا برای دیده شدن و بهره مند شدن از حضور خدا، برای جهانی که به جای خدا پدری غایب را ترجیح می‌دهد که صرفاً برای فرزند بزرگ خود هرماه یک چک حمایتی ارسال کند، کاملاً شگفت‌آور است. از آنجایی که ما گناهکاریم، ترجیح می‌دهیم که خدا خواسته‌هایمان را به ما بدهد در حالی که در ازای آن چیزی نخواهیم. ما دوست داریم برنامه و اراده خود را پیاده کنیم. اما عیسی اینجا به ما می‌آموزد که حضور خدا تضمین کننده روزی اوست. برنامه او به مراتب بهتر از برنامه‌های ماست.

وقتی کلیساهای محلی ما در پرتو این سه درخواست اولیه دعا و زندگی می‌کنند، برای دنیای تماشایی و نظاره گر محض جالب توجه است؛ چرا که ما تصویری متفاوت از آنچه خدا شبیه آن است ارائه می‌کنیم. این به جهان نشان می‌دهد که پادشاهی‌های آنها چقدر بی‌تاثیر و ناکارآمد هستند و این امر شهادت ما را تقویت می‌کند.

مشکل واقعی: بی تفاوتی، نه غیبت

هنگامی که به این روش شروع به دعا می‌کنیم، به ما چند چیز یادآوری می‌شود. نخست، جهان به مثابه یک بوم نقاشی برای جلال خدا وجود دارد. دوم، بیش از آنکه به رفع و رجوع خطاهای خود نیازمند باشیم، به خدا محتاجیم. مشکل حقیقی غیبت خدا از دنیا نیست. او همه جا حاضر مطلق است. مشکل واقعی بی تفاوتی ما نسبت به حضور خدا است، که خود را از طریق خودمحموری و توجه به خود بروز می‌دهد، و این به نوبه خود توانایی ما را برای دوست داشتن و احترام گذاشتن به دیگران - به ویژه خدایی که ما را آفرید، از بین می‌برد.

هرچند وقت یک بار متوجه می‌شوید که قادر به خوردن، خوابیدن یا تمرکز کردن نیستید، چرا که از بی احترامی به نام خدا بسیار ناامید هستید؟ هرچند وقت یکبار به خاطر نادیده گرفتن ملکوت و اهداف خدا به هنگام دعا متوجه تشویش و اضطراب خود می‌شوید؟ آیا این

ناامیدیها و ناکامی‌ها به دفتر دعای شما تبدیل شده است؟ آیا عدم احترام به خدا را به عنوان معضل اصلی در جهان می‌دانید؟ در ازدواجتان؟ در کلیسایتان؟ عیسی به ما یاد می‌دهد که برای این چیزها نزد او فریاد بزنیم، نه به این دلیل که در انجام آنها او به کمک نیاز دارد، بلکه به این دلیل که ما برای انجام آن نیاز به کمک داریم. برنامه ما در تعارض با برنامه خدا است زیرا که احساسات ما در تضاد با محبت‌های او است. و احساسات ما همان چیزی است که در نهایت برنامه ما را به ویژه در دعا شکل می‌دهد.

دعا کردن درباره عزت، پادشاهی و اهداف خود طبیعی و آسان است. وقتی مورد بی‌احترامی، بی‌اخلاقی و بی‌محلی قرار می‌گیرید چه واکنشی نشان می‌دهید؟ احساسات شما اغلب وقتی به طور شفاف آشکار می‌شوند که عصبانی هستید. این برای ما طبیعی است که دعا کنیم، «خدایا، کمکشان کن تا با من با احترام و متانتی که سزاوارش هستم رفتار کنند». فریاد زدن به خدا زمانی که احساس می‌کنیم شرایطی اینچنینی پادشاهی و مقاصد شخصی ما را تهدید می‌کنند، چه آسان است! چه زمانی از خدا بیشتر ناراحت و عصبانی هستید؟ اگر شما هم مثل من هستید، این زمانی است که احساس می‌کنید او کاری را خلاف میل و اراده شما انجام داده است. ما ضرورتاً دعا می‌کنیم، «خدایا، لطفاً اجازه بده همه چیز طبق خواسته من پیش برود. کمکم کن پادشاهی خود را بنا کنم».

خدا صرفاً دعاکنندگان خوب و بد را بر اساس اخلاق‌شان از همدیگر متمایز نمی‌گرداند. زیرا دعاکنندگانی وجود دارند که برای سرقت از بانک از خدا کمک می‌طلبند و انتظار ندارند پاسخی منفی بشنوند. ممکن است برای چیزهایی که خوب و قابل پذیرش هستند دعا کنیم، با این حال هنوز به طور موثری از خدا می‌خواهیم به ما در بدست آوردن بت‌هایمان، تامین کند. خودمحوری ما همانند نیروی گرانش است؛ ما را به سمت پایین می‌کشد! عیسی به ما تعلیم می‌دهد که بالاتر را هدف قرار دهیم. او می‌خواهد دعا‌های مان اوج بگیرند.

خدا غول چراغ جادو

با دعا برای اینکه اولویت‌های خدا در قلب آشکار شوند و جا بیفتند، ما این تصور نادرست که خدا همچون غول چراغ جادوست را رد می‌کنیم. من کارشناس این غول‌ها نیستم؛ اما فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی با چنین چیزهای جالبی را به ما نشان می‌دهند: هیچ کسی با جن خود آنطور که مسیحیان با خدا صحبت می‌کنند، تلاش نمی‌کند که صحبت کند. آنها فراموش نمی‌کنند که چیزهایی را بخواهند. آنها گفتگو با جن خود را به عنوان آخرین راه حل تلقی نمی‌کنند. هیچ کسی در صحبت کردن با غول خود مشکلی ندارد چرا که غول چراغ جادو همیشه تقاضای درخواست کننده را برآورده می‌کند. این غول یک کار دارد؛ و آن پیشبرد دستورات کسی است که به او مقید و پایبند است.

اما زمانی که به همان روشی که عیسی تعلیم داد دعا کنیم، به ما یادآور می‌شود که حضور و شخص خدا مغتنم و ارزشمند است — گرانباتر از روزی اش. خدا برنامه را تنظیم می‌کند، و این برای ما بهترین است. بنابراین، هنگامی که به این روش با همدیگر در دعا هستیم، او ما را در قالب جامعه‌ای از افرادی شکل می‌دهد که اعتراف می‌کنند وابستگی‌مان به او اساساً شرطی شده نیست. ما همیشه به خدا نیاز داریم، و شادی ما قبل از هر چیز از حضور عیسی ناشی می‌شود، بدون توجه به آنچه از نظر مادی به دست می‌آوریم. و می‌دانید چیست؟ از آنجا که این حقیقت از طریق دعا در دل‌هایمان تثبیت می‌شود، خدا با مهربانی خویش تجربه بزرگتری از حضور خود را به ما عطا می‌کند.

دعای ربانی فراانسانی است. مطمئناً، هر کسی می‌تواند طوطی وار کلماتی بسازد، اما تنها آنهایی که دروناً تغییر کرده‌اند واقعاً خواسته‌های خود را دارند. کلمات یک افسون جادویی نیستند. گفتن آنها با صدای بلند هدف نیست. برده داران احتمالاً صدها بار اعلامیه استقلال «همه انسان‌ها مساوی خلق شده‌اند» را خوانده‌اند. ادا

کردن طوطی وار کلمات بی فایده است. عیسی نه طوطی که دعا می آفریند.

اگر شما حقیقتاً بدانید که خطاب کردن خدا به عنوان پدر خود چه معنایی دارد، می خواهید تا جلال او را به هر گوشه و کنار زمین بگسترانید. هیچ درخواست دیگری به این اندازه بزرگ نیست.

و به یاد بسپارید، ما از او می خواهیم کاری را که از قبل می خواهد، انجام دهد.

یک خانواده متحد

برای کلیساها آسان است که در برنامه های رقابتی و احساسات متضاد قرار بگیرند. (یعقوب ۴ آیات ۱ الی ۴ را ملاحظه کنید) جامعه ای از افراد گناهکار و کاملاً تقدیس نشده که در مجاورت یکدیگر زندگی می کنند، به حد و حدود دیگران دست درازی خواهی کرد. ولی جامعه ای متنوع از مسیحیان دارای عواطف گوناگونی است، که می تواند به دیدگاه های متنوع بیانجامد.

با این حال، همانطوری که عیسی تعلیم داد، دعا کنیم، این تضادها از بین خواهد رفت.

اگر دغدغه اصلی زندگی شما این است که نام خود را بزرگ کنید، در جامعه مسیحی ناراحت و معذب خواهید شد. به هر حال، گناه در برابر آن امری اجتناب ناپذیر است. اما اگر دغدغه اصلی تان بزرگ جلوه دادن نام خدا است — برای پیشبرد احترام، پادشاهی، و اهداف او در جهان — پس وجود گناه در جامعه تان، شاید در خودتان، فرصتی برای پیشبرد برنامه او از طریق پاسخی مسیح وار فراهم می کند.

آیا می توان نام خدا را در مواجهه با بی عدالتی جلال داد؟ قطعاً. هنگامی که عیسی با بی عدالتی بر روی صلیب جان سپرد، یک سردار رومی نام عیسی را بعنوان نامی مقدس محترم شمرد (مرقس ۱۵ آیه ۳۹). عیسی خود، رحمت و بخشش خدا را با دعا نمایان

ساخت، «پدر، آنان را ببخش». بنابراین، حتی آزمون‌های ما راهی برای نشان دادن بخشش خدا و در نتیجه احترام نام اوست.

عیسی دستورات و اولویت برای دعاهایمان را مشخص می‌کند. زمانی که کلیساها گرد هم می‌آیند و با همدیگر به دعا می‌پردازند، به ما این خواهش مشترک را یادآوری می‌کنند: اینکه شاه شاهان بیاید و حکومت کند. این به ما کمک می‌کند که از شوخی برای کسب مقام و موقعیت دست برداریم، بلکه در ازای آن از خدا بخواهیم موقعیت درست خود را در کلیسای ما و جهان به ما بدهد. قطب نماهای ما را مجدداً کالیبره کند و ساعت‌هایمان را با هم تنظیم کند، تا اینکه همه ما را باهم به یک جهت هدایت کند و باعث ایجاد اتحاد در ما شود. به ما یادآوری می‌شود که صرف نظر از شرایطی که داریم — ثروتمند یا فقیر، پیر یا جوان، متاهل یا مجرد، اکثریت یا اقلیت — همه ما به یک چیز نیاز داریم: حضور ارزشمند خدا.

فصل ۴

خوراک روح

تغذیه خانواده

یکی از بزرگترین کلافه‌های زندگی‌ام، تجاری شدن خوراک روحانی است. من که تقریباً یک دهه در آتلانتا زندگی کرده‌ام، می‌توانم در این باره در سطحی از تخصص صحبت کنم. آتلانتا پر از رستورانهای مورد علاقه مردم با خوراک‌های لذیذ است. آنها با پخت سریع یعنی از قبل همه چیز را آماده کرده تا نارضايت‌های مردم در انتظار صف طولانی را در سرویس‌شان حذف کرده‌اند. به لحاظ تئوری، خوراک آنها یکسان است. اما هنگامی که شما ملایم پختن را فدای سریع حاضر کردن می‌سازید، چیزی تغییر می‌کند. این نیز در مورد خوراک روحانی نیز صادق می‌باشد؛ شما آن را ارزان می‌کنید.

انتظار بخش مهمی از خوراک روح است، چرا که خوراک روح در مورد خانواده و دوستان است. این درباره گردهمایی و لذت بردن کنار یکدیگر در حین انتظار کشیدن است. در مورد راحت و آسوده در کنار هم بعد از صرف خوراک است.

ما نیز در مورد دعا بایستی اینگونه بیان‌دیشیم. من باور دارم این همان مقصود عیسی است موقعی که نیمه دوم دعای ربانی را به ما موعظه می‌کند.

دعا برای روزمیان: بیش از برآورده شدن نیازها

دعا با اشتیاق برای حضور خدا قبل از (درخواست) روزی‌اش آغاز می‌شود. اما دعا نباید به همین جا ختم شود. ما هنوز به چیزهایی از خدا نیازمندیم. فقط به این دلیل که او به ما می‌گوید که خوراک و لباس برای ما اولویت نباشد، به این معنی نیست که به خوراک و لباس

نیازی نداریم. عیسی ما را به خواستن سه چیز مشخص دعوت می‌کند: روزی، بخشش، و محافظت. اینها تنها چیزهایی که بتوانیم از خدا بخواهیم، نیستند، اما آنها الگویی برای آنچه که بایستی اولویت بندی کنیم به ما می‌دهند.

روزی

عیسی ابتدا به ما می‌گوید از خدا «نان روزانه خود» را بطلبید (متی. ۶:۱۱). دقت کنید، او از ما می‌خواهد برای نان روزانه دعا کنیم — نه نان هفتگی، نه نان ماهانه، نه یک سپرده بانکی، نه یک خانه نقلی. او از ما می‌خواهد که روزانه به خدا توکل کنیم. نکته عیسی در اینجا شبیه به نکته‌ای است که آگور در امثال فصل ۳۰ آیات ۸ الی ۹ می‌گوید؛ آگور دعا می‌کند:

«نه فقرم ده نه ثروت. بلکه به نانی که نصیبم است مرا پرور مبادا سیر گشته تو را انکار کنم و بگویم: «خداوند کیست؟» یا فقیر گشته دزدی کنم و نام خدای خویش را بی حرمت کنم».

می‌بینید؟ آگور صرفاً علاقه‌ای به برآورده شدن نیازهایش ندارد. او می‌خواهد اطمینان حاصل کند که نام خدا را بی حرمت نسازد — چه بسیار و چه کم. بیش از حد می‌گوید خدا برای چیزهای غیر ضروری هم است. و به ندرت می‌گوید که او نگران من هم نیست «پس فقط آنچه را که امروز نیاز دارم به من بده و فردا برمیگردم. مرا دائماً به خود وابسته نگه دار تا هر روز نحوه ارتباط من با روزی تو بگوید که تو تامین کننده کافی نیازهای من هستی.» عیسی، نیز به همین ترتیب، منظورش از خواستن ما فرا رفتن از ستایشی نیست که در فصل گذشته در مورد آن بحث کردیم (مقدس باد نام تو). نحوه ارتباط ما با خوراک و دارایی، نمایش جلال خدا را از طریق ما می‌تواند هم برجسته و پررنگ کند هم آن را کاهش دهد. دعای روزی و دعای

ستایش از یکدیگر جدا نیستند؛ و وابستگی روزانه ما این نکته را آشکار می‌کند.

ما عادت داریم درست قبل از اینکه خوراک بخوریم پیش از وعده خوراکمان دعا کنیم. اما عادت نداریم هر صبح پس از بلند شدن از خواب از خدا بخواهیم که ما را تغذیه کند. چرا؟ چون ما، دست کم در غرب، حسابهای بانکی، شغل، کارتهای هدیه، و افرادی را داریم که یک ناهار به ما بدهکار هستند! مطمئن‌ایم که خواهیم خورد! به ندرت به گرسنگی فکر می‌کنیم. ایده دعا به این روش در صبح، امری رسمی به نظر می‌رسد. ما روزی الهی را بدیهی می‌دانیم زیرا فکر می‌کنیم که آن را با سخت کوشی و تلاش خود به دست می‌آوریم! در عین حال، فکر می‌کنیم که به قدر کفایت نداریم!

این نوع غرور، عدم شکرگزاری را می‌پرورد. و زمانی که شکرگزاری از خانه رخت بربست، حرص و طمع به سرعت می‌خزد و وارد می‌شود و جایی برای دیگری باقی نمی‌گذارد. افراد حریص اساساً می‌گویند، «من برای چیزهایی که دارم سخت تلاش کرده‌ام پس باید از آنها لذت ببرم. چرا باید مجبور به مراقبت از کسی باشم که بی‌مسئولیت بوده است؟» در این فکری که روزی ما ناشی از سعی و تلاش خودمان است، و با خود می‌اندیشیم که بایستی نحوه توزیع روزی‌مان را نیز خودمان مشخص کنیم.

اما عیسی چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد. او به ما دستور می‌دهد که برای نان روزانه خود دعا کنیم تا به ما یادآوری شود که هر روزی و هدیه‌ای از جانب خدا است.

بخشش، عفو

سپس عیسی به ما می‌گوید که اینگونه دعا کنید، «قرض‌های ما را ببخش چنانکه ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم (متی. ۶آیه ۱۲). این درخواست در قلب مسیحیت واقعی نهفته است و به ما یادآوری

می‌کند که صلح با خدا همیشه از طریق عفو و بخشش حاصل می‌شود، نه از طریق عمل کردن.

زندگی، مرگ، و رستاخیز عیسی از طرف ما تنها درخواست ما برای بخشش است. ما نه از خدا می‌خواهیم در مورد قرض‌های ما تجدید نظر کند و نه زمان بیشتری برای پرداخت بدهی خود از خدا می‌خواهیم. ما طالب بخشش هستیم. و آن را به دست نمی‌آوریم برای آن نزد خدا می‌رویم. و هر بار که برای نان دعا می‌کنیم، باید برای بخشش نیز دعا کنیم. با انجام این کار، روزانه دست کم دو چیز به ما یادآوری می‌شود: (۱) شکستهای مدام ما، و (۲) اشتیاق خدا برای بخشش. از دست دادن یک روز از دعا کردن به این طریق، یعنی گذراندن روزی که در آن وسوسه می‌شوم که فکر کنم خدا و من به دلیل عملکردم باهم رابطه خوبی داریم و نیازی به دعا نیست! هرگز چنین نبوده و چنین نخواهد بود.

وقتی که قلب ما به نیاز ما به بخشش خدا متقاعد نشده است، به این معنی است که هنوز مستعد کینه توزی و لجاجت هستیم. و روی خطاهای دیگران تمرکز می‌کنیم (متی. ۱۸ آیات ۲۱ الی ۳۵ را ملاحظه کنید). ما مطمئن هستیم که از بخشش اجتناب می‌کنیم.

آیا می‌بینید که ما هر روز و به شدت و ناامیدانه به دعا نیازمندیم؟ «و قرض‌های ما را ببخش چنانکه ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم» (متی. ۶ آیه ۱۲)؟ عیسی این را می‌داند که برای اینکه نام خدا را جلال دهیم، ما هر روز به یادآوری تازه‌ای از گناهان مان و فیض خدا نیاز داریم.

محافظت

سرانجام، عیسی به ما تعلیم می‌دهد که دعا کنیم: «ما را در وسوسه میاور بلکه از شریر رهایی ده» (متی. ۶ آیه ۱۳). همانند بخشش از گناهان گذشته، محافظت از گناهان آینده نیز در عیسی یافت می‌شود. این حفاظت باید داده شود. مشکل اینجاست که ما هم با تشویش و

نگرانی با این فکر که هرگز تغییر نمی‌کنیم پاسخ می‌دهیم و هم با غروری که داریم فکر می‌کنیم صاحب قدرت برای مقاومت هستیم.

هنوز عیسی به ما می‌گوید که برای روزی، بخشش، و حفاظت دعا کنید، نه به این دلیل که بتوانیم آنها را کسب کنیم، بلکه به این دلیل که بر اساس درخواست‌هایی که داریم شکل بگیریم. او به ما امر می‌کند که برای چیزهایی دعا کنیم که در آرزوی تصاحب‌شان هستیم چرا که خودمان نمی‌توانیم آنها را به دست آوریم، و در نهایت این موضوع را بدیهی و طبیعی می‌پنداریم که سبب هتک حرمت نام خدا می‌شود.

دعا برای خانواده‌مان با ضمایر جمع

وقتی عیسی به شاگردان آموخت که چگونه دعا کنند، از آنان خواست تا نیازهای دیگران را بخاطر بسپارند، نه فقط نیازهای خود را. پس او به استفاده از اسامی اشاره جمع ادامه داد: «به ما بده ... ما را ببخش ... ما را هدایت کن ...» یقیناً این امر در مورد دعا کردن در مکانهای عمومی صدق می‌کند. هنگام دعای گروهی، دیگران را نیز در دعایتان با به کار بردن واژه‌هایی چون «ما» و «ما را» (یا «به ما») بگنجانید.

اما اگر به تنهایی دعا می‌کنیم، بایستی همسایگان خود را در نظر داشته باشیم. نباید از هیچ راهی برای محبت کردن به آنها غافل شویم. اگر واقعاً معتقدیم عیسی به اندازه کافی خوب است که چیزی به ما بدهد، باید باور کنیم که به اندازه کافی خوب هست که به دیگران نیز بدهد. دعا کردن با اسامی جمع همانطور که عیسی آموخت، یکی از بهترین روش‌ها برای محبت کردن به همسایگان‌مان است زیرا که حتی زمانی که آنها از چشم و دیده‌مان دورند، بایستی هرگز از ذهنمان خارج شوند.

زمانی که برای چیزهای خوب مثل روزی، بخشش، و محافظت در حال دعا هستید، وقتی به کلمه «ما» فکر می‌کنید چه کسی از ذهن‌تان

خطور می کند؟ تصور می کنم افرادی که به آنها علاقه مند هستید و دوستانشان دارید افرادی همچون خودتان.

اما آیا از خدا برای کسانی که باعث ناکامی و شکست شما شده اند و اعصاب شما را بهم می ریزند هم طلب روزی، بخشش و محافظت می کنید؟ چند وقت یکبار برای آنها هم دعا می کنید؟ آیا آن افراد را تا زمانی که به نتیجه ای درست برسند از لیست دعا حذف می کنید؟ بسیار سخت است که حتی دشمنان خود را در این دسته بندی «ما» بگنجانیم. ما شاید برای تخریب یا سقوط آنها دعا نکنیم، اما واقعاً برای شکوفایی و رشد آنها هم دعا نمی کنیم، دعا می کنیم؟ دعا‌های ما برای کمک در برخورد با آنهاست، اما این همان دعا برای خوب بودنشان نیست.

ممکن است هنگام دعا کردن با ضمائر جمع اول شخص («ما را» و «ما»)، فرد خاصی به ذهنتان خطور نکند، جز یک گروه نامشخص. اما دعا‌های مبهم برای افراد نامشخص به برادران و خواهران ما کمکی نمی کند. در هر صورت، نشانه ای از ناآگاهی است. به افراد کمکی نمی شود، و خدا مورد احترام قرار نمی گیرد. جی. سی رایل عنوان می کند:

اعتراف به گناهکار بودن ما نباید کافی باشد. ما باید گناهانی را نام ببریم که وجدان ما به ما بگوید از آنها گناهکارتریم! درخواست تقدس و پاکی کافی نیست؛ ما بایستی فیض و لطف‌هایی را نام ببریم که در آنها احساس کمبود می کنیم. اینکه به خداوند بگوییم در مشکلات و سختی هستیم کافی نیست؛ بایستی مشکلات و تمام جزئیاتش را شرح دهیم ... در مورد بیماری که به پزشک خود گفته بود مریض است، اما هرگز به جزئیات آن اشاره ای نکرد، چه فکری باید کرد؟ در مورد همسری که به شوهرش گفت که ناراحت است اما علت آن را مشخص نکرد، چه باید اندیشید؟ در مورد فرزندی که به پدرش گفته بود که در مشکل است نه چیزی بیشتر، چه فکر باید کرد؟ مسیح داماد آسمانی روح، پزشک حقیقی قلب، پدر واقعی همه

قوم خود است. بیايید با قید و شرط بودن ارتباطات خود با او این احساس را نشان دهیم.^{۱۵}

حکمت و خرد رایل فقط برای ما به صورت فردی اعمال نمی‌شود، بلکه به صورت مشارکتی نیز کاربرد دارد. وقتی برای افراد مبهم دعا‌هایی مبهم می‌کنیم برای دعا کردن چیزهایی را از دست می‌دهیم. برای تاثیر پذیری از حضور خدا نباید مسائل و مشلات پایه‌ای خود را از حضور خدا بپوشانیم. اما اگر دعا‌هایمان شروع به پر شدن از درخواست‌های جزئی و مشخص برای افرادی خاص شد، ما خطرات ناشی از افراد مبهم و نامشخص را دفع می‌کنیم. ما شروع به چشیدن لذتی می‌کنیم که از دعا کردن برای نیازهای خاص افراد خاص ناشی می‌شود.

رایل ادامه می‌دهد:

ما ذاتاً همگی خودخواهیم، و خودخواهی ما بسیار به ما چسبیده و آویزان است، حتی وقتی تغییر دین داده باشیم. کشش و تمایلی در ما برای تفکر در مورد روح، تعارضات و کشمکش‌های روحانی خودمان، پیشرفت‌مان در مذهب، و فراموش کردن دیگران وجود دارد. در برابر این گرایش، همه ما نیازمند مراقبت و تلاش هستیم، نه فقط در دعا‌هایمان. ما بایستی مطالعه کنیم تا روح جمعی داشته باشیم. ما باید خود را وادار کنیم تا نام‌های دیگری غیر از نام خود را در برابر تخت فیض نام ببریم. ما باید تلاش کنیم که تمام جهان، بی‌خدایان، یهودیان، کاتولیک‌های رومی، بدن مومنان واقعی، کلیساهای پروتستانی، کشوری که در آن زندگی می‌کنیم، مردمی که به آن تعلق داریم، در قلب خود داشته باشیم. خانواده‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، دوستان و آشنایانی که با آنها در ارتباطیم. برای تک تک اینها باید دعا کنیم. این بالاترین خدمت است. او به من محبتی می‌کند و بهترین شکل محبتی که به من می‌کند در دعا‌هایش نمود

۱۵. J. C. Ryle, A Call to Prayer: With Study Guide (Pensacola, FL: Chapel Library, 1998), 34, Kindle.

پیدا می‌کند. این برای سلامتی روح خودمان است. این حس همدردی ما را تقویت می‌کند و دل‌های ما را بزرگ‌تر می‌کند. این به نفع کلیساست. چرخ‌های همهٔ ماشین‌های گسترش انجیل با دعا به حرکت درمی‌آیند. آن دعاها به همان اندازه که موسی در کوه شفاعت کرد و به همان اندازه که یوشع در راه خدا مبارزه می‌کنند کارساز و اثرگذار هستند. اینگونه است که شبیه به مسیح می‌شویم. او نام قوم خود را به عنوان کاهن اعظم آنها در برابر پدر می‌برد. آه، امتیاز و افتخار همانند عیسی بودن! این یک یاور واقعی برای خادمین است. اگر مجبور به انتخاب جماعتی باشیم، مردمی به من بدهید که دعا می‌کنند.^{۱۶}

رایل راضی نبود که «ما» را نامشخص بگذارد، و ما هم باید همینطور باشیم. کلیسای محلی پایه و اساسی ست که به خوبی می‌تواند در دعای مشارکتی ما اثرگذار و تعیین کننده باشد و ما را محافظت می‌کند. البته راه‌هایی برای دعای مشارکتی و اطاعت از روح این فرمان بدون کلیسای محلی هم وجود دارد. اما من معتقدم که کلیسای محلی بهترین راه برای تعریف «ما» در دعاهايمان است. کلیسای محلی به عنوان گلخانه‌ای عمل می‌کند که در آن دعا‌های ما رشد می‌کند. کلیسای محلی محیط ایده آلی را برای ما فراهم می‌کند تا مزایای دعا را به حداکثر برسانیم و در عین حال خطرات غرور و خودخواهی را که در بالا به آن اشاره شد، کاهش دهیم.

همهٔ مسیحیان باید از عضویت در یک کلیسای محلی بهره‌مند باشند. کلیسای محلی نوع خود را برای تکمیل پیام پیدایش فصل ۲ آیه ۱۸ ارائه می‌دهد: «خوب نیست که آدم تنها زندگی کند...» ممکن است که یک مسیحی در جهان یتیم باشد و خانواده‌ای زمینی نداشته باشد. شاید همسری نداشته باشد یا همسری را که دوست داشته از دست بدهد. ممکن است یک فرد مسیحی به خاطر اعتقاداتش توسط فرهنگ موجود طرد شود. او ممکن است خود را

۱۶. Ryle, A Call to Prayer, 34–35.

در محاصرهٔ افرادی با پیشینهٔ فرهنگی کاملاً متفاوت بیابد. اما مسیحی در عهد و پیمان با یک کلیسای محلی هرگز تنها نیست. تا زمانی که کلیسا پابرجاست، که تا ابد هم خواهد بود، مسیحی همیشه بخشی از «ما» است. کلیسای محلی نظریهٔ مسیحیت را می‌پذیرد و آن را ملموس می‌کند - در محبت، در کردار، و به ویژه در دعا.

به چگونگی کارکرد «ما» در دعای مشارکتی با توجه به روزی دقت کنید. فرض کنید برای خدا دعا می‌کنم که نیازهای «ما» را برآورده کند و در نتیجه افزایش حقوق دریافت می‌کنم در حالی که شخص دیگری شغل خود را از دست می‌دهد. من نمی‌توانم فقط بگویم: «من برای شما دعا می‌کنم که گرم و سیر شوید» (یعقوب. ۲ آیات ۱۵ الی ۱۶ را ملاحظه کنید). نه، من باید با این فرض که خدا به طور مشروط به دعاهاى ما برای روزی با دادن بیش از نیازم به من و دادن به دیگری کمتر از آنچه نیاز دارد، پاسخ می‌دهد ایمانم را تقویت کنم. بدین ترتیب خداوند از طریق دعای من، طمع را از من دور می‌کند تا آزادانه روزی و هدیه‌ای را که به من داده است، من هم به دیگری ببخشم. همزمان، خدا غرور را از برادرم می‌زداید و او را در موقعیتی قرار می‌دهد که عطایای خوب خدا را از برادر دیگری بپذیرد. او فارغ از اینکه یک خدمت باشد، در پاسخ به درخواست ما برای روزی، به بوم نقاشی‌ای تبدیل می‌شود که حکمت و خوبی خدا را به منصهٔ ظهور می‌گذارد.

واژهٔ «ما» در دعاهاى مان برای بخشش و محافظت چگونه کار می‌کند؟ فرض کنید من دعا می‌کنم که خدا گناهم را ببخشد. سپس، در میان دعا کردن برای افراد خاص در کلیسایم، یک فرد نامشخص یا مشخص که به من توهین کرده است به ذهنم خطور می‌کنند. من برای بخشیدن آن شخص آماده نیستم. سپس چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ حال باید تصمیم بگیرم. می‌توانم از خدا بخواهم که نفاق و دودلی و تردید من را ببخشد و در مورد بخشش مرا یاری کند و از برقراری رابطه مجدد با برادرم لذت ببرم. یا می‌توانم با توجیه عصبانیت و تصمیم برای نبخشیدن وانمود کنم که ریا وجود ندارد. همچنین

می‌توانم بطور کامل از درگیری دعا با ضمایر اول شخص جمع اجمالا رد شوم، و باور کنم که رابطه‌ام با برادرم مطلقا ارتباطی با خدا ندارد.

در حقیقت، دعا برای روزی، بخشش و محافظت دیگران این اجازه را به ما نمی‌دهد تا با جهل و ناآگاهی ریاکاری را در آغوش بگیریم. در عوض، با افشا و پاکسازی ما از روش‌های متعددی که از ریاکاری استقبال می‌کنیم، ما را به شکل مسیح درمی‌آورد. خدا سعی نمی‌کند ما را در دام اندازد. او در تلاش است که ما را از دام‌های پنهان شده در مسیر دینداری، برهاند.

این همان چیزی است که دعای ربانی را فراطبیعی جلوه می‌دهد. ما عقل و هوش و قدرتی نداریم که خودمان را تامین کنیم چه رسد به دیگران. هرچه داریم، از جمله هوش و قدرت کسب ثروت، از خدا سرچشمه می‌گیرد. ما نمی‌توانیم از فیض خود استفاده کنیم تا وقتی دیگران به ما اهانت می‌کنند آنها را ببخشیم. فقط از فیض بی‌انتهای خدا است که می‌توانیم آنچه را برای بخشش دیگران نیاز داریم به دست بیاوریم. ما قدرت لازم برای انکار لذتهای گناه و دوری از دام‌های وسوسه را نداریم. ما روزانه به کمک کسی نیاز داریم که همه چیز را به ما می‌بخشد، به ما سخاوتمندانه می‌بخشد و از ما برای همیشه محافظت می‌کند. خداوند عیسی از طریق دعای خود به ما می‌آموزد که ما به شدت نیازمندیم و خدا به طرز غیرقابل باوری بخشنده است. وقتی برای روزی، بخشش و محافظت از خود و یکدیگر دعا می‌کنیم، همه از مهمانی خیر و برکت و فراوانی خدا که او بسیار مشتاق مشارکت آن است، بهره می‌بریم. خوراکی روح او مال ما است که باهم به عنوان یک خانواده از طریق دعا میل می‌کنیم.

فصل ۵

ریشه‌ها

پرورش خانواده

آماده شدن برای بدترین

هنگامی که از مایک تایسون Mike Tyson قبل از شروع مسابقه بوکس نظرش را در مورد سبک بازی حریفش جویا شدند؛ تایسون پاسخ داد: «هرکس تا زمانی که مشتی به دهانش وارد شود، نقشه و برنامه‌ای دارد.»

به همین ترتیب، هرکسی برای اینکه چگونه پیروز شود تا زمانی که مصیبت پیش بیاید، برنامه‌ای دارد. به محض اینکه سردرگمی و سرگردانی پیش آید، تمام عزم و قدرت و خونسردی مانند دو دندان جلویی بوکسور از بین می‌رود. حتی اگر شما هم مثل من از کلاس هفتم وارد دعوای واقعی نشده باشید، اما حرف‌های تایسون هنوز درست است.

مرگ برادرم بزرگترین شگفتی زندگی من بود، تا اینکه چند هفته بعد به سرعت با غافلگیری دیگری مواجه شدم: از اینکه ایمان و عزمم به عیسی و متعهد ماندن به او ناپدید شد، شگفت زده شدم. واکنش‌های سی. اس. لوئیس پس از مرگ همسرش در مورد من نیز صدق می‌کرد: «خدا آزمایشی از روی ایمان یا عشق روی من انجام نداده است تا کیفیت آنها را دریابد. او قبلاً آن را می‌دانست. این من بودم که نمی‌دانستم ... او همیشه می‌دانست که معبد من خانه‌ای پوشالی است. تنها راه او برای درک من این بود که آن معبد را زمین بزنم».^{۱۷} مشتی به صورتم خورد و عزمم برای خداوند ناپدید شد. قوای من خشک شد و هیچ چیز نداشتم. هر کسی تا زمانی که مشتی

۱۷. C. S. Lewis, A Grief Observed (1961; repr. , New York: Bantam, 1976), 61.

به دهنش بخورد برنامه‌ای دارد. شما استثنا نیستید و شما نیز مشتی خواهید خورد.

در نهایت متوجه خواهید شد که هر یک از ما باید با مشکلات دست و پنجه نرم کنیم. منظور من فقط نامالایمات عمومی از زندگی در دنیایی سقوط کرده مانند - مرگ عزیزان، بیماری مزمن، مرگ، طلاق، از دست دادن شغل - نیست. من در مورد رنج منحصر به فردی صحبت می‌کنم که در نتیجه حفظ وفاداری به خدا در دنیای سقوط کرده به مسیحیان می‌رسد. پیروی آگاهانه از عیسی مانند قدم نهادن درون رینگ بوکس است. حتی اگر شما در نهایت پیروز میدان شوید، خودتان را برای ضربه زدن به آن آماده می‌کنید؛ و این ضربه‌ها فرود نمی‌آید اگر بیرون از رینگ می‌ماندید.

من در مورد زندگی با مجرد طولانی مدت و شاید تنهایی صحبت می‌کنم، زیرا شما تصمیم گرفته‌اید به عیسی اجازه دهید تا تمایلات جنسی شما را تعیین کند. من در مورد از دست دادن شغل صحبت می‌کنم زیرا شما از زیر پا گذاشتن استانداردها کتاب مقدس خودداری می‌کنید. من در مورد مبارزه با افسردگی و اضطراب صحبت می‌کنم زیرا شما از استفاده از مواد غیرقانونی به عنوان یک فرار موقتی و اضطرابی خودداری می‌کنید. این لیست همچنان ادامه دارد. گاهی اوقات، وفاداری به خدا ما را در موقعیتی قرار می‌دهد که احساس می‌کنیم اطاعت از او در حکم اعدام است. در این موارد، چگونه پاسخ خواهید داد؟ ما دوست داریم فکر کنیم معبد ایمان ما در برابر طوفان‌ها مقاومت می‌کند، اما اگر تاریخ ما نشانه‌ای از زمان حال ما باشد، می‌دانیم که خانه ما دائماً باید تقویت شود. پس چگونه برای طوفان آماده خواهید شد؟ اگر تا قبل از اینکه در میانه وسوسه‌ها قرار بگیریم، منتظر بمانیم، خیلی دیر شده است. ما باید فعال باشیم. ما باید طوفان‌هایی را که از دور می‌آیند ببینیم و دیوارهایمان را زودتر تقویت کنیم. قدرتی که برای تحمل طوفان به آن نیاز داریم، در نهایت از جانب خدا می‌آید، اما قدرت او را از طریق دعا به دست می‌آوریم.

دعاها ریشه‌های ما هستند. ریشه‌ها کار سخت تقویت درخت را انجام می‌دهند، اما این کار سخت، کار پنهانی است. همین را می‌توان در مورد دعا گفت. دعا کردن باهم به عنوان ریشه واقعی و اجدادی ما عمل می‌کند. دعا باهمدیگر هم قدرت و هم میراث ماست به عنوان کسانی که برای وفاداری به خدا رنج زیادی متحمل می‌شوند.

اگر فصل‌های گذشته روش عملی استاندارد دعا را از موعظه سر کوه آموزش دادند، پس دعای مسیح در باغ جتسیمانی کار بزرگی را پیشنهاد می‌دهد که این دعا چگونه انجام شود.

شما آنقدرها هم که فکر می‌کنید قوی نیستید

در اتاق بالایی، عیسی به شاگردانش از رنج قریب الوقوع خود می‌گوید، اما حقیقت خود را نیز به آنها می‌گوید. آنها ترسو خواهند بود و پراکنده خواهند شد، اما عیسی قول می‌دهد که فیض خود را پس نگیرد. آنها توان ایستادگی در کنار او را ندارند، اما دلیل رفتن او به سوی صلیب همین است. آنها در آینده شکست خواهند خورد، اما این شکست‌ها هیچ تاثیری بر محبت و تعهد فعلی او به خیریت آنها ندارد. چه برکتی ست که مسیح همه چیز را در مورد شکست‌های ما می‌داند، حتی شکست‌هایی که هنوز رخ نداده‌اند، و با این حال به ما متعهد می‌ماند.

سپس عیسی شاگردان خود را به باغ جتسیمانی می‌برد، جایی که ما چیزی بیش از موعظه عیسی در مورد دعا می‌بینیم؛ ما عمل او را از آن می‌بینیم.

مکان: باغ جتسیمانی یک اتاق گلی الهی بود. در میان شام آخر و خیانت و دستگیری عیسی، عیسی برای مقابله با فشارهای شدید آماده بود. جتسیمانی به معنای «چرخش زیتون» است. زیتون‌های فشرده روغنی را تولید می‌کردند که قرن‌ها برای مسح پادشاهان و کاهنان استفاده می‌شد. اکنون عیسی برای مسح کردن خود وارد دوران فشار شدیدی شد.

همراهان: در حالی که همه شاگردان خود را در باغ دور هم گرد آورد، تنها از پطرس، یعقوب و یوحنا خواست کمی دورتر بیایند (مرقس. ۱۴ آیه ۳۳). چرا آنها؟ شاید به این دلیل که آنها ادعا کرده بودند که بیشترین عزم و قدرت را دارند. یعقوب و یوحنا پیشتر گفتند که می‌توانند همان جامی را بنوشند که عیسی می‌نوشید (۱۰ آیات ۳۵ الی ۳۹). پطرس قول داده بود که حتی تا حد مرگ وفادار بماند (۱۴. آیات ۲۹ الی ۳۱). شاید عیسی بطور خاص می‌خواست که این مورد را اصلاح کند.

وقتی دختر شیرخوارم برای اولین بار از بیمارستان به خانه آمد، برادرزاده دوساله ام، جکسون کاری جالب انجام داد. او شروع به صحبت‌های کودکانه با او کرد. صحبت‌های کودکانه؟ به جکسون توضیح دادم که او در واقع یک نوزاد است. جکسون شاید چند کلمه‌ای بلد باشد، اما هنوز این پسر بچه پوشک می‌شود، خوراکی خود را آماده نمی‌کند و شغلی ندارد. او هم مانند دختر من بچه است. هر دو در یک سطح می‌باشند. گمان می‌کنم عیسی پطرس، یعقوب و یوحنا را با خود آورد تا همین موضوع را به آنها نشان دهد.

عیسی هیچ فرصتی برای آموزش شاگردان از دست نمی‌داد، حتی در رویارویی با مرگ خود. در حقیقت، رنج و اندوه‌اش زمینه را برای آموزش‌شان فراهم کرد. اما عیسی در حال انجام کاری بیش از آموزش آنها بود. او می‌خواست حمایتشان را احساس کند. عیسی، خدا در جسم، انتخاب نشد تا روی زمین به تنهایی زندگی کند. گرچه شاگردان نتوانستند به او در نوشیدن جام کمک کنند، اما او بودنشان کنار خود را مغتنم می‌شمرد.

وضعیت: از آنجایی که عیسی به اصطلاح قوی‌ترین افراد را با خود آورد، سخنان حکیمانه عمیقی را با آنها در میان نگذاشت. او ضعف خود را با آنها سهیم شد. به ایشان فرمود، «از شدت غم و اندوه نزدیک به مرگ هستم شما اینجا بمانید و بیدار باشید. (مرقس. ۱۴ آیه ۳۴). وقتی با هم دعا می‌کنیم، این دقیقاً همان کاری است که انجام می‌دهیم. ما ضعف‌های خود را می‌پذیریم و به آنها اعتراف

می‌کنیم که ما باید فقط به قدرت خدا تکیه کنیم. این همان وضعیت درست برای دعا است.

عیسی نیز، به ما اجازه می‌دهد تا ضعیف باشیم. او ما را بر می‌انگیزاند تا از طریق مثال او در ضعف خود به خدا فریاد برآوریم.

فشار: وقتی عیسی می‌گوید که در راه افراد بسیاری فدا شد (مرقس. ۱۰ آیه ۴۵ را ملاحظه کنید)، منظور او این بود. منظورش هم این بود که گفت تا سرحد مرگ غمگینم. این کاملاً وحشتناک است که در مقابل خدا بایستیم و برای گناه حساب پس بدهیم. اندیشیدن در این مورد افراد را به افسردگی عمیق سوق داده است. حال تصور کنید که ایستادن در برابر خدا برای پرداخت تاوان گناهان تمام دنیا چگونه خواهد بود. خداوند بخشنده و مهربان است، بله!

اما او مجرم را بدون مجازات نمی‌گذارد (رجوع شود به خروج ۳۴ آیه ۷). برای قرن‌ها خدا قضاوت خود را به تاخیر انداخته بود. اما اکنون عیسی این جام خشم خدا را تا انتها سر می‌کشد.

این مژده انجیل برای ماست که به او ایمان آورده‌ایم: ما مجبور نیستیم تاوان گناهان خود را بپردازیم! عیسی جام خشم خدا را به تمامی برای همه کسانی که به او ایمان آورند، نوشید. اگر تمام جهان برگردند و توبه کنند، از این عطیه نجات برخوردار می‌شدند. شما مجبور نیستید تاوان گناهانتان را بپردازید — حتی یکی از آنها را! این همان خبر خوش است.

اعتماد و رضایت

عیسی به شاگردانش آموخته بود که در زمان صلح چگونه دعا کنند. در اینجا او در میانه رنج، الگویی از دعا را ارائه داد. آنچه در کلاس درس آموخته شده بود اکنون در بحران به تصویر کشیده می‌شد.

تعجب نمی‌کنم اگر رایل، آن واعظ پیر اسقفی، وقتی می‌گوید: «تخت‌های مرگ افشاکننده‌های بزرگ اسرار هستند»^{۱۸}، این مثال را در ذهن داشته باشد. عیسی به میدان مرگ در چشم‌ها خیره شد، با علم به اینکه سرنوشتش محتوم و اجتناب ناپذیر بود. چگونه با سرنوشتش روبرو شد؟ روی زانوانش در دعا. آموزش او در دعا چیزی بیش از نظریه پردازی بود. آزموده شد و حقیقتش به اثبات رسید. این حقیقی‌ترین و خالص‌ترین شکل ممکن در دعا است.

ابا: پدر ما. هنگامی که عیسی دعا می‌کند، از خدا به عنوان «آبا» یاد می‌کند (مرقس. ۱۴ آیه ۳۶). در زمانی که بیشتر ما خدا را دشمن می‌دانستیم، عیسی این نام صمیمی را برای خدا به کار برد. او به کسی که می‌داند به او گوش می‌دهد فریاد می‌زند، کسی که به سلامتی او اهمیت می‌دهد. او به کارفرمایی که فقط به فکر درآمد خود است و برای کسب سود پا روی کارمندانش می‌گذارد، فریاد نمی‌زند. او پدرش را صدا می‌کند که او را از ازل دوست داشته است.

کمک: اعتماد به توانایی خدا.

سپس عیسی فریاد برآورد، «ای پدر، همه چیز برای تو ممکن است، این پیاله را از من دور ساز.» (مرقس. ۱۴ آیه ۳۶). در ناامیدی، دعا از اینجا آغاز می‌شود: با علم به اینکه خدا می‌تواند هر غیرممکنی را ممکن سازد. دعایی بدون این آگاهی وجود ندارد! و چه کسی بهتر از عیسی می‌داند که خدا می‌تواند غیرممکن‌ها را انجام دهد؟

اخیرا هنگام خواندن شرلوک هولمز، چیزی که دستیارش جان واتسون گفت مرا تحت تاثیر قرار داد که واتسون در رویارویی با یک مورد غیرممکن دیگر مشاهده کرد: «من آنقدر به موفقیت غیر قابل تغییر (هولمز) عادت کرده بودم که احتمال شکست او در ذهن من وجود نداشت»^{۱۹} واتسون آنقدر به دیدن کارهای شگفت انگیز

۱۸. J. C. Ryle, A Call to Prayer: With Study Guide (Pensacola, FL: Chapel Library, 1998), 11, Kindle.

۱۹. Sir Arthur Conan Doyle, The Greatest Adventures of Sherlock Holmes (New York: Fall River

شرلوک عادت کرده بود که طبیعتاً می دانست شرلوک کارهای غیر ممکن را انجام خواهد داد. در مورد خدا هم همینطور است. یکی از اساتید الهیدانم می گوید: «آنچه خدا در گذشته انجام داده است، یک الگو و وعده‌ای است که در آینده به انجامش ادامه خواهد داد، گرچه او آنقدر خلاق است که نمی تواند یک کار را دوبار به همان روش انجام دهد».^{۲۰}

شاگردان تمایل داشتند خدا را در چارچوب خاص قرار دهند. تنها زمانی که آنها با عیسی راه می رفتند، مرزهای آنها شروع به شکستن کرد. آب به شراب تبدیل می شود — مرزها بزرگ تر می شوند. نابینا می بیند و لنگ راه می رود — مرزها را برداشت. پنج هزار تن تغذیه می شوند — مرزها دوباره گسترده تر می شوند. ایلعاذر از مرگ برمیخیزد و زنده می شود — مرزها در هم می شکند! عیسی به رفع شک و تردید کمک می کرد، اما خودش هیچ مرزی برای تردید نداشت. او آگاه بود که خدا می تواند غیرممکن ها را ممکن سازد، و بنابراین مانند آن دعا کرد. اگر کسی می توانست راه دیگری مهیا کند، آن خود خدا بود!

به من گوش کن اگر از توانایی خدا مطمئن نباشیم، پیوسته دعا نمی کنیم. بسیاری از شکست های ما در دعا ناشی از این است که باور داریم در خدا امکان شکست هم وجود دارد. به همین دلیل، ما هرگز از خدا نمی خواهیم که غیرممکن را انجام دهد. در عوض، ما فقط به دنبال چیزهایی هستیم که خودمان می توانیم انجام دهیم.

امید: رضایت در توانایی خدا.

عیسی دعای خود را با گفتن این جمله به پایان می رساند: «اما نه به خواست من، بلکه به اراده تو» (مرقس. ۱۴ آیه ۳۶). اگر چه دعا ممکن است با این باور شروع شود که خدا می تواند کارهای

Press, 2012), 151.

۲۰. Thank you to James Allman, Dallas Theological Seminary.

غیرممکن را انجام دهد، اما هرگز آرامش در آنجا پیدا نمی‌شود. اگر فقط تصور کنیم که خدا چه کاری می‌تواند انجام دهد و سپس خوبی‌های او را بر اساس تعداد دفعات انجام کارهای غیرممکن بسنجیم، هرگز به آرامش واقعی نخواهیم رسید. توانایی او باید باعث شود که قلب ما اوج بگیرد و غیرممکن‌ها را طلب کند. اما حاکمیت مطلق و حکمت او باید ما را ثابت قدم نگه دارد. آن‌ها به ما یادآوری می‌کنند که اگرچه خدا می‌تواند غیرممکن‌ها را انجام دهد، اما مجبور نیست - و ما می‌توانیم به او با خاطری آسوده اعتماد کنیم. آرامش اینجا و فقط اینجا یافت می‌شود.

هر ترتیب دیگری فقط به نارضایتی ختم می‌شود، به خصوص اگر خدا را گروگان نتیجه‌ای بگیریم که هرگز قولش را نداده است. زمانی که محبت خدا نسبت به خود را بر اساس تعداد دفعات زیادی که به دعاهایمان با «بله» پاسخ می‌دهد بسنجیم، همیشه فاقد آرامش خواهیم بود. امید کاذب حاصل خیزترین خاک برای محصول نارضایتی است.

عیسی به ما کمک می‌کند ببینیم که باید قلب‌هایمان را تسلیم کنیم، و تسلیم کردن قلبمان مستلزم اصرار است. جتیمانی به ما نشان می‌دهد که عیسی این بیست و سه کلمه را فقط یک بار به زبان نیاورده و سپس برخیزد و به مأموریت خود ادامه دهد. او این درخواست را بارها و بارها تکرار کرد. عیسی ساعتی را صرف «گفتن همان کلمات» کرد (مرقس ۱۴ آیه ۳۹). او پیگیر و مصر بود.

مواقعی هست که اصرار در یک دعای خاص می‌تواند احمقانه باشد، به ویژه زمانی که ما در دعای «اراده خدا انجام شود» نتوانیم باقی بمانیم. با این حال، عیسی به ما نشان می‌دهد که اصرار در برخی از دعاها، نبود ایمان را آشکار نمی‌کند. می‌تواند نشانگر ایمانی بزرگ باشد. اگر متقاعد می‌شدم که خدا نمی‌تواند کاری انجام دهد یا کاری انجام نمی‌دهد، دیگر درخواست نمی‌کردم! با این حال، پافشاری در دعا نیز به این معنی است که چگونه در اراده خود برای تسلیم شدن در برابر او مصمم و مصر هستیم. دعای مداوم در گفتار ما

چنین است: «می‌دانم که باید اراده تو را بخواهم، اما نمی‌خواهم. خدایا کمک کن آنچه تو می‌خواهی بخواهم. کمک کن تا با سر به اطاعت از تو بشتابم».

قلب‌های تسلیم شده، دست‌های تقویت شده

در حالی که عیسی در دعا تلاش و مداومت می‌کرد، شاگردانش به خواب رفتند (مرقس. ۱۴ آیات ۳۴ الی ۴۰ را ملاحظه کنید). او از آنها خواسته بود که بیدار بمانند و دعا کنند (مرقس. ۱۴ آیه ۳۸)، و دعا را با توانایی مقاومت در برابر وسوسه پیوند داد. اما این کار را نکردند. آنها از هر مزیتی برای دعا کردن برخوردار بودند. آنها تحت فشار همان دلشوره‌ای که عیسی را مجبور به عرق ریختن قطرات خون می‌کرد، احساس مسئولیت و سنگینی نمی‌کردند. با این حال، آنها در این آزمون وفاداری در باغ شکست خوردند، درست مانند آدم و حوا. عزم آنها، مانند ما، کافی نبود.

اما عیسی در دعا اصرار داشت. او قلب خود را به خدا تسلیم می‌کند و قدرت غیر قابل تصویری را برای حرکت به جلو تجربه می‌کند (لوقا ۲۲ آیه ۴۳ را ملاحظه کنید). عیسی از طریق مثال (الگوی) خود به ما یادآوری می‌کند که تسلیم قلب خود به خدا راهی برای تقویت دستهای دعای ماست.

آیا تا به حال توجه کرده‌اید که به نظر نمی‌رسد عیسی مانند ما در درک پاسخ‌های خدا به دعاها تلاش کند؟ یکی از سخت‌ترین و گیج‌کننده‌ترین چیزها در مورد دعا، به ویژه دعای مداوم، این است که بدانیم خداوند واقعاً چه زمانی را اجابت کرده است. در مورد شما نمی‌دانم، اما من هرگز صدای خدا را نشنیدم که به طور آشکار صحبت کند. از آنجایی که او معمولاً به این شکل صحبت نمی‌کند، چگونه بدانیم چه زمانی باید به رو به جلو حرکت کنیم؟ به نظر نمی‌رسد که عیسی در این لحظه به طور واضح از خدا می‌شنود، با این

حال او به پاسخ خدا اعتماد و اطمینان دارد و تصمیم می گیرد رو به جلو پیش برود.

عیسی با دیدن گروهی خشمگین که نزدیک می شدند، به شاگردان خود گفت: «آیا باز هم در خواب و در استراحت هستید؟ بس است! ساعت موعود رسیده است اکنون پسر انسان به دست گناهکاران تسلیم می شود. برخیزید برویم آنکه مرا تسلیم می کند الآن می رسد» (مرقس. ۱۴ آیات ۴۱ الی ۴۲). عیسی در اینجا چیزی به ما می آموزد: برداشت ها می توانند گمراه کننده باشند، اما تدبیر چنین نیست. عیسی به دعا و تعلیم شاگردانش مصرانه ادامه می داد تا اینکه گروهی برای دستگیری او آمدند (لوقا. ۲۲ آیه ۴۷ را ملاحظه کنید). در این مرحله، او می دانست که خدا گفته است: «نه، راه دیگری وجود ندارد.» سپس عیسی به سوی اراده خدا پیش رفت. این چیزی نبود که او خواسته بود، اما از آن فرار نمی کند. او می دانست که امن ترین مکان در اراده خداست، حتی اگر این به معنای مرگ او باشد.

عیسی نه تنها به سوی اراده خدا حرکت می کند، بلکه اناجیل، عیسی را به عنوان کسی که اراده ای بی مانند دارد و به هنگام مصلوب شدن آرامشی استوار دارد توصیف می کنند. عیسی در جتسمانی عذاب می کشد، اما صلیب را تحمل می کند. عیسی به صورتش سیلی زده می شود، اما او تلافی نمی کند. تاجی از خار بر سر او می گذارند، اما آن را برنمی دارد. او شلاق خورده است، اما او نمی خواهد این کار متوقف شود. او آنقدر خونسردی دارد که به مادر گریانش نگاه کند و به یوحنا بگوید: «مواظب مادرم می شوی؟ مادر، یوحنا پسر جدیدت خواهد شد. او مطمئن می شود که از شما مراقبت می شود.» در حالی که از صلیب آویزان است و در خونی که ریه هایش را پر می کند خفه می شود، از آخرین نفس هایش برای نفس کشیدن هوا استفاده نمی کند و کمی بیشتر نکه می دارد. او آن نفس های گرانبها را صرف می کند تا به گناهکار توبه کننده در کنارش اطمینان خاطر دهد. او آخرین نفس های خود را با فریاد برای آمرزش خداوند برای کسانی که هنوز توبه نکرده اند می گذراند.

آنچه برای ما به دست می آید تصویر شخصی است که یک شبه در دعا عذاب می کشد و قلب خود را برای انجام اراده خدا تسلیم می کند. ما تصویری از کسی دریافت می کنیم که به او قدرت و عزم برای انجام اراده خدا - حتی تا حد مرگ - داده شده است. اگرچه نیاکان ما آدم و حوا در باغ تسلیم اراده خدا نشدند، عیسی این کار را نکرد. اگرچه رنج عیسی منحصر به فرد بود و هرگز تکرار نمی شود، اما او الگوی وفاداری مسیحی را فراهم می کند. ما با تسلیم کردن قلبمان دست های دعايمان را تقویت می کنیم. اینگونه است که با قدرت رو به جلو پیش می رویم.

بدون نمونه منزوی

بی دعایی همانند چشم بند است که ما را از خطرات اطرافمان غافل می کند. این به ما یک حس کاذب آرامش و یک شجاعت ساده لوحانه می دهد. ما را به این فکر فرو می برد که به کمک خداوند نیازی نداریم. شاگردان در سایه های شب سرگردان بودند و در حالی که عیسی به جام خشم خدا خیره شده بود، در آرامش می خوابیدند. دعا ما را از خطرات پیرامونمان و ناتوانی مان در مبارزه آگاه می کند. اما دعا همچنین ما را از کمک کننده ای که ما را ایمن می کند آگاه می کند. ما احساس ضعف می کنیم، می دانیم که بطور غیرقابل باوری ضعیف هستیم، و متوجه می شویم که امنیت ما مطلقاً ربطی به قدرت ما ندارد.

داستان جتسیمانی به همان اندازه که در مورد «قدرت دعا» است به همان اندازه هم درباره «شکست اجتناب ناپذیر ناشی از بی دعایی» است. این قسمت بین شاگردانی که به عیسی وعده وفاداری می دهند و شاگردانی که از ترس فرار می کنند قرار می گیرد. بین پطرسی که گفت «برای تو جان خواهم سپرد» و پطرسی که عیسی را منکر شد، قرار می گیرد. مانند یک ساندویچ سبزیجات، شاگردان وعده های

بزرگی را ارائه می دهند، اما با بی دغایی شان ناامیدی را در میانه راه به ارمغان می آورند.

وفاداری عیسی به انجام وظیفه خدا مستقیماً به دعای او گره خورده است. بی ایمانی شاگردان مستقیماً با بی دغایی آنها مرتبط است. عیسی هنگامی که به شاگردان هشدار می دهد، آنها را به یکدیگر متصل می کند: «بیدار باشید و دعا کنید تا از وسوسه ها به دور باشید. روح مشتاق است اما جسم، ناتوان.» (مرقس. ۱۴ آیه ۳۸).

سه روز پس از مرگ عیسی بر روی صلیب، شاگردان از اینکه او را دوباره زنده در بدنی زنده می بینند شوکه می شوند. هنگامی که عیسی آنچه را که خدا او را به انجام آن فراخوانده بود به انجام رسانید، این حکم به عنوان حکم اعدام او انجام شد. اما مرگ مقصد نهایی او نبود. و برای همه کسانی که به او اعتماد کرده اند همین وعده را داده است: توانایی دعاگونه در رویارویی با رنج.

ما می بینیم که شاگردان از تعلیم و نمونه دعای عیسی در کتاب اعمال رسولان استقبال می کنند. نتایج برای آنان تکان دهنده بود. در اعمال رسولان ۴، پطرس و یوحنا به ناحق مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و به خاطر موعظه انجیل به زندان انداخته شدند. آنها به خاطر عدالت و راستی رنج می برند. خدا آنها را از زندان آزاد می کند. و آیا می دانید آنها چه کار می کنند؟ آنها با دوستان خود جمع می شوند و یک جلسه دعا برگزار می کنند (اعمال رسولان. ۴ آیات ۲۳ الی ۳۱). و چه دغایی می کنند؟ آنها دعا می کنند که خدای مقتدرشان به آنها جسارت و قدرت بدهد تا اراده او را انجام دهند.

در اعمال ۵، آنها دوباره دستگیر می شوند، مجدداً مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و به آنها دستور داده می شود که در مورد عیسی صحبت نکنند. اما آنها با خوشحالی صحنه را ترک می کنند. بله، با شادی زاید الوصف! و آنها این را بارها و بارها تکرار می کنند (اعمال رسولان ۵ آیه ۴۲ را ملاحظه کنید). چه بر سر شاگردان خواب آلود و بی دعا در باغ آمد؟

آنها از طریق دعا به قدرت خدا دست یافتند. زمانی که آنها قلب خود را برای انجام اراده او تسلیم کردند، خدا دستهای آنها را برای دعا تقویت کرد. بعد از آن آنها شروع به شبیه شدن به منجی خود کردند و سرانجام فهمیدند که انجیل زندگی آنها را در انظار عمومی تغییر نمی دهد و تقویت نمی کند. در عوض، به طور خصوصی در برابر چشمان خدا و خانواده ما در مسیح تقویت می شوند.

فصل ۶

جلال

نقش دعا در پرستش گروهی

مشارکت کنندگان نه دارندگان بلیط فصلی

قبلاً فکر می کردم که از بازی بیسبال خوشم نمی آید. هر موقع بیخوابی به سرم می زند آن را تماشا کردم. سپس یک روز در مدرسه راهنمایی، دوستانم با توپ های تنیس و چوب های بیسبال آلومینیومی به دنبالم آمدند. ما از ماشینها و تیر چراغ برق زمین بازی برای محدوده زمین بازی استفاده کردیم، و شروع به بازی بیسبال کردیم. اما می دانید چه رخ داد؟ بطور ناگهانی سرگرم کننده و دلچسب بود. برای ساعتها بازی می کردیم و زمان همینطور سپری میشد. دیگر آن بیسبالی که از آن متنفر بودم نبود. من قبلاً فقط داشتم تماشایش می کردم. اما اکنون چه تفاوتی رخ داد؟ اکنون در حال شرکت در بازی هستم. ارزش ورزش نه با تماشا کردنش بلکه باید با شرکت و حضور در آن سنجیده شود.

پرستش گروهی - زمان و مکانی که کلیسا برای پرستش خدا گردهم می آید - به معنی یک تماشاگر ورزشی نیست که مردم می آیند و صندلی شان در جایگاه را می گیرند تا به وسیله سرود خواندن و موعظه های بامزه سرگرم شوند. متأسفانه، بسیاری از مردم به کلیسا به عنوان رفتن به تماشای بازی ورزشی مورد علاقه خود نگاه می کنند: به عنوان دارندگان بلیط مسابقات برای تماشای یک ورزش. اما مثل بیسبال، پرستش گروهی به معنی مشارکت، شرکت در برنامه است، نه فقط تماشاچی بودن.

کلیساهای متعددی تلاش کرده اند که پرستش گروهی را طوری ترتیب دهند که مردم کمتر تماشاچی باشند. برخی کلیساهای سعی می کنند که برنامه های قبل و بعد از عبادت را طوری طراحی کنند که

۱۷ اعضا در آنها شرکت نمایند. برخی از آنها در برابر این آیه مشهور «همسایه ات را همچون نفس خود دوست بدار» دچار دلهره و نگرانی شده‌اند. برخی محیطی را ایجاد می‌کنند که در آن مردم در حین موعظه با صدای بلند نسبت به موعظه عکس‌العمل نشان دهند (با گفتن، آمین، هلولویا و ...). برخی موعظه را به کلی حذف کرده‌اند و می‌گویند، یکنه صحبت کردن (موعظه) در جلسات مانع مشارکت ایمانداران می‌شود. کمک به میل مردم جهت سهم شدن در پرستش گروهی خواسته نیکویی ست اما گفته می‌شود که این وسواسها هدف از گردهمایی جمعی ما را از بین می‌برند.

ما گرد هم می‌آییم تا خدا را با همدیگر ملاقات کنیم. خدا همیشه بر آن بوده است که او را از طریق مشارکت با یکدیگر بهتر بشناسیم، اما نمی‌خواهیم مشارکت ما با دیگران در ارتباط با خدا تحت الشعاع قرار بگیرد. بنابراین بسیار مهم است که کلام خدا در گردهمایی مان مرکزیت داشته باشد. ما می‌شنویم که کلام خدا موعظه می‌شود، سرود و کلام خدا خوانده می‌شوند. با دعا کردن به کلام قرائ شده پاسخ می‌دهیم. ما دور هم جمع می‌شویم تا با همدیگر از طریق دعاهایی که از کلام او یاد گرفته‌ایم و پاسخ آنها را دریافت کردیم، او را ملاقات کنیم.

با هم دعا کردن چگونه به نظر می‌رسد؟

اگر می‌دانیم که دعا کردن برای تقویت مشارکت \ سهم شدن ما در ملاقات با خدا طراحی شده است، مهم است که چگونگی دعا کردن با یکدیگر را بررسی کنیم. دعای جمعی راهیست که از طریق آن به کلیسای خود می‌آموزیم که چگونه با خدا ارتباط برقرار کند. وقتی باهم دعا می‌کنیم، می‌خواهیم به باورهای نادرست درباره خدا رسیدگی کنیم و برای چیزهایی که بسیاری از ما از آنها غافلیم دعا کنیم و نشان دهیم که دعاهای ضروری نیاز به زمان مشخصی ندارند.

ما نمی‌توانیم فرض کنیم که مردم می‌دانند که چگونه دعا کنند. به همین دلیل است که از دعاهایی استفاده می‌کنیم که هفته به هفته تغییرشان می‌دهیم. کتاب مقدس چهار گونه دعا را بعنوان نمونه و الگو ارائه کرده و به آنها تاکید داشته است، و اینها باید زمان دعای جمعی ما را تشکیل دهند. فکر نمی‌کنم هیچ یک از این چهار گونه دعا برای شما تازگی داشته باشد. اگر تجربه‌ای از حضور در کلیسا داشته باشید، احتمالاً در مورد الگویی که در کتاب اعمال به آن اشاره شده، شنیده‌اید: ستایش، اعتراف، شکرگزاری، و تقاضا. اگرچه ممکن است جدید نباشد، اما استفاده از ترکیبی از این دعاها در دعای جمعی برای ایجاد یک محیط مشارکتی که در آن مردم با هم خدا را می‌پرستند، امری ضروری است.

دعای ستایشی \ تمجید: آیا می‌دانید با چه کسی صحبت می‌کنید؟ می‌دانید با چه کسی صحبت می‌کنید؟ باید بدانی من کی هستم! من این را در سالهای جوانی بارها شنیده‌ام. معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که من با معلم، مربی یا یک شخصیت معتبر دیگر چیزی غیرعادی می‌گفتم یا غیرعادی رفتار می‌کردم. این می‌تواند عبارت یا بیانی از روی سرزنش باشد، اما می‌تواند یک تشویق نیز باشد. به خاطر می‌آورم هر از چند گاهی به مادرم نزدیک می‌شدم تا به خاطر اوقاتی که او را آزار دادم، از او طلب بخشش کنم. من با شرمساری می‌آمدم و او با مهربانی پاسخ می‌داد: «نمی‌دانی با چه کسی صحبت می‌کنی؟» این یک سوال لفظی بود که قرار بود به من یادآوری کند که او کیست - یک مادر دوست داشتنی. به یاد آوردن شخصیت او پادزهر بیم و هراس من خواهد بود. به طور مشابه، این همان چیزی است که دعاهای پرستشی ما برای انجام آن طراحی شده است.

دعای تمجید و تسبیحی اساس و پایه برای اوقاتی که در جمع ایمانداران پرستش می‌کنیم را بنیان می‌کند. با این حال، دعای ستایشی اغلب از دعاهای جمعی ما حذف می‌شود. در کلیسای ما، دعای ستایشی معمولاً در ابتدا انجام می‌گیرد. ما می‌خواهیم در قلب خود ثابت کنیم که صحبت کردن با خدا مایه افتخار است. آشنایی با

خدا یک موهبت است، اما این آشنایی می تواند به سرعت برای ما تبدیل به یک هشدار شود. این دعا به ما یادآوری می کند که با چه کسی صحبت می کنیم. قبل از اینکه خدا را برای وفای به عهدش و وفاداری به وعده هایش فرابخوانیم، باید به ما یادآوری شود که با خدای وفادار صحبت می کنیم. به دلیل فداکاری بزرگ عیسی، می توانیم با جسارت به خدا نزدیک شویم. اما ما نیز باید با فروتنی نزد او برویم.

در دعاها ی ستایشی و تمجیدی خود، می خواهیم به یاد داشته باشیم که خدا چگونه است، نه فقط کارهایی را که او برای ما انجام داده است. ما او را به خاطر صفات و ویژگی هایش می ستاییم - قدوسیت، ملایمت، خوبی، حتی خشمش (خشم مقدسش). شگفتی این دعاها صرفاً نه از فهرست کردن صفات خداوند، که از خارج کردن آن صفات از دسته بندی ناشی می شود. دعای ستایش در ابتدای جلسه کلیسایی کمک می کند تا ابرهای کسالت و کم مهری را کنار بزنیم.

یک از روزهای میلاد مسیح، همسرم از دوست عزیزمان هدیه گرفت. جعبه حدود یک هفته زیر درخت تزئینی ما بود. هنگامی که او جعبه بسته بندی شده هدیه را بررسی می کرد، هیچ احساسات قوی چه مثبت و چه منفی در مورد آن نداشت. با این حال، لحظه ای که بسته را باز کرد و هدیه را دید، اشک شوق از چشمانش جاری شد. چه چیزی تغییر کرد؟ وقتی محتویات جعبه باز شد، او ماهیت واقعی آن چیزی را که داخل آن بود دید و نتوانست جلوی اشکهایش را بگیرد.

این کاری است که ما در دعاها ی ستایشی و تمجیدی انجام می دهیم. ما شخصیت خدا را با دقت، بسیار دقیق و حتی با تخیل می گشاییم. مه خواب آلودگی و کسالت ناپدید می شود و پرستش مملو از شادی در جمع ما نفوذ می کند.

ما باید بخواهیم که خدا را نه به طور کلی، بلکه به طور خاص ستایش و تمجید کنیم و این کمک می کند که تمایل مردم به استفاده

از عبارات تو خالی و مبهم را به حد اقل برساند و همچنین شکاف‌هایی را که مردم مایل به وارد کردن تعاریف خود از خدا هستند را پر می‌کند. برای مثال خدا را به خاطر جاودانگی او می‌ستاییم. چون او از ازل تا ابد وجود دارد، او خداست (نگاه کنید به مزمو ۹۰ آیه ۲). او برای همیشه بر تخت سلطنت بوده است. او شاهد تولد هر فرمانروای شریری بوده است. او آنها را در کودکی‌شان به یاد می‌آورد. او می‌داند روزی را که آنها مدفون خواهند شد. او هرگز مرعوب و هراسان نشده است. آنها می‌آیند و می‌روند، اما او بر تخت پادشاهی باقی خواهد ماند. موقعیت او امن است. او هرگز از ترس اینکه کسی جای‌اش را بگیرد تصمیم نمی‌گیرد. او هرگز پشت دیوار نیست؛ به این معنی است که ما می‌توانیم اعتماد کنیم که او هیچ انگیزه پنهانی‌ای برای دادن دستوراتش به ما ندارد. ما بهتر است تمام این ابدیت را در طول دعای ستایش و تمجید خود درک کنیم.

عمیق شدن در شناخت صفات خدا بدین معناست که ما باید به صفات خدا کاملاً توجه کنیم که گاهی اوقات با عدم شناخت صحیح آن صفات مجبور به عذرخواهی نشویم. این به ما نشان می‌دهد که باید تمام صفات خدا را بستاییم و حتی به خشم و غضب خدا هم فکر کنیم. وقتی در طول دعای گروهی او را به خاطر آن چیزها ستایش می‌کنیم، به ما یادآوری می‌شود که خدا متعهد به عدالت است. خشم یک مسئولیت نیست. این دلیلی بر محافظت او است. خشم خدا که معطوف به گناه است، به ما یادآوری می‌کند که او محافظ ضعف‌های ما است. ناتوانی او در نادیده گرفتن گناه و روش بی‌امان او برای مجازات شر ترسناک است زیرا می‌ترسیم که به راحتی بتوانیم خود را مورد خشم او قرار دهیم. اما برای کسانی که به حمایتی که او از طریق پسرش ارائه کرده است، پناه می‌برند، متوجه می‌شویم که قدوسیت خدا برای محافظت از ما است، نه برای مجازات ما.

آیا می‌دانید با چه کسی صحبت می‌کنید؟ من مطمئن نیستم که همه کسانی که به پرستش گروهی می‌آیند این کار را می‌کنند. حتی

اگر بدانیم، فراموش می کنیم. شکرگزاری را دعا‌های پرستشی به ما یادآوری می کند.

اعتراف: من هم همینطور!

اگر پرستش را درست انجام دهیم، آنگاه اعتراف، روحمان را جلا می دهد. هنگامی که قدوسیت و خوبی خدا را منعکس می کنیم، گناهکاری ما آشکار می شود. زمانی که در مورد فیض و بخشش خدا از طریق مسیح فکر می کنیم، به اعتراف هدایت می شویم.

پیدایش ۳، یک بازنویسی متن فیلمنامه اصلی خدا برای ایجاد نمایشنامه در کتاب مقدس نبود. این موضوع صرفاً نوشته شد تا زمینه را برای طرح خدا برای بخشش گناهکاران فراهم کند. هنگامی که موسی می خواهد جلال خدا را ببیند، اولین چیزی که خدا در مورد خودش شهادت می دهد این است که او خدایی بخشنده است (خروج ۳۴ آیات ۶ الی ۷ را ملاحظه کنید). او نیازی به اجبار برای بخشش ندارد. بخشش ایده خداست. او آن را تدارک دیده است که هم مجرمان مجازات شوند و هم قومش بخشش را تجربه کنند - همه اینها بدون لطمه زدن به تقدس او بود. او این کار را از طریق عیسی، جانشین ما، انجام داد (به رومیان. ۳ آیات ۲۱ الی ۲۶ مراجعه کنید). بخشش و صراحت خدا تشویقی ست در برابر نقص ها و عیب های ما. به پسر و لخرجی فکر کنید که «وقتی به خود آمد» ذات سخاوتمند پدرش را به یاد آورد (لوقا. ۱۵ آیات ۱۷ الی ۱۹). مهربانی پدر، پسر را وادار کرد که برگردد و به گناه خود اعتراف کند.

وقتی اعضای خانواده کلسایی خود را می شنویم که به گناه خود اعتراف می کنند، باید با خود فکر کنیم: «من هم همینطور». ما اغلب گناه را در زندگی خود کوچک می شماریم، در حالی که آن را در زندگی دیگران بزرگ نمایی می کنیم. اما وقتی می شنویم دیگران به گناه خود اعتراف می کنند، متوجه می شویم که چگونه چیزهایی که در هفته گذشته نادیده گرفته بودیم واقعاً بدتر از آن چیزی بودند که

فکر می کردیم. به ما یادآوری می شود که چقدر برای شادی خود به چیزهای دیگر امید بسته ایم. ما مجبوریم که بنشینیم، گوش کنیم و خاطراتمان را آنقدر مرور کنیم که بگوییم: «من هم! من هم همینطور! من هم همینطور! و من بدتر از آنچه آنها گفته اند انجام داده ام»

جامعه ای که به طور معمول با یگدیگر به گناهان خود اعتراف می کند، جامعه ای است شاد، در حال رشد، بخشنده و پایدار می باشد.

جمعی شاد :

اعتراف برای ایجاد پرستش طراحی شده است، اما از آنجا که ما را به جستجو در اعماق قلبمان به چالش می کشد، اغلب اعتراف را به فراموشی می سپاریم. اعتراف نه تنها ما را از ناامیدی دور می کند، بلکه باید به شادی ما بیانجامد. وفاداری و خوبی خدا به ویژه در پس زمینه شکست های ما به روشنی و زلالی می درخشد. مزامیر ۳۲ و ۵۱، دو مزمور معروف توبه، نیز بیان زیبایی از شادی در بخشش خداوند هستند. پس از اعتراف نگارنده مزمور، این گناهکار هر کسی را که می شناسد به این بخشش که در خدا پیدا کرده است، فرا می خواند (نگاه کنید به مزمور ۳۲ آیه ۱۱ ؛ ۵۱ آیه ۱۴).

اکنون آن تجربه را توسط تمام اعضای کلیسایان چند برابر کنید. آیا می توانید این وجد و سرور را تصور کنید؟

جمع مسیحی (جمعی از ایمانداران) در حال رشد:

توبه با همدیگر نیز انگیزه بزرگی برای بشارت است. مزمور ۱۳۰ تصویر کاملی از این موضوع به ما می دهد. در آیات ۱ الی ۶، مزمورنویس، خدا را برای کمک فرا می خواند و آن کمک را دریافت می کند، و به کلام خدا امید میند. آیات ۷ الی ۸ واکنش او را به کمک خدا نشان می دهد. اکنون نویسنده مزمور می خواهد که تمام ملت بخشش و محبت خداوند را تجربه کنند. بخشش خدا

خیلی خوب است که بتوانیم آن را برای خود نگه داریم، و نباید آن بخشش مختص خودمان از جانب خدا را برای دیگران نیز به کار ببریم. هنگامی که بخشش به طور جمعی از طریق اعتراف تجربه می شود، پیام انجیل شخصاً اعمال می شود و به طور عمومی اعلام می شود. جامعه ای که آزادانه به گناهان خود باهمدیگر اعتراف می کنند، برای در میان گذاشتن نتایج این آزادی با دیگران مشتاق و علاقه مند است. این جامعه به جهانی در حال مرگ اشاره می کند: «بیایید. بچشید و همان بخششی را ملاحظه کنید که ما می چشیم و می بینیم.»

جمعی با محبت.

همانطور که قبلاً در دعای ربانی دیدیم، اگر در دعاهای خود کوتاهی کنید و تنگ نظر باشید، نمی توانید بخشش خداوند را بطلبید. جمع ایماندارانی که با هم به گناهان خود اعتراف می نمایند دائماً به خود یادآوری می کنند که خود گناهکارانی هستند که هر روز به بخشش خداوند نیاز دارند. بنابراین، ما نه تنها سعی می کنیم گناهی را که در حقیقت صورت می گیرد، درک کنیم؛ بلکه انتظار چنین عملکردی را از خودمان نیز داریم. به ما یادآوری می شود که برای طلب بخشش از خدا شرط آن عذرخواهی نیست. در نتیجه، ما هم نیازی به عذرخواهی رسمی برای بخشش اشتباهاتمان در قبال آنها نیستیم که در حقیقت گناهی مرتکب شده اند، نداریم. هنگامی که باهم به گناهان خود اعتراف کنیم، حسادت، ستیز و رقابت از میان خواهند رفت. جمعی که در آن دعای اعتراف دارد جامعه ای صلح طلب است.

جمعی فروتن

دعای اعتراف همه را خاکی و روراست می سازد و غیرممکن است که با کسی به شیوه ای تحقیرآمیز به دیگری رفتار کنیم. هنگامی که

قابل احترام ترین افراد در میانمان، ما را در دعا‌های اعتراف رهبری می‌کند، هیچ کس نیازی به انجام دعای اعتراف به گناهان خود احساس نمی‌کند. هنگامی که رهبران کلیسا به نقاط ضعف خود اعتراف می‌کنند، اعضای کلیسا نقاط ضعف خودشان را چیزی عجیب یا ناشایست نمی‌بینند. دعا‌های اعتراف به مسیحیانی که وجدان ضعیف تری دارند، یاد آور می‌شود که هیچ وسوسه‌ای در بین همه مردم، وجود ندارد که بر آنان غلبه نکرده باشد، حتی در بین آن دسته از افرادی که بیشتر به آنها (مسیحیان با وجدان ضعیف تر) چشم دوخته‌اند. اعترافات جمعی زمینه را برای همه هموار می‌کند، که این خود شهادت بزرگی هم برای مسیحیان و هم برای غیر مسیحیان است.

شکرگزاری: چرا من؟

از طریق دعای پرستشی به یاد می‌آوریم که خداوند هیچ وظیفه‌ای در قبال هیچ یک از ما ندارد. از طریق دعای اعتراف، به یاد می‌آوریم که خداوند دقیقاً کاری را برای ما انجام داده است که انجامش برای او اجبار نبوده است. او ما را آفریده است، از ما مراقبت می‌کند، ما را تامین می‌کند، ما را می‌بخشد، ما را به فرزند قبول می‌کند - این لیست همچنان ادامه دارد. او با همه مخلوقاتش از جهات بسیاری مهربان است. اما او به طور ویژه با فرزندان خود مهربان است. او در آسمان‌ها می‌نشیند و هر چه بخواهد انجام می‌دهد و با وجود گناهانمان، راضی است که به ما نیکی کند که هر کدام به ما دلایلی را برای ستودن او می‌دهد.

تنها پاسخ مناسب به فیض، شکرگزاری است. اما ما اغلب به فیض با طلبکاری پاسخ می‌دهیم، که به وضوح در شکوه و ناله هایمان عیان است! بهترین راه برای اینکه بفهمید قلب شما مملو از قدردانیست یا طلبکاریست؛ این است که منظور خود را از پرسیدن این سوال در نظر بگیرید «چرا من؟» قلب با طلبکاری می‌پرسد «چرا من؟» و به این معنی است که «خدایا، چرا دعای مرا آنطور که من می‌خواستم پاسخ نداده‌ای؟» اما دل فروتنانه می‌پرسد چرا من؟ و به این معنی است که

«خدایا چرا اینقدر با من خوب بودی؟ من لیاقت تو و هیچ یک از عطایای تو را ندارم. وقت گذاشتن برای سپاسگزاری از خدا برای کارهای خاصی که برایمان انجام داده است، باید قلب هایمان را در جهت سپاسگزاری و فروتنی رشد دهد. ما که شکایت می کنیم و غر می زنیم، از طریق دعای شکرگزاری فراخوانده می شویم تا نعمت های خود را برشماریم و به ما یادآوری شود که آن نعمت ها را بیشتر از آنچه سزاوارش هستیم داریم. و همه آنها به لطف و فیض خداست.

این زمان شکرگزاری برای گردهمایی روز یکشنبه ما حیاتی است، زیرا یک روح شکسته می تواند مانع بزرگی برای شنیدن سخنان پرفیض خدا باشد (خروج. ۶ آیه ۹ را ملاحظه کنید). اگر یک سکه را به اندازه کافی به چشمان خود نزدیک کنیم، آن می تواند جلوی دید ما از خورشید درخشان را بگیرد. به همین ترتیب، اگر به اندازه کافی روی مشکلاتمان تمرکز کنیم، آنها نیز می توانند مانع دیدن جلال خدا شوند و کورمان کنند.

من گاهی قدرت مطلق خدا را در نظر می گیرم و بعد به تمام چیزهایی که هنوز در این دنیا و زندگی من شکسته شده باقی مانده اند فکر می کنم و غر می زنم. اما وقتی شاهد می شوم که برادران و خواهرانم علیرغم (و حتی به خاطر) سختی های مختلف زندگی شان، خدا را شکر می کنند، قلبم به سمت شکرگزاری و شادی می شتابد. ما باید به عنوان یک کلیسا (جمع ایمانداران) بخواهیم بابت هر آنچه که در این جهان اشتباه است و به خطا رفته است، غمگین باشیم؛ اما همیشه به خاطر شخصیت و وعده های خدا شادی بسیار کنیم (دوم قرن ۱۰ آیه ۶ را ملاحظه کنید). دعای شکرگزاری اجازه می دهد تا درخشندگی جلال خدا بر جزئی ترین مشکلات ما غلبه کند.

شفاعت / درخواست: ما به کمک تو محتاجیم!

پس از انجام انواع دعاها و موارد فوق، یادآوری می کنیم که خدا وقتی بر او تکیه می کنیم جلال می یابد. او مراقب کسانی است که او را پناهگاه خود می دانند (نحمیا. ۱ آیه ۷). به ویژه در عصر کنونی،

رسانه‌های اجتماعی، بار سنگینی روی دوش ما گذارده‌اند. مشکلات شخصی ما با مشکلات دنیا ترکیب شده است. رسانه‌های اجتماعی وارد می‌شوند و می‌پرسند: «اخبار و شنیدی؟ ... نمونه دیگری از خشونت پلیس ... قانون دیگری تصویب شد که ارزش‌های مسیحی را شیطانی جلوه می‌دهد ... یک انتخابات تک قطبی دیگر ... شکست اخلاقی یک رهبر مسیحی دیگر ... شهید دیگری ... سقط جنین دیگر ... دوست دیگری سرطان دارد؟ و این فهرست اخبار ادامه دارد و ادامه دارد. در حالی که نمی‌خواهیم از گفت‌وگو درباره این چیزها اجتناب کنیم، با این حال می‌خواهیم با آن کسی که در آسمان است، گفتگو کنیم! دعای تقاضا در حین پرستش گروهی به ما این امکان را می‌دهد که بار خود را در برابر خدا رها کنیم.

در کلیسایمان، اعضا، ما را در دعا‌های ستایش، اعتراف و شکرگزاری رهبری می‌کنند. ما به عنوان شبان تصمیم گرفتیم که درخواست‌های دعا را رهبری کنیم. ما این کار را انجام می‌دهیم تا گستره آنچه که جمع کلیسایی ما معتقد است می‌توانیم از خدا بخواهیم را افزایش دهیم. در این دوران که مسیحیت به آرامی و خوشی پیش می‌رود، ما می‌توانیم تشخیص دهیم که مردم خواسته‌های محدود و کوتاه نظرانه‌ای دارند. ما می‌خواهیم نشان دهیم که مشکلی نیست که از خدا چیزهایی مانند شفا را بخواهیم. اشکالی ندارد که به طور مداوم همان دعا را بخوانیم. اشکالی ندارد که از خدا چیزهایی بخواهید بدون اینکه همیشه بگویید «خدا یا! اگر به اراده تو باشد». البته که ما می‌خواهیم که قلبمان بیش از هر چیز خواستار اراده خدا باشد. اما بسیاری از ما به توانایی و تمایل خداوند برای انجام کارهای بزرگ در زندگی خود شک داریم. ما می‌خواهیم عظمت عیسی را با درخواست چیزهای بزرگ به نام او به نمایش بگذاریم. گاهی اوقات، در مشیت خود، خدا پاسخ می‌دهد «نه» - و از این طریق ما با هم رشد می‌کنیم. اما ما همچنین درخواست‌های بزرگی از خدا کرده‌ایم و دیده‌ایم که او بیش از هر چیزی که می‌توانیم بخواهیم یا فکر کنیم، پاسخ می‌دهد. در هر صورت، وقتی

با هم از خدا کمک می‌خواهیم، ایمان ما به عنوان یک خانواده تقویت می‌شود.

در عمل پیاده کردن

ممکن است ضرورت و فایده همه این دعاها را ملاحظه کنید، اما ممکن است در عین حال پرسید: «چگونه همه اینها را در طول یک مراسم کلیسا عملی کنم؟» در اینجا سه دستورالعمل وجود دارد که ممکن است به شما کمک کند.

اول، رشد و ایجاد محیطی که همه خود را در آن شریک می‌بینند به معنای کنار گذاشتن رهبری نیست. کلیساهایی که عادت به انجام این چهار دعا در خدمات هفتگی خود ندارند، به رهبرانی نیاز دارند تا برایشان الگویی ارائه کنند و به آنان آموزش دهند. این دعای خصوصی نیست. این موضوع باعث می‌شود که کل کلیسا با هم دعا کنند. بنابراین شبانان باید به شخصیت و شایستگی افرادی که خواستار برگزاری این دعاها هستند، توجه داشته باشند.

دوم، کسانی که در بین عموم با صدای بلند دعا می‌خوانند باید از قبل خود را آماده کنند. با این که نمی‌خواهید مردم روخوانی کنند و نام آن را دعا بگذارند، اما همچنین نمی‌خواهید بین این دو تمایز قائل شوید! آمادگی، افراد را از پریشانی و تکرار بدون تفکر باز می‌دارد. این کار به مردم کمک می‌کند تا با آگاهی، با هشیاری، با حساسیت و با نکته‌سنجی دعا کنند. این موضوع به همه افرادی که از طریق گوش دادن و از طریق علاقه‌مند نگه داشتن آنها مشارکت می‌کنند، خدمت می‌کند. ارتباط با خدا به تمرکز، اندیشه و شفافیت نیاز دارد. به افرادی که دعا می‌کنند کمک کنید تا ابعاد کاری که برای انجام آن آماده می‌شوند را در نظر بگیرند و آن این است: هدایت قوم خدا برای پرستش خدا.

سوما، آهسته بروید. ما عجله‌ای نداریم. دعا بخشی حیاتی از خدماتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت یا آن را فشرده و مختصر کرد.

ارتباط گوناگون

ما به عنوان کلیسا، می‌خواهیم (خدا را) دسته جمعی پرستش کنیم. ما می‌خواهیم انواع مختلفی از قوم خدا را که به طرق مختلف با خدا صحبت می‌کنند را به نمایش بگذاریم. می‌خواهیم جمع کلیسایی و بازدید کنندگان ما ببینند که آن دعای مهم می‌تواند به اشکال مختلف در مدت زمان کوتاهی رخ دهد. همه اینها زمانی امکان پذیر است که در گردهمایی یکشنبه ما بر دعا تأکید شود.

خدای ما خواستار رابطه‌ای عمیق با قوم خویش است. و هر چه این رابطه عمیق‌تر باشد، ارتباطات متنوع‌تر می‌شوند. ما در طول دعای پرستش خود در جستجوی این شگفتی و اعجابیم که «خدا کیست؟». ما رحمت و بخشش او را در طول دعای اعتراف خود درک می‌کنیم. در طول دعای شکرگزاری خود به تمام کارهایی که او برای ما انجام داده است فکر می‌کنیم. ما به او تکیه می‌کنیم و قدرت او را در طول دعای درخواست خود احساس می‌کنیم. با گنجاندن این دعاها در مراسم یکشنبه خود، وسعت و عمق رابطه خود با خدا را به نمایش می‌گذاریم.

در اوایل کار شبانی ام، از کلیسایی دیدن کردم که فاقد اکثر موارد علاقه سبک من، از جمله موسیقی و سبک موعظه آن بود. اما آنها همان گونه که در این فصل توضیح دادم آنها اهل دعا بودند. دعا نقشی اصلی و عمده در پرستش کلیسایی آنها داشت. تا کنون چنین حسی نداشتم، هرچند از موعظه چیزی دریافت نکردم، اما حس کردم که در جلسه کلیسایی من هم نقشی دارم. این کلیسا از من خواست که همراه با قومش در ارتباط با خدا با آنها مشارکت داشته شوم. مثل بازی گروهی همچون فوتبال بود. چیزی که ممکن بود من را به

عنوان يك تماشاگر خسته كند، من را به عنوان يك شركت كننده اسير خود كرد. وقتي با هم از طريق دعا در پرستش گروهی شركت می كنیم، جلال خدا را به شیوه ای منحصر به فرد می چشیم.

۷ به من تکیه کن

نقش دعا در پرستش گروهی

تکیه دادن یا یادگیری

سال ۱۹۹۲ بود. من هشت ساله بودم و تازه تماشای بازی‌های المپیک تابستانی را تمام کرده بودم. وقتی بزرگ شدم تصمیم گرفتم ژیمناستیک کار شوم. اما اول از همه: من باید یاد می‌گرفتم که چگونه یک پشتک وارو بزنم. من به کتابخانه مدرسه‌ام رفتم، رمز و راز آن را در کتاب ژیمناستیک پیدا کردم. به قسمتی رفتم که در مورد حرکت نیم وارو و پشتک صحبت می‌کرد، آن را به دفعات خواندم و نمودارها را بررسی کردم. بعد از مدرسه، تشکم را از طبقه بالا گرفتم، آن را توی چمن باغچه حیاطمان گذاشتم و اولین نیم‌واروی خودم را امتحان کردم.

چند فریم به جلو برید، و مرا می‌بینید که با لب و لوجه‌ای آویز لنگ لنگان به طرف اتاقم رفتم. ظاهراً مطالعه در مورد پشتک وارو آسان‌تر از انجام آن است! باید تمرین می‌کردم. باید یاد می‌گرفتم که چگونه موقعی که در هوا به عقب بر می‌گشتم، برای تحمل وزن بدنم به دست‌هایم تکیه کنم.

همانطور که معلوم است، شما نمی‌توانید تکیه کردن به دستها را از طریق آموزش و مطالعه یاد بگیرید (یا آموزش دهید). تکیه کردن با یادگیری به دست نمی‌آید، بلکه با تمرین عملی به دست می‌آید. همانطور که من نتوانستم با خواندن کتاب‌ها یاد بگیرم که چگونه یک حرکت پشتک وارو انجام دهم، شما نیز نمی‌توانید به کلیسا یاد بدهید که فقط با پیشنهادها و گزاره‌ها به خدا تکیه کنند. عمل لازم است و

آن عمل دعا است. کلیسایی که تمرین دعا می کند بیش از کلیسایی ست که آن را می آموزد؛ همچنین کلیسایی ست که بر دعا تکیه دارد. این چیزی بیش از یک کلیسا است که فقط می داند؛ همچنین کلیسایی است که دعا را احساس می کند. ما تکیه کردن بر خدا را از طریق دعا با همدیگر می آموزیم.

اجبار به تکیه

کلیسای ما مجبور شد که بر دعا تکیه کند. رنج در اوایل زندگی کلیسایی ما نیاز به خدا را ملموس کرد. نه ماه اول ما مملو از عروسی، تولد، اعضای جدید و ایمان آوردن نبود. هیجانی که کلیساهای که از جوانان بیست یا سی و اندی ساله ایجاد می شود، وجود نداشت، در عوض، مانند زمستان سیاتل دلگیر بود. در ماه مارس، یکی از اعضای کلیسا مرگ خانمی که همچون مادر و معلمش بود تجربه کرد. در ماه آوریل برادرم فوت کرد. در ماه می، یکی دیگر از اعضای کلیسا خواهر خود را بر اثر سرطان از دست داد. در ۷ ژوئن ۲۰۱۵، روزی که کلیسای ما در واقع راه اندازی شد، خبری دریافت کردیم که مادر بزرگ همسرم به تازگی در گذشته است.

همین اوضاع برای جولای، آگوست، سپتامبر و اکتبر هم بود. گاهی خبرهای خوش مانند غسل تعمید، و ماه اکتبر یکی از اعضای کلیسا خانم پنجاه و سه ساله بود که خدا از تشخیص سرطان او استفاده کرد تا او را از بیماری گناه خود آگاه کند. اما در ۳۰ ژانویه ۲۰۱۶، همان سرطانی که او را با عیسی آشنا کرد، او را از ما ربود و به او ملاقاتی حضوری و رو در رو با نجات دهنده اش داد. وقتی او را غسل تعمید میدادیم، خوشحال شدیم، و هنگامی که چند ماه بعد او را به خاک سپردیم، سوگواری کردیم.

زندگی ما را فلج کرده بود. شادی گریزان بود و غم و اندوه نزدیک. ما مجبور شدیم یاد بگیریم که در حین مراقبت از یکدیگر، تکیه کردن به خدا به چه معناست. ما کلمات حکیمانه یا منابع کافی

برای رسیدگی به نیازهای همه نداشتیم. برای تحمل بارهایی که متعهد به حمل‌شان بودیم، مجهز نبودیم یا به درستی مجهز نشده بودیم. با همه اینها، ما یک درس آموختیم: وقتی زندگی شما را به زانو در می‌آورد، آنقدرها هم در بلند شدن عجله نکنید. در عوض، در نگاه کردن به خدا در دعا عجله کنید. در مدرسه بلا و مصیبت، تکیه کردن را یاد گرفتیم.

حال سوال من از شما این است: ایمانداران کلیسای شما واقعاً کجا یاد می‌گیرند که به خدا تکیه کنند؟ آیا فضایی برای یادگیری تکیه کردن وجود دارد؟ آیا زمانی تعیین شده است؟ یا فرض بر این است که مردم دستورالعمل‌ها و نمودارهای ارائه شده در حین موعظه را می‌گیرند و به تنهایی قسمت تکیه کردن را حل می‌کنند؟ خوشبختانه از ما انتظار نمی‌رود که مبتکر باشیم. ما مجبور نیستیم راهبردها یا برنامه‌های جدیدی برای کمک به مردم بیاموزیم که معنای تکیه بر خدا چیست. ما فقط باید در مورد آنچه خدا قبلاً ارائه کرده است تحقیق کنیم. حتی اگر به صورت گذرا به کلام خدا نگاه کنیم، خواهیم دید که راه حل درستی پیش روی ماست.

روی (چیزهای) بدیهی تمرکز کنید

یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که در مورد مطالعه کتاب مقدس آموختم، عبارت «روی چیزهای بدیهی و آشکار تمرکز کنید» آمده است. اولین قدم ما در مطالعه کتاب مقدس باید جستجوی چیزهایی باشد که برای هر خوانندبدیهی است. با ذره بین شروع نکنید با یک عکس هوایی شروع کنید. برای درک اهمیت دعا در زندگی کلیسا، فقط باید بر فراز کتاب اعمال رسولان پرواز کرد.

برای شفاف بودن، جزئیات مهم هستند. تمام کتاب مقدس از جانب خدا الهام شده است و خداوند کسانی که آن را نوشته‌اند را با دقت انتخاب کرده است. لوقا، پزشکی که لوقا و اعمال رسولان را نوشت، در ارائه گزارشی دقیق و منظم از زندگی عیسی (به لوقا. ۱

آیه ۱ الی ۳ رجوع کنید) و آغاز کلیسا (به اعمال رسولان. ۱ آیه ۱ الی ۳ مراجعه کنید) دقیق بود. او می‌خواست مخاطبانش در مورد چیزهایی که یاد گرفته بود، مطمئن باشند.

لوقا کلیسا را به عنوان قوم دعا توصیف می‌کند. حتی یک مطالعه گذرا از کتاب اعمال رسولان، رواج و گسترش دعای جمعی را نشان می‌دهد.

- شاگردان به طور کلی با هم برای حکمت در تعیین رهبر دیگری به جای یهودا دعا می‌کنند. (۱ آیه ۱۲ الی ۲۶).

- کلیسا به عنوان ریتیم و ضربان کلی زندگی آنها دائماً با هم دعا می‌کند. (۲ آیه ۴۲ الی ۴۷)

- پطرس و یوحنا (با هم) در ساعت دعا به معبد رفتند. (۱ آیه ۳)

- کلیسا برای داشتن شهادت و جسارت در مواجهه با مخالفت‌ها دعا می‌کند. (۴ آیه ۲۳ الی ۳۱)

- کلیسا برای برکت رهبران انتخاب شده دعا می‌کند. رسولان به دعای جمعی پایبند هستند. (۶ آیه ۱ الی ۶)

- استفان، اولین شهید، برای کسانی که او را می‌کشند، طلب بخشش و دعا می‌کند. (۷ آیه ۵۹ الی ۶۰)

- پطرس و یوحنا همراه با مقدسین در سامره دعا می‌کنند تا روح القدس را دریافت کنند. (۸ آیه ۱۴ الی ۱۵)

- پطرس به شمعون دستور می‌دهد که توبه کند و دعا کند که نیت قلبی او بخشیده شود و شمعون از پطرس می‌خواهد که به او ملحق شود. (۸ آیه ۲۲ الی ۲۴)

- پطرس دعا می‌کند و زنی را می‌بیند که از مردگان برمی‌خیزد. (۹ آیه ۴۰)

- کورنلیوس پیوسته به خداوند دعا می‌کند و خدا به او مسیر نجات را نشان می‌دهد. (۱۰ آیه ۱ الی ۸)

- پطرس با دیدگاه محدود دعا می کند و خداوند با تعصبات شخصی و دیدگاه محدود او مقابله می کند. (۱۰ آیه ۹ الی ۲۳)
 - کلیسا با هم برای آزادی پطرس دعا می کند. (۱۲ آیه ۱ الی ۵)
 - پطرس آزاد می شود و به جلسه دعا می آید. (۱۲ آیه ۱۲)
 - کلیسا روزه می گیرد و دعا می خواند و خدا کار آنان را چند برابر می کند (۱۳ آیه ۱ الی ۳)
 - پولس و برنابا بزرگانی را منصوب می کنند و آنها را از طریق دعا و روزه به خداوند می سپارند. (۱۴ آیه ۲۳)
 - پولس، سیلاس و لوقا به اتفاق هم به یک مکان دعا می روند. (۱۶ آیه ۱۶)
 - پولس و سیلاس با هم در زندان دعا می کنند. (هیچ چیز نمی تواند این برادران را از دعا با هم باز دارد) (۱۶ آیه ۲۵)
 - پولس با شبانان وقتی که برای ترک کردن کلیسایی آماده می شود با همدیگر دعا می کند. (۲۰ آیه ۳۶)
 - پولس با خانواده خدا قبل از اینکه برنامه سفرش به اورشلیم را تنظیم کند دعا می کند. این در نهایت سفر دریایی ای بود که در آن تصمیمش برای مرگ در راه مسیح در معرض آزمون قرار داده می شد. (اعمال ۲۰ آیه ۲۴؛ و فصل ۲۱ آیات ۱ الی ۱۴)
 - لوقا، پولس و خدمه کشتی وقتی از شکسته شدن و غرق شدن کشتی می هراسند، با همدیگر دعا می کنند. (۲۷ آیه ۲۹)
 - پولس برای شفای مردی که از تب و اسهال رنج می برد دعا می کند. او شفا می یابد، و بقیه مردم جزیره برای شفا نزد او می آیند. (۲۸ آیه ۸ الی ۹)
- می دانید منظورم چیست؟ دعا در اعمال رسولان کمتر از بیست و یک بار ذکر شده است. علاوه بر این، این دعاها طبیعتاً گروهی

هستند. هر زمان که دعا ذکر می شود، به شدت دیگران را نیز دربرمی گیرد و شامل حالشان می گردد. حتی در مواردی که افراد در دعا هستند، شامل روابط بین فردی نیز می شوند (برای مثال استفان دعا می کند که قاتلش بخشیده شود و در نتیجه در زمره خانواده خدا قرار بگیرند، پطرس و کورنلیوس از طریق دعاهای شخصی شان دور هم جمع می شوند). لوقا تاکید می کند کاری که کلیسا انجام می دهد بیش از آموزش حقایق در مورد خدا می باشد. چرا امروزه این گونه دعا در بسیاری از کلیساهای ما نادیده گرفته شده و فراموش شده است؟

پوشش مجدد جلسات دعا

همانطور که در فصل پیش چگونگی دعا در زمان پرستش کلیسایی را مورد بررسی قرار گرفت، می خواهیم آن طرف سکه را هم در این فصل نشان دهیم. باید زمانهای معینی در کلیسا وجود داشته باشد که با هدف دعا کردن دورهم جمع می شویم. این جلسه دعا، با دعا در جلسه عبادتی یکشنبه متفاوت است، اما به همان اندازه ضروریست. دعاهای ما در جلسه پرستش کلیسایی همچون گوجه کنار چلو کباب است، موعظه کلام همان کباب است، در جلسه دعا، نقش ها جابجا می شوند. حال دعای ما تبدیل به خوراک اصلی می شود. وقتی به خدا با همدیگر تکیه می کنیم به خوبی می توانیم مراقب همدیگر هم باشیم.

می دانم که ایده جلسه دعا خیلی درخشان به نظر نمی رسد. مشکل اینجاست که کلیساها و شبانان دایما فشار بدعت گذاری و نوآوری ها را احساس می کنند. جامعه ما با نوآوری، وسواس و مشکل دارد؛ بنابراین مسائل معمول و پیش پا افتاده مرتباً بی ارزش می شوند. مردم به دنبال چیزهای تازه، نو و هیجان انگیز هستند. شبانانی چون من وسوسه می شویم که اینطور فکر کنیم که ما به ایجاد رویدادهای هیجان انگیزی که مردم را وادار به توجه کنند نیاز مندیم. با این حال، جلسات دعا به ندرت هیجان انگیز اند. مردم وارد اتاقی می شوند،

بارهایشان را با هم سهیم می شوند، و با همدیگر آنها را نزد خدا با چشمانی بسته و سرهایی خم شده می برند.

حقیقت این است که ما نیازی به نوآوری نداریم. ما نیازمندیم که در فعالیتهای کلیسایی هدفمند و برنامه ریزی شده باشیم. جلسه دعا به این معنی نیست که صرفاً برنامه دورهمی به صرف جای شیرینی به نظر برسد. بیشتر شبیه تاسیسات ذخیره سازی ست، و ما مانند ماشین های بدون صندوق عقب هستیم. هرگز قرار نبوده که نگرانی ها و دلهره هایمان را درون خود نگه داریم (مزمور ۱۳ آیه ۲ را ملاحظه کنید). قرار براین بوده که تمام بار خود را در برابر خدا به زمین بگذاریم. این جایی ست که مردم با بارهایشان می آیند و بدون آنها اینجا را ترک می کنند، زیرا که تمام آن بارها و دلهره ها همگی در دستان خدا جای گرفته اند. اینجا، ما گرد هم می آییم تا با همدیگر، و به خاطر یکدیگر به خدا تکیه کنیم. چنین فضا و مکانی برای کلیسایتان کجاست؟

مسئولیت تازه، ارزیابی تازه

برقراری یا پوشش مجدد یک جلسه دعاى ثابت و متداوم حداقل دو کار برای هر کلیسایی انجام می دهد:

- (۱) باعث تقویت حس مسئولیت مان در قبال یکدیگر می شود، و
- (۲) جدول ارزیابی تازه ای به ما میبخشد که با آن می توانیم بهتر درک کنیم که چگونه بار گناهان و غم و اندوه دیگران را بر دوش می کشیم و رفتارمان را بهتر بسنجیم.

زمانی که ما در ماتم دیگران با آنها گریه کنیم و در زمان شادیشان شادی کنیم (رومیان ۱۲ آیه ۱۵)، به ما یادآوری می شود که ما بخشی از یک خانواده ایم. به ما یادآوری می شود که هر یک از ما یک هویت بزرگتری داریم. «من»، «ما» شده است. ما دیگر به عنوان فرد با دنیاهاى خاص خود محسوب نمی شویم. ما بخش هایی وابسته به هم در یک بدن هستیم که خوانده شده ایم تا با یکدیگر شکرگزاری

کنیم و با یکدیگر غمگساری کنیم. دیگر، رنج‌ها و خوشی‌ها صرفاً شخصی و محرمانه نیستند؛ آنها قرار است رنج‌ها و خوشی‌های یکدیگر را باهم احساس کنند. همه افراد جامعه خوانده شده‌اند تا شادی‌ها و نیکی‌های خدا را در زندگی‌های دیگران تجربه کنند و همزمان تجارب روزهای سختی همدیگر را باهم شریک شوند. هر چند که باعث آسیب به خود شما می‌شود. به عنوان یک خانواده، ما جمع می‌شویم تا این مسائل را با یکدیگر در میان بگذاریم و هم اینکه آنها را نزد خدا هم برای ستایش و هم برای تقاضا ببریم.

همانطور که با گریه کنندگان می‌گرییم و با شادی کنندگان شادی می‌کنیم (رومیان ۱۲ آیه ۱۵)، به ما یادآوری می‌شود که بخشی از یک خانواده هستیم. به ما یادآوری می‌شود که هر یک از ما هویت بزرگ‌تری داریم. «من» تبدیل به «ما» شده است. دیگر ما آدم‌هایی نیستیم که درگیر دنیای خودمان باشیم. ما اجزای متقابل بدنی هستیم که خوانده شده تا باهم شکرگذاری کنیم و باهم ماتم کنیم. شادی‌ها و رنج‌های ما دیگر صرفاً شخصی و محرمانه نیستند. آنها قرار است به صورت نایبی احساس شوند. همه افراد جامعه کلیسا خوانده شده‌اند تا لذت خوبی‌های خدا را در زندگی دیگران تجربه کنند و همزمان دود دست دوم روزهای سخت یکدیگر را استنشاق کنند. به عنوان خانواده الهی، ما دور هم جمع می‌شویم تا این چیزها را باهم در میان بگذاریم، و سپس آنها را هم در ستایش و هم در عریضه نزد خدا می‌بریم.

با هم دعا کردن نیز به ما یک روبریک جدید برای تعریف موفقیت می‌دهد. ما خدا نیستیم ما قادر مطلق نیستیم ما نمی‌توانیم چیزها را تغییر دهیم. ما دانای کل نیستیم، بنابراین دانش ما برای مشاوره دادن به دیگران محدود است. و ما در همه جا حاضر نیستیم، بنابراین توانایی خود برای بودن با مردم در روزهای سختشان محدود است. ما همه اینها را می‌دانیم، اما وقتی از مشکلات فزاینده در زندگی خانواده کلیسایی خود آگاه هستیم، به راحتی از بین می‌رویم. وقتی از یک خیانت پیش بینی نشده، یک سرطان غیرمنتظره، یک

مرگ غیرقابل تصور، یا یک تصادف اجتناب ناپذیر می‌شنویم، فکر کردن به آنچه «باید انجام می‌دادیم» یا «می‌توانستیم انجام می‌دادیم» بسیار آسان است. ما می‌دانیم که خدا نیستیم، اما این ما را از احساس گناه باز نمی‌دارد.

دعا با یکدیگر به ما عنوان تازه‌ای برای تعریف موفقیت ارائه می‌کند. ما خدا نیستیم. ما قادر مطلق نیستیم. ما قادر به تغییر اینها نیستیم. همه دانا نیستیم، پس دانش ما برای نصیحت و مشورت دادن به دیگران محدود است. و ما در همه جا حاضر نیستیم، بنابراین توانایی ما برای اینکه با مردم در شرایط سخت‌شان باشیم محدود است. همه اینها را می‌دانیم، با این حال زمانی که از افزایش مسائل و مشکلات در زندگی خانوادگی کلیسایی مان آگاه می‌شویم، به آسانی خود را می‌بازیم.

اگر خبر یک خیانت زناشویی غیرقابل پیش‌بینی، سرطان غیرمنتظره، و مرگی غیرقابل تصور، یا خبر یک تصادف اجتناب ناپذیر به گوشتان می‌خورد، فکر کردن به اینکه «باید انجام می‌شد» یا «می‌توانست انجام شود» خیلی آسان است. ما می‌دانیم که خدا نیستیم، اما این ما را از احساس گناه درباره آن باز نمی‌دارد.

این همان جایی است که ارزیابی تازه سر می‌رسد. موفقیت از طریق اینکه چقدر ماهرانه جلوی فاجعه را گرفته‌ایم، تعریف نمی‌شود. در دعاهايمان، ما کسی را می‌ستاییم که قادر مطلق، همه چیزدان و همه جا حاضر است. دعاهاى ما به نیازمندان یادآور می‌شود که ما چنین خدای شگفت‌انگیزی داریم. وقتی آن دعاها و درخواستها را نزد خود او می‌بریم، ما را از تصور غلط «خدا بودن» می‌رهاند.

البته که همه آنها می‌توانست به عنوان یک بهانه به نظر برسد. یک وجدان ناآگاه. زندگی سخت است، و ما قادر به حمل بار دیگران به طور کامل نخواهیم بود. بنابراین چرا به خود زحمت دعا کردن بدهیم؟

آیا تا بحال به این نکته در کتاب روت توجه کرده‌اید، که هر کسی که از خدا برای کس دیگری چیزی بخواهد در واقع از طریق خدا برای انجام هر چیزی که آنها برایش دعا کردند، خاتمه می‌یابد (روت ۱ آیه ۹؛ روت ۳ آیه ۱ الی ۴؛ روت ۲ آیه ۱۲؛ روت ۲ آیه ۱۵ تا ۱۸؛ روت ۴ آیه ۱۳)؟ دعا با یکدیگر به معنی شکست و ناکامی در کارمان نیست، بلکه دعا به معنی نیرو بخشیدن به کارمان از طریق متوجه و دغدغه‌مند کردن ما نسبت به زندگی‌های یکدیگر است. دعا دل‌های ما را به هنگام نیاز به یکدیگر پیوند می‌دهد و توجه و اشتیاق برای خدمت‌مان را افزایش می‌دهد.

برگزاری یک جلسه دعا

بیاید کمی وقت بر روی اصول پایه‌ای برگزاری یک جلسه دعا اختصاص دهیم. اینها فقط پیشنهاد و درسهای آموخته شده به کمک کلیسای ما هستند زمانی که در پی ایجاد یک فرهنگ و رسم دعا کردن گروهی بودیم. ما کلیسای خود را دو سال پیش برقرار کردیم، اما قبل از شروع بنای کلیسایمان، عده‌ای از ما یک سال قبل از آن برای دعا دور هم جمع می‌شدیم. بنابراین، ما برای سه سال گذشته، دست کم هر ماه یک بار برای یک جلسه دعا دور هم جمع شده‌ایم.

در زیر به برخی مطالب در باره اینکه چطور جلسات دعا با همدیگر به ما در مراقبت از کلیسایمان کمک کرده است، اشاره شده است. امیدوارم این مطالب به شما در چگونگی برقراری جلسات دعا در کلیسایتان کمک کنند. این فهرست به ترتیب اهمیت رتبه بندی نشده است؛ تنها مجموعه‌ای از مطالب است.

برنامه ریزی برای جلسه دعا

زمان مناسب را برای کلیسایتان پیدا کنید. ما هر ماه یکبار یکشنبه از ساعت ۵ تا ۷ عصر دور هم جمع می‌شدیم. بنابراین متوجه شدیم در کلیسایی پر از زوج‌های جوان با بچه‌های کوچک، آن بدترین زمان برای برگزاری جلسه دعا بود. بعد از گذشت یک سال، ما زمانهای مناسب بیشتری را برای تشکیل جلسه دعا آزمودیم.

هر چیزی که با زمان مناسب برای افراد مطابقت ندارد را حذف

کنید

دعا، اصل سفت و سختی برای یادگیری است و به دقت بیشتری در یادگیری نیاز است؛ بنابراین ما می‌خواهیم هر گونه عامل حواس پرتی را حذف کنیم. ما گروه‌های کوچک را در اولین چهارشنبه ماه تعطیل می‌کنیم، بنابراین هیچ مراسم کلیسای دیگری با زمان دعای ما اختلالی ندارد. ما خوراک و مکان و افرادی برای نگهداری از کودکان برای اعضا فراهم می‌کنیم تا در فکر پخت و پز و خوراک یا صندلی بچه نباشند. از نقطه نظر اقتصادی ما مقدار زیادی از بودجه را برای جلسه دعا اختصاص می‌دهیم و می‌خواهیم اهمیتش در رنج‌های بزرگی که برای رساندن همه به آنجا خواهیم کشید، بازتاب داده شود. در حال حاضر، ما یک بار در ماه جلسه داریم، اما هدف ما این است که به سمت بیش از یک بار در ماه حرکت کنیم. ما می‌خواهیم دائماً در اهمیتی که به این زمان می‌دهیم رشد کنیم.

با کلام آغاز کنید

وقتی یکشنبه‌ها جمع می‌شویم، کلام موعظه شده همان کباب است با موقعیت زمانی متفاوت. با اینحال، کلام بخشی حیاتی از کاری است که می‌خواهیم انجام بدهیم. بنابراین، ما با یک تشویق پنج تا پانزده دقیقه‌ای از کلام خدا شروع می‌کنیم، و این به عنوان ستونی برای دعای آن شب عمل می‌کند. هنگام نوشتن این فصل، یک پیام متنی از یکی از اعضای جدید کلیسا دریافت کردم که تحت تاثیر مفهوم نقش کتاب مقدس در دعای جمعی ما قرار گرفته بود. او نوشته بود: «دعا از طریق کتاب مقدس واقعاً مفید بوده است. نه تنها دعاهای عمیق‌ترند، بلکه اطمینان بیشتری در آنها وجود دارد؛ و شخصیت خدا، مرکزیت مسیح و کار روح القدس بیش از پیش آشکار می‌گردد. مرا به جای آشوب و عصیان به سمت توبه و به جای توبیخ

و محکومیت به سمت ایمان و یقین هدایت می کند. جایگزین کردن صدای خدا با صدای خودم بسیار آسان است، اما هنگام مطالعه کتاب مقدس و به هنگام دعا آن صدا را به خدا باز می گردانم؛ این اتفاق به ندرت روی می دهد.» او آموخته است که بر کلام تکیه کند، نه از روی پیشنهادهای یا گزاره‌ها بلکه در عمل. این هدف اساسی استفاده از کلام در ابتدا است!

فهرست دعاها را ابتدا با نگرانی‌های مربوط به ملکوت و سپس برای نیازهای جسمانی و زندگی، پر کنید

جلسات دعا زمانی خسته کننده و بی فایده می شوند که به فهرستی طولانی از نگرانی‌های سلامتی، به ویژه افرادی که عضو کلیسا نیستند، تبدیل شوند. «آیا می توانیم برای جراحی کیسه صفرا همسایه‌ام در آینده دعا کنیم؟» بنابراین، برای جلوگیری از این کار مفید است که مطمئن شوم که همه درخواست‌های دعا از طریق من یا هر کسانی که مسئول هدایت جلسه دعا هستند، اعلام شود. حتی گاهی اوقات به مردم می گویم که خوشحال می شوم هر از گاهی برای آنها دعا کنم، و آنها ممکن است این نگرانی را با گروه کوچک خود مطرح کنند، اما ما سعی می کنیم از جلسه کلیسا برای چیزی متفاوت استفاده کنیم. ما سعی می کنیم از آن در درجه اول برای دغدغه‌های پادشاهی خدا، سلامتی کل کلیسا و مشکلات اصلی زندگی استفاده کنیم. سپس در جلسه ما از لیستی از پیش برنامه ریزی کردیم برای موضوعات دعا استفاده می کنیم.

ما لیست فهرست دعاها را با درخواستها و تقاضاها پر می کنیم. «با کسانی که شادمان‌اند شادی کنید، با کسانی که گریانند بگریید» (رومیان ۱۲ آیه ۱۵) طرح کلی برای جلسات دعا است. مراقب داستان‌های تشویقی در کلیسای خود باشید. درباره آنچه می خواهید بیشتر ببینید، ستایش کنید. برای موفقیت فرستادن خادمین به ورای مرزها در زندگی اعضای کلیسای خود دعا کنید. این به کلیسا کمک می کند تا بدانند که خدا کسی است که این فرصت‌ها را به ارمغان

می آورد، نه ما. در فصل بعدی بیشتر در این مورد صحبت خواهیم کرد.

ما همچنین می خواهیم از خدا برای ملکوت و نگرانی های اصلی زندگی مانند سلامتی، شغل، منابع، موفقیت در فرزندخواندگی و فرصت های بشارتی درخواست کنیم. ما زمانی را صرف دعا برای نجات اعضای خانواده، شفای سرطان، ایمان آوردن همکاران، و مبارزه با ناباروری خواهیم کرد. این باعث ایجاد موجی از همدلی و مراقبت می شود که فراتر از روابط شخصی بین افراد است. این به افراد ابزاری می دهد تا به عهد خود برای مراقبت از روح یکدیگر وفا کنند.

فهرست دعا - نه موارد مراسم یکشنبه، نه سبک موعظه، نه حتی ترکیب گروه های مختلف قومی رهبری کلیسا (در اینجا نویسنده به موقعیت کلیسایشان که ترکیبی از سیاه پوستان و سفید پوستان است اشاره دارد) - اغلب جایی که تلاش برای تنوع قومیتی است، یا پیروزی ببار می آورد یا شکست^{۲۱}. آنچه فهرست دعاها را تشکیل می دهد اغلب بازتابی از کسی است که برای مشکلات آنهایی که واقعی، مرتبط و مهم به نظر می رسند، دعا می کند. یکی از دوستان من عضو کلیسایی بود که از دعا برای اخبار مربوط به قتل مایک براون، تریوون مارتین، آلتون استرلینگ، اریک گاردنر، لاکوون مک دونالد^{۲۲} یا هر آفریقایی-آمریکایی که به دست نیروهای مجری قانون کشته شده بودند خودداری می کرد، زیرا آن مسائل «بیش از حد سیاسی» بود و باعث ایجاد تفرقه در کلیسای آنها می شد. این او را ناامید کرد. او نمی خواست کلیسایش به واشنگتن راهپیمایی کند یا پرچم شعار «زندگی سیاه پوستان هم اهمیت دارد» را از دیوار کلیسا آویزان کند. او صرفاً از آنها می خواست که به طور مشترک در مورد

۲۱. اشاره نویسنده به این موضوع است که مثلاً در مجلسی می خواهیم از حضار به نام تشکر کنیم و تلاش می کنیم که نام افراد را تک تک ذکر کنیم که به کسی برنخورد، که معمولاً با باعث خرسندی و دلخوری عده ای خواهد شد.

۲۲. Mike Brown, Trayvon Martin, Alton Sterling, Eric Gardner, Laquan Mc- Donald

این مسائل دعا کنند زیرا می دانست که آن موضوع ها برای بسیاری از اقلیت های کلیسا هایز اهمیت می باشند.

آن کلیسا نتوانست چیزی را که برای کلیسای اولیه آشکار بود درك کند: تقویت وحدت در تنوع، چیزی بیشتر از گنجاندن عوامل فرهنگی در خدمت روز یکشنبه را شامل می شود؛ این شامل نشان دادن همبستگی با اقلیت ها در مبارزاتی است که آنها با آن روبرو هستند. در اعمال ۶، بیوه های یونانی در توزیع مواد خوراکی نادیده گرفته شدند. دوازده تن «تعداد کامل شاگردان» جمع می شوند و جستجویی در سراسر کلیسا برای مشخص شدن شماسان اولیه آغاز می کنند (اعمال رسولان ۶ آیه ۲). سپس کلیسا هفت مرد را با نام های یونانی انتخاب می کند. در اعمال ۱۵، کلیسا از گنجاندن غیریهودیان به خانواده وفادار خدا با عدم الزام آنها به یهودی بودن دفاع می کند. هر دو رویداد با بحث و دعا که شامل نگرانی در مورد اقلیت ها بود، مشخص شد.

نبرد برای تنوع هنوز در اینجا برنده می شود یا شکست می خورد. تنوع بیشتر به اولویت ها مربوط می شود تا به برنامه ها. و یک کلیسا برای آنچه که اولویت دارد دعا می کند. فهرست دعا های شما اساساً به عنوان برچسب قیمت رویدادهای جاری و دغدغه های کلیسا عمل می کنند - ارزش دادن به آنها یا کاستن از ارزش آنها. بنابراین، فهرست دعا را به تنهایی پر نکنید. فهرست را با نگرانی های همه اعضا پر کنید. گام های شرافتمندانه به سوی تنوع، زمانی به حداکثر می رسد که با هم به پدرمان که در بین فرزندان خود تبعیضی قائل نمی شود دعا می کنیم (اعمال رسولان. ۱۰ آیه ۳۴ را ملاحظه کنید).

در نهایت، ما چیزهایی را در فهرست دعای خود قرار می دهیم که کلیسا هرگز نباید آنها را نادیده بگیرد. اگر برای مدت طولانی از عصا استفاده می کنید، گاهی اوقات فراموش می کنید که از چیزی برای تحمل وزن خود به دست دارید. همین امر در مورد تکیه بر خدا برای روزی او صادق است. او وفادار است. اگر این را به خود

یادآوری نکنیم، به راحتی می توان فکر کرد که با قدرت خود از خودمان حمایت و محافظت می کنیم.

بنابراین ما در هر جلسه برای همین چیزها دعا می کنیم تا به کلیسای خود اولویت های خود را یادآوری کنیم و اینکه چگونه برای آنها به خدا تکیه می کنیم. ما دعا می کنیم که خدا ما را به کلام خود وابسته نگه دارد. ما دعا می کنیم که به ما اجازه ندهد که رشد خود را به چیزی جز لطف و مهربانی مطلقش نسبت دهیم. دعا می کنیم که او نیازهای ما را در قالب یک کلیسا تامین کند. از او می خواهیم که برایمان محیطی پذیرا برای بازدید کنندگان مهیا کند، و به ما کمک کند که همه همسایگان خود را بدون جانبداری دوست داشته باشیم. ما در بشارت خود جسارت و ثمره تغییر دین را می خواهیم. جزئیات از ماه به ماه متفاوت است، اما این درخواست ها ثابت می مانند.

مردم را به دعا دعوت کنید، اما اجازه ندهید که دعایشان خیلی طولانی باشد.

ما می خواهیم تا آنجا که ممکن است مردم در این دعاها مشارکت کنند. ما می خواهیم به مردم نشان دهیم که دعا کردن برای دیگران چقدر آسان است و زمان زیادی نمی برد. در واقع، دعاها طولانی در مجالس دعا، اغلب می تواند اشتیاق را از بین ببرد. ما به خاطر کلمات زیادمان شنیده نمی شویم، و این چیز خوبی است. من فکر می کنم عیسی در متی ۶ به ما می آموزد که دعاها ما با قدرت آنها سنجیده می شود، نه با طول آنها. بعلاوه، اگر بیست تن دارید که برای بیست درخواست دعا می کنند و همه پنج دقیقه دعا می کنند، آن یک ساعت و نیم طول می کشد. چارلز اسپرجن سخنان حکیمانه ای در مورد دعای طولانی ناخوشایند به ما می گوید:

و در گفتن کامل این مطلب به آقای اسنو کس درنگ نکنید که به یاری خدا بیست و پنج دقیقه دعا نخواهد خواند. با جدیت از او بخواهید که دعا را کوتاه کند و اگر این کار را نکرد، جلوی او را بگیرید. اگر مردی به قصد بریدن گلوی همسرش وارد خانه من شد،

اول با او در مورد اشتباهش بطور منطقی صحبت می کردم و بعد در عمل او را از هرگونه آسیب به همسرم باز می داشتم. من کلیسا را تقریباً به اندازه همسر عزیزم دوست دارم. بنابراین، اگر فردی بخواهد دعایی طولانی بخواند، می تواند در جای دیگری طولانی دعا بخواند، اما نه در جلسه ای که من ریاست آن را بر عهده دارم. اگر نمی تواند برای مدت معقولی از زمان در حضور همه دعا کند، به او بگویید که آن را در خانه تمام کند!^{۲۳}

عناصر اصلی را به خاطر بسپارید. موفقیت را با اعداد نسنجید.

برای شروع یک جلسه دعا موفق فقط به دو عنصر نیاز دارید: بارهای سنگین افراد، و برادران و خواهرانی که مایل اند دعا کنند. شما به اجازه کسی نیاز ندارید. چه یک شبان باشید و چه یک عضو، توانایی الگوبرداری از وابستگی و اتکا به خداوند را دارید، به گونه ای که کسی با آن مخالفتی نداشته باشد. مشکلی احساس می کنید؟ یک موضوع برای دعا انتخاب کنید و از مردم بخواهید که با شما دعا کنند. شما هر آنچه که نیازمندش هستید را دارید. عادت کنید که هر گفتگو را با این سؤال خاتمه دهید: «چگونه می توانم برای شما دعا کنم؟» و سپس در همانجا و همان لحظه برای شخص دعا کنید، یا اگر زمان اجازه نداد بعداً دعا کنید. با انجام این کار خواهید دید که همه جلسات دعا الزاماً به برنامه ریزی نیازی ندارند.

اجازه برای نیمه رها کردن کارها:

برگزاری جسات دعا به ما کمک می کند که مسئولیت خود را در قبال یکدیگر بپذیریم و در عین حال به ما اجازه می دهد با محدودیت های (ناتوانایی ها) خود کنار بیاییم. ما ناجی کسی نیستیم.

^{۲۳}. Charles H. Spurgeon, The Soul Winner (Updated Edition): How to Lead Sinners to the Saviour (Abbotsford, WI: Aneko Press, 2016), 84.

دعا به معنی به انجام رساندن تمام کارها و مشکلات زندگی مردم بطور کامل نیست؛ چرا که متوجه می‌شویم که ما خدا نیستیم و توانایی حل فوری مشکلات را نداریم. خدا تنها کسی است که با یک کلمه می‌تواند طوفان‌های خروشان را آرام کند. ولی ما نمی‌توانیم. ما صرفاً می‌توانیم کلام خدا را بیان کنیم، و سپس به او اتکا کنیم تا کاری را انجام دهیم که فقط او می‌تواند انجام دهد و وقتی دعا می‌کنیم، این موضوع را تایید می‌کنیم.

پولس رسول هنگام خروج از کلیسایی که نقش پیچیده‌ای در پرورش آن به مدت سه سال داشت، شبانان را کنار می‌کشد و به طور خلاصه به آنها می‌گوید: «... بعد از رفتنم، گرگ‌های درنده به میان شما خواهند آمد که به گله رحم نخواهند کرد. اما من پاسخی برای مشکلات و مصایب آینده تان ندارم. شما باید به خدا و کلام وی تکیه کنید. بیایید دعا کنیم. بعداً شما را میبینم!» (به اعمال رسولان ۲۰ آیات ۲۵ الی ۳۸ مراجعه کنید). دعا به ما این اجازه را می‌دهد که وقتی مشکلات را حل نشده باقی بگذاریم و یا نیازها مردم نیمه کاره مانده و از دست ما کاری بر نمی‌آید، احساس بد و یا شکست نکنیم. دعا کردن، در واقع کمک کردن به کسی نیست؛ بلکه این اغلب بیشترین کاری است که در آن لحظه می‌توانیم انجام دهیم. در واقع دعا کردن برای کسی محبت است زیرا او را به دست کسی می‌سپاریم که قادر به حل هر مشکلی است. خداوند وعده داده است که کار خود را در زندگی ما به انجام رساند. همانطور که ما مشتاقانه و مکرر گرد هم می‌آییم تا دعا کنیم، از خدا می‌خواهیم که به این وعده گرانها عمل کند، و ما اطمینان خاطر داریم که او این کار را قطعاً انجام خواهد داد و خواهد آمد.

فصل ۸

انجام کار درست

نقش دعا در خدمات برون مرزی

نارضایتی منجر به انجام کاری می شود

سال ۱۹۹۷ بود. افسانه‌ها حکایت از آن دارند که مردی به نام رید هستینگز Reed Hastings در راه بازگشت از تسویه بدهی با طلبکاری بی عاطفه بود که ایده کسب و کار جدیدی به ذهنش خطور کرد. طلبکاری بی رحم؟ شرکت بالاک باستر Blockbuster Video - کلوپ اجاره ویدئو. جرمش چه بود؟ ظاهراً، هستینگز بابت گم کردن ویدئو کاست فیلم آپولو ۱۳ به پرداخت جریمه چهل دلاری متهم شد (قیمت خرید این ویدئو کاست کمتر از جریمه بود). او که از سیستم اداری فاسد صنعت اجاره ویدئو ناامید و دلزده شده بود، به خود گفت که وقت آن رسیده که کسی کاری در این مورد انجام دهد. نارضایتی او باعث شد تا برای رهایی و آزادی اجاره کنندگان ویدئو در همه جا مبارزه کند.

و بنابراین او با شرکت نت فلیکس آمد، سرویسی که به شما امکان می دهد ویدئوها را تا زمانی که می خواهید بدون هزینه تأخیر نگه دارید.^{۲۴} هاستینگز شرایط ناامید کننده خود را پذیرفت و راه کیمیاگری را از دل مشکلات آموخت. می گویم «افسانه‌ها اینگونه روایت می کنند» زیرا صحت و سقم این داستان مورد مناقشه قرار گرفته است.^{۲۵} اگرچه ممکن است این داستان درست باشد یا نباشد،

۲۴. Blake Morgan, "Netflix and Late Fees: How Consumer-Centric Companies Are Changing the Tide," Forbes. com, October 7, 2016, <https://www.forbes.com/sites/blakemorgan/2016/10/07/netflix-late-fees-and-consumer-centric-ideas>.

اما نکته مهمی را بیان می کند: نارضایتی اغلب ما را به عمل و اقدامی موثر رهنمون می سازد.

در حالی که هر کلیسا چیزی برای نارضایتی در باره اش دارد، متداول ترین نارضایتی، وادار کردن اعضای کلیسا به زندگی کردن به شکلی بشارت گونه و رسالتی است. به منظور ایجاد یک خط مبنا، اجازه بدهید از واژه «بشارت» وقتی که در مورد ماموریت جمعی مان صحبت می کنیم، استفاده کنم. بشارت به معنی فرستادن مردم به بیرون از کلیساست، تا انجیل را با دیگران در میان بگذارند تا اینکه دیگران نیز بتوانند با آمدن بخ کلیسا (ایمان آوردن به مسیح) به رهایی و نجات نائل شوند. تلاش برای تشویق و حمایت مسیحیان برای بشارت دادن یکی از دشوارترین تلاش های دوران شبانی ام بوده است. ناکامی من در حل این مشکل مرا به آزمودن راه های دیگر هدایت کرده است.

وقتی صحبت از آموزش جمعی مسیحیان برای شرکت در رسالت می شود، اغلب فرض می کنیم که مردم فقط به آموزش بیشتری، دانش و شناخت بیشتری، دفاعیات بیشتر از مسیحیت، انگیزه بیشتر و به کمی احساس گناه بیشتر نیاز دارند. هیچ کمبودی در برنامه های بشارت، کتاب هایی در مورد نحوه صحیح بشارت دادن، یا تبلیغات فیس بوک که رشد کلیسا را تضمین می کند، وجود ندارد. برخی از این تلاش ها کمک کننده هستند. با این حال، من فکر نمی کنم که مانع اصلی برای بشارت دادن، شایستگی باشد، به این معنی که بهترین راه حل فقط آموزش و تمرین بیشتر نیست. مطمئناً، تمرین و آموزش بخشی از راه حل است، اما اگر از پیش زمینه ای مانند من آمده اید، پس در کلیساها با افراد بسیار شایسته ای برخورد داشته اید که متأسفانه فعالیت بشارتی کمی داشته اند.

اگر مشکل اصلی ما شایستگی بود، برنامه های آموزشی بشارتی دائماً نیازی به بروزرسانی، اختراع و نوآوری نداشتند. حتی پس از آموزش با مهارت، ناامنی همیشه به درون نفوذ می کند، اینطور نیست؟ موسی خدا را در بوته سوزان ملاقات کرد، او به معجزات انگشت

شماری مجهز بود و هنوز احساس می کرد که آماده نیست. برخلاف موسی، آن زن در کنار چاه آب، یک بشارت دهنده بزرگ با تجربه بسیار کمی بود (یوحنا ۴ را ملاحظه کنید). نیاز به آموزش بیشتر اغلب بهانه خوبی برای ترسوهایی مانند من است تا از وظیفه بشارت دادن دوری کنم. شناسایی نادرست یک مشکل ما را به انجام کاری سوق می دهد، اما ما را به انجام کار درست سوق نمی دهد.

مشکل: اضطراب و بی تفاوتی

وقتی کسی مسیحی می شود، دیری نمی گذرد که متوجه می شود کارهایی برای انجام دادن دارد. او موظف است ایمان خود را با دیگران در میان بگذارد تا آنها نیز مسیحی شوند. او متوجه می شود که در کمک به مسیحی شدن دیگران نقش دارد. اما فرمان گسترش انجیل با تنشی همراه است که حل آن دشوار است. اینگونه است که: خداوند حاکم است، اما مرا برای بشارت دادن فرا می خواند. تنها خدا نجات می دهد، اما من قرار است انجیل را به اشتراک بگذارم تا مردم نجات پیدا کنند.

پس آیا این کار خداست یا کار خودم؟ مردم به دلیل این تنش تمایل دارند به یکی از دو طرف تکیه کنند. آنها به سمت اضطراب متمایل می شوند زیرا به هم می ریزند، یا به بی تفاوتی گرایش پیدا می کنند زیرا خدا هر که را بخواهد نجات می دهد.

اضطراب: خرد کننده

بسیاری از مسیحیان وقتی به این فکر می کنند که باید در «ایمان آوردن» دیگر افراد نقش داشته باشند، پر از دلهره و اضطراب می شوند. آنها درک می کنند که در قبال اینکار مسئولیت دارند، بنابراین روی تمام مسئولیتشان تمرکز می کنند. اما به اشتباه تصور می کنند که آنها مسئولیت نجات و رستگاری دیگران را خودشان بر عهده دارند و در صورت شکست بخاطر بار مسئولیت نجات دیگران

در نهایت از بشارت دست بکشند و انجیل را دیگر در میان نمی گذارند. ترس از شکست منجر به شکست و ناکامی می شود. همانطور که یک بار از واعظی شنیدم که گفت: «دهان های بسته به جهنم در باز منتهی می شود.»^{۲۶}

این اضطراب در قبال این مسئولیت باعث می شود که چنین مسیحیانی با اراده خودشان دست به هر کاری بزنند تا مردم ایمان بیاورند. آنها انجیل را بیشتر به طریقی که مردم پذیرند در میان می گذارند نه اینکه مردم انجیل را درک کرده و بعد پذیرا شوند. یا اینکه همه بخشهای انجیل را در میان نمی گذارند. این کار ممکن است شبیه برنامه ریزی برای مراسم «تجدید عهد و بشارت» باشد که در آن احساسات را تحریک کرده و یا حس گناه در دیگران را ایجاد کرده، یا تعمد دادن کودکان با ماشین های آتشنشانی، یا حتی حذف بخش های از انجیل که ممکن است به مردم بر بخورد، باشد. مسیحیان مضطرب یا اصلاً «انجیل» را در میان نمی گذارند یا همه آن را در میان نمی گذارند.

اضطراب: خرد کننده است. ما در حال حمل وزنی هستیم که قرار نبود آن را تحمل کنیم. این اضطراب ما را از صحبت کردن از جانب خدا باز می دارد، و مانع ما از پافشاری و پایداری در این راه می شود. وقتی ما به نتایج غیر قابل انتظار می رسیم، تشویش ما را تقویت می کند. در خروج فصل ۵ آیات ۲۲ الی ۲۳، موسی از تلاشی ناموفق برای خروج باز می گردد و از خدا می پرسد، «خداوند! چرا به قوم خود بدی می کنی و چرا مرا به اینجا فرستادی؟ چون از وقتی که به نزد فرعون رفتم تا پیغام تو را بگویم، او با قوم بد رفتاری می کند و تو هم هیچ کاری برای رهایی آنها نکرده ای!» اضطراب و پریشانی ما نیز درست مانند موسی باعث می شود که از خدا بپرسیم: «چرا باید بیشتر مراقب باشم؟ چرا چنین بار سنگینی بر دوشم نهاده ای؟»

۲۶. Mark Dever, "Closed Mouths Lead to an Open Hell" (sermon, Capitol Hill Baptist Church, Washington, D. C. , November 24, 2013).

بی تفاوتی: گشت و گذار

یکی دیگر از پاسخ‌های نادرست بی تفاوتی است؛ و زمانی می‌آید که ما برای مشارکت در ماموریت و خدمت خدا فراخوانده می‌شویم. تا زمانی که مردم از مسئولیت خود در پذیرش این حقیقت که خدا در نجات حاکم است، غافل‌اند، به سستی و تنبلی در امر بشارت تمایل نشان می‌دهند. آنها به اشتباه بر این باورند که بشارت تا حدودی بی‌اهمیت است؛ زیرا که در کنترل خداست.

بی تفاوتی در امر بشارت ناشی از تمایل به سلب مسئولیت است. وسوسه‌ای ست برای زندگی آزاد و رها از هرگونه مسئولیت. نگرانی برای جان انسان‌ها (زندگی معنوی) مردم باری ست که منجر به ناراحتی و گریه ما می‌شود (رومیان ۱۰ آیات ۱ الی ۴ را ملاحظه کنید)، یکی از معلمان قدیمی‌ام عادت داشت بگوید، «بسته‌ای کوچکت‌تر از انسانی که در خود فرو رفته و پیچیده است، وجود ندارد». همچنین بسته‌ای سبک‌تر از آن وجود ندارد. زمانی که توانایی ما در محبت برای دیگران فقط در محبت به خود خلاصه شود، ما فقط مایل به حمل بار خودمان خواهیم بود.

اگر موسی راه حلی کتاب مقدسی برای اضطراب ارائه داد، یونس راه حلی کتاب مقدسی برای بی تفاوتی پیشنهاد کرد. منطق او در پایان کتاب نشان داد که او علاقه به خود دارد که توانایی او را برای محبت به دیگران از بین می‌برد. خدا تنها از طریق بهم زدن آسایش و راحتی یونس می‌توانست عکس‌العمل مناسبی را در او برانگیزاند. یونس، زیاد نگران پیامدهای نجات برای کسی جز خود و قومی که دوستش داشت، نبود. او به هنگام رویارویی با فرصتی برای مشارکت در ماموریت (اراده) خدا، تصمیم به عقب نشینی گرفت. او فقط می‌توانست نتایج منفی موجود را ببیند. و این مشکل او برای شروع نبود. بنابراین با خود چنین اندیشه کرد، «اگر بروم چه اتفاقی برایم رخ خواهد داد؟»

موسی و یونس به ما نشان می‌دهند که دانش کتاب مقدسی‌ای که به کار گرفته نشوند کافی نیست. اگر اضطراب همانند له شدن یک

ماشین زیر بار تخته سنگی بزرگ باشد، پس بی تفاوتی مانند این است که ماشین را روی کروزر کنترل قرار بدهید و پشت فرمان به خواب بروید. اضطراب و بی تفاوتی در نهایت، کار شیطان را در کنش و واکنش آنها به انجام می‌رساند. آنها برای مردم هم یک احساس امنیت کاذب به وسیلهٔ یک انجیل ناقص می‌دهند (متی ۷ آیات ۲۱ الی ۲۴ را ملاحظه کنید)، و هم در ارائهٔ پیامی که نجات بخش دیگران خواهد شد، ناکام می‌مانند (حزقیال ۳ آیه ۱۸ را ملاحظه کنید)، در هر صورت، این شیطان است که خشنود می‌شود. با این دو دشمن بزرگ برای ماموریت جمعی مان چه کنیم؟ گام بعدی چیست؟

درمان: دعا به یک خدای مقتدر و توانای مطلق

دعا همان پیوند در زنجیره‌ای ست که حق حاکمیت خدا را با مسئولیت‌مان بهم متصل می‌کند. ما می‌توانیم نارضایتی مان را با انجام کاری تسکین دهیم، یا می‌توانیم کار درست را انجام دهیم. دعا همان کار درست است؛ و جایی ست که باید از آنجا آغاز کنیم. دعا – ستایش خدا بابت ویژگی‌هایش و فرا خواندنش برای عمل به وعده‌های عهد خود در ذهن – برای ایجاد یک فرهنگ بشارتی ضروری و الزامی است. حق حاکمیت خدا و مسئولیت ما مایل به همکاری با هم هستند تا ما را از شر این دو دشمن – اضطراب و بی تفاوتی – رهایی بخشند. این ادراک درست با تمرین دعا کردن در قالب یک جمع کلیسایی حاصل می‌شود.

جی. آی. پکر دو مانع مهم نجات را چنین عنوان می‌کند: «انگیزه طبیعی و سرسختانهٔ انسان برای مخالفت با خدا، و ... مداومت شیطان در سوق دادن انسان به راه کفر و نافرمانی.»^{۲۷} ما از بی کفایتی خود زمانی آگاه‌تر می‌شویم که تشخیص می‌دهیم مردم از بازگشت به سوی خدا بطور طبیعی عاجزند و این باعث می‌شود چنین نتیجه‌گیری

۲۷. J. I. Packer, *Evangelism and the Sovereignty of God* (1961; repr., Downers Grove, IL: InterVarsity Press, 2008), 106.

کنیم، «حق حاکمیت خدا در فیضی که به ما میبخشد تنها امید ما برای موفقیت در بشارت است»^{۲۸} تنها امیدی که داریم این است که تحت کنترل خدا هستیم. تفکر عمیق روی قدرت مطلق خدا دل‌های آشفته ما را تسکین می‌دهد. وقتی به درستی از امیدمان برای موفقیت استفاده کردیم، نیروی کارمان افزایش پیدا می‌کند، زیرا حاکمیت خدا مانند یک موتور برای تلاش‌هایمان عمل می‌کند.

راه درمان برای حمل باری که هرگز قرار نبود آن را بردوش کشیم این است که اجازه دهیم شخص دیگری آن را برای ما حمل کند. زمانی که ثمرات پایدار و ماندگار از دعا حاصل می‌شوند، بسیاری از تلاش‌های بشارتی ما صرفاً توسط رویکرد نظری و عملی ما جهت پیدا می‌کنند (یوحنا. ۱۵ آیات ۸، ۱۶ را ملاحظه کنید). دعا با یکدیگر فشار و رنج برای «موفقیت» را محو کرده آن را بر شانه‌های خدا واگذار می‌کند. وقتی در دعا می‌خوانیم «ای پدر ما که در آسمانی»، ما اعتراف می‌کنیم که او قدرت مطلق است و هر آنچه می‌خواهد را انجام می‌دهد. وقتی برای نجات کسی به خدا دعا می‌کنیم، تایید می‌کنیم که تنها خدا قدرت انجام چنین کاری را دارد. وقتی برای نجات خود او را شکر می‌گوییم، به این علت است که می‌دانیم که او ما را رهایی بخشیده است – ما خودمان را نجات نداده‌ایم. هنگامی که برای نجات به خدا دعا می‌کنیم، در می‌یابیم که حاکمیت او تنها اضطراب و بی‌تفاوتی ما را کاهش می‌دهد، نه فعالیت‌مان را. پس، دعا همانند پمپ در جایگاه سوخت‌رسانی است که ما را به سوخت برای بشارت وفادارانه مجهز می‌سازد.

اما قبل از اینکه برای مأموریت بسیج شویم، باید بدانیم که بشارت چیست. بشارت اعلان پیام انجیل و دعوت گناهکاران به پاسخ است. نه تنها باید برای شفاف سازی کار خدا در بشارت هشیار باشیم، بلکه باید به درستی و شایستگی کار خود را در انجام بشارت درک کنیم. زمانی که بشارت می‌دهیم، گناه را در بطن و چارچوب رابطه‌ای

۲۸. Packer, Evangelism, 105.

اشتباه با خدا قرار می دهیم، مبادا بی ایمانان گناه را چیزی غیر از نقض قانون مقدس خدا بپندارند. ما بایستی از اینکه گناه به عنوان یک نگرش عمومی تلقی نمی شود، و اینکه گناه برابر با اعمال خاصی است که باید از آنها توبه کنیم، اطمینان حاصل نماییم. در نهایت، گناه باید به عنوان چیزی که ماهیت مان را به عنوان حامل تصویر خدا، فاسد می کند، شناخته شود. ادراک گناه به این شیوه، به ما کمک می کند که ببینیم که توانایی تغییر ساده اعمالمان را نداریم. ما به نجات دهنده ای نیاز داریم که قلبی تازه برایمان تدارک ببیند.

اگر خدا به ما وظیفه ای داده است که نتایج آن به ما وابسته نیست، در این صورت این اشتباه است که بشارت را بر اساس نتایج آن تعریف کنیم. بشارت موفق با نتیجه نهایی سنجیده نمی شود، بلکه با وفاداری ما به وظیفه سنجیده می شود. ما به دنبال افرادی هستیم که با وفاداری در انجیل آموزش داده شده اند و آزادانه از آنها دعوت می کنیم تا کلام خدا را قبول کنند - بخشش وعده داده شده برای توبه واقعی. این اعلان صادقانه باید به ما آرامش دهد. می توانیم در حالی که برای خدا دعا می کنیم تا کاری را انجام دهد که فقط او می تواند انجام دهد، و به ما کمک کند تا آنچه را که از ما خواسته است، انجام دهیم، نفس عمیقی بکشیم. دعای دسته جمعی ما را سرشار از نگرانی برای گمشدگان می کند. از آنجایی که خداست که بار سنگین نجات را انجام می دهد، ما می توانیم نگران دیگران باشیم بدون اینکه نگران خرد شدن زیر بار سنگینی که بر دوش خودمان می افتد باشیم. با دور هم جمع شدن برای دعا، نگرانی خود را برای گمشدگان را در درونمان شعله ور و تازه نگاه می داریم. اسپرجن اهمیت این مطلب را به ما در کتاب خود با عنوان صیاد جانها The Soul Winner نشان می دهد:

در حالی که همه چیز باید اینگونه باشد، ما در بسیاری از جاها چه می بینیم؟ هیچ کس در این مورد زیاد دعا نمی کند، هیچ جلسه ای برای فراخواندن و دعا کردن به خدا برای برکاتش برگزار نمی شود و خدمت، هرگز مردم را تشویق نمی کند که بیایند و از کاری که فیض

خدا با روح آنها و در زندگی شان انجام می دهد چیزی بگویند. این را به شما می گویم، او پاداش خود را دارد. او آنچه را که خواسته است به دست می آورد و آنچه را که انتظار داشته را دریافت می کند. استادش سکه اش را به او می دهد اما نه چیزی دیگر. فرمان این است که دهان خود را به نیکویی بگشا که من آن را پر خواهم ساخت (مزمور ۸۱ آیه ۱۰). با این حال، اینجا ما با لب های بسته به انتظار برکت خدا نشسته ایم. دهانتان را با انتظاری کامل و با ایمانی استوار بگشایید و مطابق ایمانتان به شما داده خواهد شد.^{۲۹}

درمانی که جایگزین می شود

دعا کردن دسته جمعی چیز شگفت انگیزی برای بشارت ما انجام می دهد. این فقط موانع بشارت را از میان نمی برد؛ جایگزین آنها می شود. جرأت جایگزین اضطراب می شود. بی تفاوتی با دلسوزی و شفقت جایگزین می شود. بدهی ما به سرمایه ما برای پیشرفت انجیل در جهان تبدیل می شود.

ما به شهامت نیاز داریم. همه ما چیزهایی را داریم که باید از آنها ترسیم. ما فاقد قدرت، کفایت و خردی هستیم که امنیت ما را تضمین کند. ما از اینکه غلبه و پیشدستی کنیم، می ترسیم. ما از شکست می ترسیم، و درست است. ما همه عوامل شکست را داریم. اما خوشبختانه، خدا این ترس را ندارد. کسی نمی تواند او را تهدید کند. او شجاعتی دارد که ما به شدت به آن نیاز داریم. و این هم یک خبر خوشی دیگر: او در کنار ماست. مانند بچه ای نحیف و لاغر با یک برادر بزرگتر و قوی تر که آماده است با قدرتی غیر قابل تصور به جای ما مبارزه کند، ما از طریق دعا شجاعت پیدا می کنیم، زیرا دعا ما را به قدرت خدا متصل می کند. توجه داشته باشید که در انجیل ها، پطرس در دعا عجول، مغرور و بزدل است و اینگونه هم معرفی

۲۹. Charles H. Spurgeon, The Soul Winner (Updated Edition), How to Lead Sinners to the Saviour (Abbotsford, WI: Aneko Press, 2016), 38.

می‌شود. اما، همانطور که در فصل آخر، در کتاب اعمال رسولان دیدیم، او دائماً در حال دعا است، و بنابراین دائماً در اعلام انجیل شجاع و با ایمان است.

دعا جای دلسوزی را می‌گیرد. وقتی خدا را برای نجات خود شکر می‌گوییم، به ما یادآوری می‌شود که این دستاوردی نیست که باید مردم را به خاطر نرسیدن به آن سرزنش کنیم؛ بلکه، این هدیه‌ای است که باید به خاطر نگرفتنش متأسف باشیم. از طریق دعا، سؤال یونس که «اگر بروم چه اتفاقی برای من می‌افتد؟» به سرعت با «اگر بمانم چه اتفاقی برای آنها می‌افتد؟» جایگزین می‌شود. از طریق دعا، متوجه می‌شویم که نمی‌توان برای مردم دعا کرد و نسبت به آنها تلخ یا بی تفاوت باشیم. زمانی که برای نجات جانها دعا می‌کنیم به قلب خدا متصل می‌شویم.

تشویق بشارت در کلیسای محلی

ما باید پیوسته این ارتباط بین حق حاکمیت خدا و مسئولیت خود را به وسیله دعا مکرر برای تبدیل‌ها جانها- ایمان آوردن انسانها- به عنوان یک کلیسا و تشکر از خدا برای آنها تقویت کنیم. آقای جی آر پکر می‌نویسد: «از هر طرفی که ممکن است این سوال را در گذشته مورد مباحثه و مناظره قرار داده باشید، در قلب خود به حاکمیت خدا کمتر از دیگران اعتقاد دارید. ما ممکن است روی پای خودمان بایستیم و در مورد حق حاکمیت مطلق خدا بحث و جدل داشته باشیم، اما همگی مان وقتی زانو می‌زنیم با هم موافق هستیم.»^{۳۰} تأیید مستمر قدرت مطلق خدا و مسئولیت ما در بشارت در دعا، به کلیسا کمک می‌کند تا این موضوع را باور کند و با آن زندگی کند، حتی اگر نتوانیم آن را به طور کامل و شفاف توضیح دهیم و یا بیان کنیم. دعا برای تبدیل شدن، به یکی از عناصر اصلی دوران با هم بودن ما برای ایجاد فرهنگ بشارت کمک زیادی می‌کند.

۳۰. Packer, Evangelism, 21.

ما همچنین باید نقش دعا را در موعظه خود برجسته کنیم. رومیان ۹، فصلی در مورد حاکمیت و قدرت مطلق خدا، از پی رومیان ۱۰، فصلی در مورد مسئولیت ماست. در پی این تحقیق درباره حاکمیت خدا و آموزش برای بشارت دادن، پولس رسول برای تبدیل شدن، دعا می کند (رومیان ۱۰ آیات ۱ الی ۴). موعظه مداوم، واضح و دقیق انجیل هر هفته جماعت را با شنیدن و درک انجیل آشنا می کند. به طور مشابه، برجسته کردن نقش دعا به آنها کمک می کند تا نقش حیاتی خود را در ملکوت خدا درک کنند. ما شاهد افزایش اعتماد آنها به انجیل و دعا، همراه با شایستگی آنها در انتقال انجیل به غیر ایمانداران خواهیم بود.

مبشرین برون مرزی از کجا می آیند؟ آنها به نظر می رسند در نتیجه پاسخ خدا به دعاها می آمده اند اما عیسی فرموده است: «محصول فراوان است، اما کارگر کم. پس باید از صاحب محصول تقاضا کنید که کارگرانی برای جمع آوری محصول بفرستد» (لوقا ۱۰ آیه ۲). دعا باعث می شود که خدا کارگران انجیل را تربیت کند و به آن دسته از ما که منفعل هستیم، یادآوری کند که با ما شروع می شود و این ما هستیم که باید برای این موضوع موفقیت در بشارت و داشتن مبلغان انجیل دعا کنیم. دعا برای موفقیت در بشارت دعایی برای کارگران انجیل است. پیوند دادن این دو در ذهن اعضای کلیسایمان بسیار مهم است.

ما همچنین باید دائماً نیازهای کارگران مورد حمایتی که از کلیسایمان فرستاده می شوند را در خط مقدم نگه داریم، زیرا می خواهیم اعضای کلیسای ما بدانند که بار مشارکت در کار نجات خدا را از طریق دعا به دوش می کشند.

رویکرد بشارتی خدا در جهان ریشه در کلیسای محلی دارد. کلیسای محلی برخورد مستقیم ما را با محبت، بخشش، رحمت و تقدس خدا را به جهان نظاره گر اهدا می کند. به همین دلیل است که ما برای سایر کلیساها و شبانان در منطقه خود در طول اجتماعات گردهمایی های خود دعا می کنیم. ما دعا می کنیم که خدا باعث شود

این کلیساهای محلی بشنوند. ما دعا می کنیم که خدا شبانان دیگری را برای ادامه این خدمت وفادرانۀ انجیل - هم در داخل و هم در خارج از کشور - برانگیزد.

ما دعا کردن با هم برای توبه در زندگی خود و در زندگی کسانی که هنوز مسیح را نمی شناسند را صرفاً از روی نارضایتی و ناامیدی انجام نمی دهیم. ما کار درست را انجام می دهیم: دعا می کنیم.

خاتمه

مبارزه با وسوسه ها

آیا هنوز متقاعد نشده اید؟ دعا بزرگتر از آن چیزی است که ما به آن فکر می کردیم. برای زندگی کلیسایی ما امری حیاتی است. امیدوارم این منبع کوتاه تفاوتی در نحوه دعا کردن کلیسای شما و تجربه وفاداری خدا از طریق دعا ایجاد کند.

من که قبلاً کتاب هایی در مورد دعا خوانده بودم، می دانم که مشکل در آغاز کار، بیشتر دعا کردن نیست. مشکل در حفظ این نگرش و رفتار ایمانی است. شروع به دعا کردن، کار سختی نیست؛ تثبیت عادات به دعا کردن سخت است.

در طول سال ها، آموخته ام که نیازی به انجام نظرسنجی یا تحقیقات بازاری در مورد وسوسه های رایج مردم ندارم. من صرفاً باید به درون قلبم نگاه کنم و موقعیتهایی که در دعا کردن، کوتاهی کرده ام را ببینم.

بنابراین در اینجا فهرستی از وسوسه های معمول برای همه ما در مورد انجام دعا در زندگی کلیسا آمده است. بسیاری از موارد ذکر شده در ذیل در سراسر کتاب عنوان شده است، بنابراین به فهرستی طولانی از آنچه در طول این صفحات این کتاب ذکر شده، بیندیشید. می خواهم این واقعیت ها را تقویت کنم تا مسیر راه برایمان روشن باشد.

اولین قدم در مبارزه با وسوسه ها افشا و برشمردن آنهاست. بنابراین، سعی می کنم به همان اندازه که مختصر برمی شمرم، رک و صریح هم باشم. مرحله بعدی شامل بازگشت به مسیر است. بنابراین برای بازگشت شما به مسیر اصلی تلاش خواهم کرد. دشمن ما

نامرئی است بیایید کمی رنگ، روی این دشمن نامرئی خود بیفشانیم تا بتوانیم دشمن را ببینیم. ما از نقشه‌های او غافل نیستیم، پس بیایید آنها را برای آنچه که هستند افشا کنیم.

وسوسه ۱: جلسه دعا را لغو کنید

کاری پیش آمده، اتفاقی افتاده. همیشه کاری پیش می‌آید، همیشه اتفاقی می‌افتد. خداوند به ما این هدیه را می‌دهد که بتوانیم در هر زمان و هر مکان با او ارتباط برقرار کنیم. شما فکر می‌کنید که این نوع دسترسی ما را در دعا مشتاق می‌کند، اما اینطور نیست. این ما را به طرز بدی انعطاف پذیر می‌سازد، همیشه با این فرض که می‌توانیم بعداً برای آن وقت بگذاریم. چیزی که در طول بیست سال تحصیل در مدرسه خوب آموختم و متخصص شدم، بهانه تراشی است. بعداً آن را انجام می‌دهم، و این بعداً و فردا هرگز از راه نخواهند رسید.

مسیر دویدن:

اولویت دعا را به تعویق نیندازید. تا جایی که می‌توانید، زمان‌های دعای دسته جمعی را ثابت و پابرجا نگه دارید. اولین باری که جلسه دعا را لغو می‌کنید (یا شرکت نمی‌کنید) به تنهایی آنقدرها هم مهم نیست. اما لغو جلسات دعا برای بار دوم، سوم و چهارم، به ما این اولویت دعا را در زندگی کلیسایی گوشزد می‌کند و نمایان می‌کند. آزادی ارتباط با خدا به این علت به ما داده نشده است تا به طور منظم آن را در برنامه‌های خود بگنجانیم؛ بلکه این دسترسی مکرر و رایگان به خدا به ما داده شده است زیرا که همیشه به آن آزادی عمل در دعا نیاز داریم. بنابراین، ما باید همیشه دعا کنیم (اول تسالونیکي ۵ آیه ۱۷ را ملاحظه کنید).

شما با پافشاری خود در دعا و حضور خود در هنگام دعا در کلیسا، به تثبیت این حقیقت در زندگی کلیسایی خود کمک می‌کنید. تصور نمی‌کنم که بسیاری از ما با زیاده روی در دعا کردن،

مشکلی داشته باشیم، یا اولویت‌های دیگران به این دلیل که در جلسات دعای متعددی شرکت می‌کنیم، نادیده گرفته شوند. بنابراین من فقط این نکته را در اینجا اینگونه پایان می‌دهم: ای برادر شبان، جلسات دعا را لغو نکن و ای مسیحی، آنها را از دست مده!

وسوسه ۲:

الهیات دعایتان را حول نحوه پاسخی که خدا به دعای اخیرتان داده است شکل دهید.

چقدر ما دلسرد شدیم وقتی که خدا به دعای ما پاسخ نداده، وقتی خدا به دعای ما جواب «رد» می‌دهد؟ شکاف بین ما و جلسه دعا معمولاً از همین جا آغاز می‌شود. وقتی دعا کارگر نمی‌افتد، چرا خود را اذیت کنیم؟! «من صمیمانه، پیوسته و صادقانه برای شفای یکی از عزیزانم دعا کردم، و اما او در گذشت. من همچنان در حال دعا هستم.»

مسیر دویدن:

هر یک از آنها را موردهایی را که برایشان دعا کرده‌اید پیگیری کنید. شبانان با پافشاری در دعا می‌توانند به کلیسای خود کمک کنند. مسیحیان با حضور در جلسات دعا می‌توانند با حفظ وفاداری و ایمان خود به کلیسایشان کمک کنند. با مرور منظم فهرست موردهایی که برایشان دعا کرده‌اید می‌تواند به شما کمک کند که ببینید واقعاً خدا چقدر وفادار بوده است، حتی به روش‌هایی که به کلی فراموش کرده‌اید. با انجام این کار شما ردپایی برای کلیسای خود باقی می‌گذارید تا وفاداری خدا را زمانی که حسی شبیه بودن در بیابان دارید را اعلام کنید.

گاهی اوقات در زندگی کلیسایی، دعا‌های بی‌پاسخ به همان اندازه دعا‌های پاسخ داده شده مفید هستند. آنها به ما یادآوری می‌کنند که ما اراده خود را بر خدا تحمیل نمی‌کنیم. او کنترل بر تمام امورات

دارد. ما درخواست‌هایی می‌کنیم، اما آنها فقط درخواست هستند، نه تقاضا. او نسبت به ما دید بهتری از مسائل دارد، بنابراین به خاطر هر دعایی که پاسخ داده می‌شود یا بی‌پاسخ باقی می‌ماند، در آینده از او تشکر می‌کنیم. دعا سپردن مسیر زندگی ما به دست خداست. من و همسرم برای داشتن فرزند به مدت نه سال دعا کردیم. دعا، زمان رسیدن دختر خوانده‌مان را شیرین‌تر کرد، به ویژه وقتی آنچه را که خدا انجام داده بود با دیگران در میان گذاشتیم. از طریق این تجربه، صدها (اگر نه هزاران) ایماندار را دیدیم که در طول سال‌ها با ما سفر کردند و از وفاداری خدا خشنود شدند. در سال ۲۰۱۵، در غروب روز یکشنبه در میان تاریک‌ترین فصول زندگی کلیسایمان را پایه گذاری کردیم. همزمان کار خود را با دعا بر روی فهرستی از بیست و پنج موردی که در هشت ماه گذشته به طور مداوم برای موفقیت کلیسا در امر بشارت دادن انجیل برای آنها انجام داده بودیم، در آتلانتا آغاز کردیم. سپس بیست و پنج روش را خواندیم که خداوند از هر انتظاری فراتر می‌رود. هدف ما آموزش این نکته نبود که اگر به اندازه کافی بخواهیم، خداوند هر آنچه را که می‌خواهیم به ما می‌دهد. این برای برجسته کردن وفاداری خدا در دوران رنج بود زیرا فراموش کردن آن برای ما آسان است. این همانند نگاه کردن به سکه‌ای بسیار نزدیک به چشمانی است که جلوی دیدن خورشید را گرفته است. وفاداری خدا را دنبال کنید و به کلیسای خود کمک کنید هر از چند گاهی این سکه را با دعا کردن از مقابل دیدگان خود بردارید.

وسوسه ۳:

آنچه را که خدا برای مشارکت در نظر گرفته است، خصوصی سازی و فردی کنید.

فقط به این دلیل که می‌توانیم به طور شخصی دعا بخوانیم به این معنی نیست که فقط باید به طور خصوصی دعا کنیم. گرچه دعا اغلب یک وظیفه فردی است، اما ما باید به طور منظم و پیوسته

دیگران را به دعا تشویق کنیم. اگر با دعا کردن مشکلی داریم و برایمان سخت است، تمایل به پنهان کاری ایجاد می‌شود.

مسیر دویدن:

از به کار بردن ضمائر جمع در دعاها، خود خجالت نکشید، خصوصاً در گردهمایی‌ها. استفاده از ضمائر جمع در گردهمایی‌های گروهی به کلیسا یادآوری می‌کند که ما شرکت کنندگانیم نه صرفاً تماشاچی‌هایی که دور هم جمع شده باشیم. به کار بردن ضمائر جمع در دعا، خصوصی، به ما در یادآوری اینکه تنها یک فرد نیستیم بلکه بخشی از یک خانواده‌ایم، کمک می‌کند. زمانی که درباره «ما» می‌اندیشیم، بایستی اسامی، چهره‌ها، لبخندها، نه صرفاً چیزهای مبهم، به ذهنمان خطور کنند. این زیبایی ملحق شدن به یک کلیسای محلی است. به جای آن چهره‌ها و چیزهای مبهم، افرادی مشخص با نیازهایی مشخص پر می‌شود.

دعای دسته جمعی حتی در صورت اعتراف به گناهان، ما را فروتن می‌سازد و همچنین دستور خدا برای تجربه کردن و به دست آوردن آزادی است. به این علت است که یعقوب می‌نویسد که ما باید نزد یکدیگر به گناه خود اعتراف کنیم و برای هم دعا کنیم تا شاید التیام یابیم (یعقوب ۵ آیه ۱۶ را ملاحظه فرمایید). یک از دوستان نزدیکم، جان هندرسون John Henderson، دلیل اینکه خدا به ما می‌گوید که نزد هم اعتراف کنیم را اینگونه عنوان می‌کند: زیرا که آنچه که ما را از اعتراف به گناه خود باز می‌دارد همان چیزی است که ما را در دام آن گناه نگه داشته است.

وسوسه ۴:

فرض کنید مردم می‌دانند دعا چیست و چطور باید انجامش دهند.

این همان طبلی است که از صد صفحه گذشته تا کنون در حال کوبیدنش هستم. فقط به این دلیل که دعا لازم است، به این معنا نیست که به طور طبیعی به سمت ما می آید.

مسیر دویدن:

حتی یک فرصت را برای آموزش دعا به دیگران از دست ندهید. با اینکه ممکن است شما دعاگویی عالی باشید که از قبل برای آماده سازی دعا در جمع نیازی نداشته باشید، اما لطفاً بدانید که دعا‌های بی مورد ممکن است بهترین الگو را برای دیگران ارائه نکند. بار دیگر، به شما نمی گویم که دعا بنویسید و بعد آن را از رو بخوانید. به شما می گویم که از قبل آماده شوید تا بقیه کلیسا بنا شود و دعای شما نمونه ای برای آنها شود.

وقتی نوبت به سرود خواندن می رسد، هر کسی یک سرود انتخابی آماده دارد. اما وقتی نوبت دعا می شود، بسیاری بر بداهه گویی اصرار دارند. از قبل آماده کردن دعاها دشمن اعتبار دعاها نیست، بلکه اتحاد شفافیت و ابراز محبت، نه فقط برای خدا که برای دیگران نیز است. پیش نویسی دعاها و پیشکش کردن آنها به خدا در حضور قومش کم اعتبارتر از نوشتن نامه ای به همسران و دادن آن به او در روز بعد نیست. کلمات نامه صمیمت قلب اند. او حتی ممکن است قدردان وقتی که برای نگارش نامه گذاشته ای باشد؛ برای آن لحظاتی که زلالی افکارت را بر روی کاغذ می آوردی. آماده سازی، یک روش مفید برای ارتباط قلبتان به طور واضح است.

ما نه به صورت پیشنهادی، که به طور عملی مردم را تعلیم می دهیم. پیاموزید که هر زمان یک مشکل یا دل نگرانی از کسی شنیدید این سوال را در گفتگوهای خود بگنجانید، «چطور می توانم برایتان دعا کنم؟». بگذار مشکلات، ترس ها، یا حتی ابروهای درهم، انگیزه ای در شما برای پرسیدن این سوال شوند. از آنجا که هر زمان می توان به خدا دعا کرد، انجام این درخواست را به تعویق نیندازیم. همان لحظه

بی درنگ انجامش دهید و درخواست کنید و چنین پرسشی مطرح کنید، و با انجام این کار در آموختن فایده و ثمره دعا به دیگران کمک خواهید کرد. بچه‌ها با تماشای اینکه یک گربه در هنگام عبور به او اشاره می‌کنند، می‌آموزند که یک گربه چیست، نه با جستجوی واژه گربه از فرهنگ لغات. آنها در متن زندگی واقعی یاد می‌گیرند. دعا چنین نقشی ایفا می‌کند. خواندن کتابی در باره دعا خوب است، اما رها کردن بارهایتان بر دوش یکدیگر و باهم بردن آنها به پیش خدا بهتر است.

وسوسه ۵:

فایده و اثر مثبت گردآوری دعای خود را با تعداد افرادی که در آن شرکت می‌کنند بسنجید.

این وسوسه، خصوصاً در فرهنگ «نتیجه محور ما»، یکی از دشوارترین وسوسه‌ها برای عبور از آن است. اگر متوجه شدید که برای ماه‌ها یا سال‌ها با افراد معدودی که در جلسات دعا شرکت می‌کنند، دست و پنجه نرم می‌کنید، به راحتی می‌توانید حدس بزنید که در حال انجام کاری اشتباه هستید. با این فکر که باید نوآوری کنید، وسوسه خواهید شد.

بازگشت به مسیر دویدن:

هدفمند فکر کنید، نه نوآورانه. بهترین روشی که می‌دانم چگونه هدفمند باشم این است که در مورد همه چیز دعا کنم. بگذارید وسوسه نگرانی به عنوان ساعت زنگ‌دار الهی به شما یادآوری کند که وقت دعاست. شمار زیادی از این وسوسه‌ها در تمام روز به سراغ شما می‌آیند. برای دعا با دیگران تا جلسه دعا منتظر نمانید. گاهی اوقات این دعا‌های مداوم، پرشور و مکرر در خارج از جلسه دعا صورت می‌گیرد که به عنوان مقدماتی برای دعای جمعی عمل می‌کنند تا قلب سرد ما را آنقدر گرم کنند که با دیگران دعا کنیم.

همچنین برای ناامید شدن آماده شوید. گردهمایی برای دعا احتمالاً حداقل در ابتدا مشارکت ضعیفی خواهد داشت. اما به مبارزه ادامه دهید. اگر حتی فقط یک فرد را دارید، آن جلسه دعاست. خیلی سریع تسلیم نشوید یا تصور نکنید چیزی باید تغییر کند. ممکن است چیزی نیاز به تغییر داشته باشد، یا شما فقط باید همچنان وفادار باشید. از آنچه خدا ما را به عنوان یک کلیسا فراخوانده است فرمان برید و آن دانه‌ها را بکارید. خدا در زمان خودش آنها را رشد خواهد داد.

پروراندن دعا در زندگی کلیسا همچون دویدن ماراتن است، نه دوی سرعت؛ مانند فرآیند تبدیل شدن یک دانه بلوط به یک درخت بلوط است. زمان زیاد و بسیاری از کارهای معمول که به رسمیت شناخته نمی‌شوند یا معرفی نمی‌شوند را می‌طلبند. بسیاری از عوامل بیرونی علیه پرورش دعا در زندگی کلیسایی کار می‌کنند — هیچ کدام به اندازه زمان کامیابی حاصل می‌شود، شفاف و آشکار نیستند.

دعا اغلب در جاهایی که شکنجه و آزار و اذیت وجود دارد شعله‌ورتر می‌شود. غیاب روزهای سخت، احساس خودکفایی را در ما پرورش می‌دهد که ما را به این باور می‌رساند که همه آنچه را که نیاز داریم موجود است و به چیزی نیازی نداریم. تسلیم نشوید. نیاز حیاتی آنها به خدا را به کلیسا یادآوری کنید، و سپس تمام کارهایی را که می‌توانید از طریق دعا آنها را به پیشگاه او ببرید، انجام دهید. در ابتدا پیرو و دنبال کنندگان کمی خواهید داشت. با آن کنار بیایید. قدرت دعای ما در تعداد افرادی که دعا می‌کنند نیست، بلکه این قدرت با اشتیاق به آن کسی است که به او دعا می‌کنیم.

تاریخ مصرف

دعا، همانطور که عیسی در دعای ربانی تعلیم داده است، یک عنصر زودگذر است. الگوی او را به عنوان یک کالای کنسرو شده در نظر نگیرید که قرار است تا ابد باقی بماند. در عوض، آن را به

عنوان یک قرص نان تازه با تاریخ مصرف بلند مدت در نظر بگیرید - یک نان تازه ابدی. من در مورد نان واقعی صحبت می‌کنم، نه آن نان‌های فست فود که آرمانگرایانه‌اند؛ چرا که هرگز منقضی نمی‌شوند! ثمرات دعا برای این زندگی در نظر گرفته شده است.

در زمین جدید، ما نیازی نخواهیم داشت که همانطور که در اینجا به ما دستور داده شده است دعا کنیم - از خدا بخواهیم به وعده‌های خود به ما عمل کند. در ابدیت ما از وفاداری او لذت خواهیم برد و شادی بی‌پایان خواهیم کرد. ما دیگر نیازی به درخواست از او نخواهیم داشت که سریعاً بیاید و به وعده‌های خود عمل کند. کتاب مقدس نه با دعا، بلکه با یک برکت به پایان می‌رسد. مکاشفه ۲۰ آیه ۲۰ دعا می‌کند تا خداوند به سرعت بیاید، و سپس آیه ۲۱ با اعلام برکت و فیض بر کسانی از ما که منتظر او هستیم، دنبال می‌شود.

«ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد» (متی ۶ آیه ۹). ما برای همیشه از او به خاطر این واقعیت تشکر خواهیم کرد، اما دلیلی برای خواندن این دعا به عنوان یک درخواست نخواهیم داشت چرا که خدا در ما ساکن خواهد شد! بهشت با زمین ملاقات خواهد کرد و نام او در ابدیت مورد احترام همه خواهد بود.

«پادشاهی تو بیاید. اراده تو، چنانکه در آسمان انجام می‌شود، بر زمین نیز انجام شود» (متی ۱۰ آیه ۶). این کار در گذشته به انجام رسیده است. نه به معنای از قبل آماده شده، بلکه به معنای از قبل کاملاً و تماماً انجام شده. نیازی به انتظار برای پیشگویی بعدی نخواهد بود. دیگر هیچ دشمنی برای سرنگونی پادشاهی او وجود نخواهد داشت. ما خوشحال خواهیم شد که قبلاً این اتفاق افتاده است. ما نیازی به درخواست برای انجام آن نخواهیم داشت.

«نان روزانه ما را امروز به ما بده» (متی ۶ آیه ۱۱). ما همیشه با «نان حیات» مواجه خواهیم شد.

«قرض‌های ما را ببخش، چنانکه ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم» (متی ۶ آیه ۱۲). وقتی که در آن زمان با او در آسمان

باشیم، ما نقطهٔ اوج این حقیقت را بدون نیاز به بخشش بیشتر گناهان خودمان توسط عیسی تجربه خواهیم کرد. ما در آن بخشش زندگی خواهیم کردیم و نیازی به بخشش دیگران نداریم زیرا همهٔ کامل خواهند شد. ظرفیت ما برای گناه کردن به طور کامل از بین خواهد رفت.

«و ما را در وسوسه میاور بلکه ما را از شریر رهایی ده» (متی ۶ آیه ۱۳). در حالی که ما با خاطری آسوده در خانه‌ای خواهیم بود که پدر مهربان ما برای ما آماده کرده است، شیطان ابدیت را در محل عذاب جاودان که برای او آماده شده است، سپری خواهد کرد. بین ما و دشمن جانمان جدایی بی‌نهایتی وجود خواهد داشت و او هرگز به ما دسترسی نخواهد داشت.

تمام درخواست‌های دعای خداوند در آسمان غیرضروری خواهند بود. خدا هر چیز مورد نیازمان را پیشاپیش تدارک دیده است. ما فقط باید تا ابد شکرگزار و قدردان او باشیم؛ و ابدیت را با شکرگزاری سپری کنیم.

زمانی که مسیح به ما نحوهٔ دعا را آموزش می‌دهد، این کار را با در نظر گرفتن دنیایی از هم گسیخته انجام می‌دهد. دعا (به روشی که در اینجا به آن پرداختیم: قوم خدا برای انجام وعده‌های عهد خدا، او را فرا می‌خواند) تاریخ مصرف دارد، همانند «منا» که همان روز برای مصرف آن روز ساخته شد. ثمرات و فایدهٔ دعا به فردای ابدیت نخواهد رسید. پس برای استفاده از آن تا فردا منتظر نمانید. شما امروز دعا را دارید. شما همین الان در ریه‌های خود نفس دارید، پس عمیقاً تنفس کنید، اغلب نفس بکشید و فراموش نکنید که باهم نیز نفس بکشید.

کتاب‌های جدید کانون کتاب مقدس:



راز



سخنان آخر



روح القدس و زبانها



نجات بواسطه مسیح



دعوت به پیروی از مسیح



خدمات کلیسای التجیلی در ایران



ویروس کرونا و مسیح



انضباط و تادیب کلیسایی



مشایخ کلیسا



الهیات کتاب مقدس



شاگرد سازی



تبدیل جانها



تصویر بزرگ خدا



۵۰ دلیل چرا عیسی آمد تا مصلوب شود



موعظه تشریحی



عضویت کلیسایی



کلیسای تدارست



اعتراف نامه ها و پادشاهان



اعتراف نامه و وسعتش



التجیل چیست؟



موج گسترش کلیسا

از کتابخانه ما دیدن کنید: www.kanoneketab.com

20220921

آیا کلیسای شما تندرست است؟

هدف مؤسسه «ناین مارکس» (۹ علامت) تجهیز رهبران کلیسا با دیدگاه کتاب مقدس و منابع قابل اجرا جهت به نمایش گذاشتن جلال و شکوه خدا به ملت‌ها از طریق کلیساهای تندرست است.

به همین دلیل مایلیم که کلیساهای ما با رشد ۹ علامت تندرستی که اغلب نادیده گرفته می‌شوند، یاری نماییم. این ۹ علامت عبارت‌اند از:

۱ - موعظه تشریحی

۲ - الهیات انجیل

۳ - درک کتاب مقدسی از تبدیل شدن انسان‌ها و بشارت

۴ - درک کتاب مقدسی از عضویت کلیسا

۵ - تادیب یا انضباط کلیسایی طبق کتاب مقدس

۶ - اهمیت شاگردسازی و رشد روحانی کتاب مقدسی

۷ - رهبری کتاب مقدسی کلیسا

۸ - درک کتاب مقدسی از دعا کردن

۹ - درک کتاب مقدسی از خدمات بشارتی برون‌مرزی

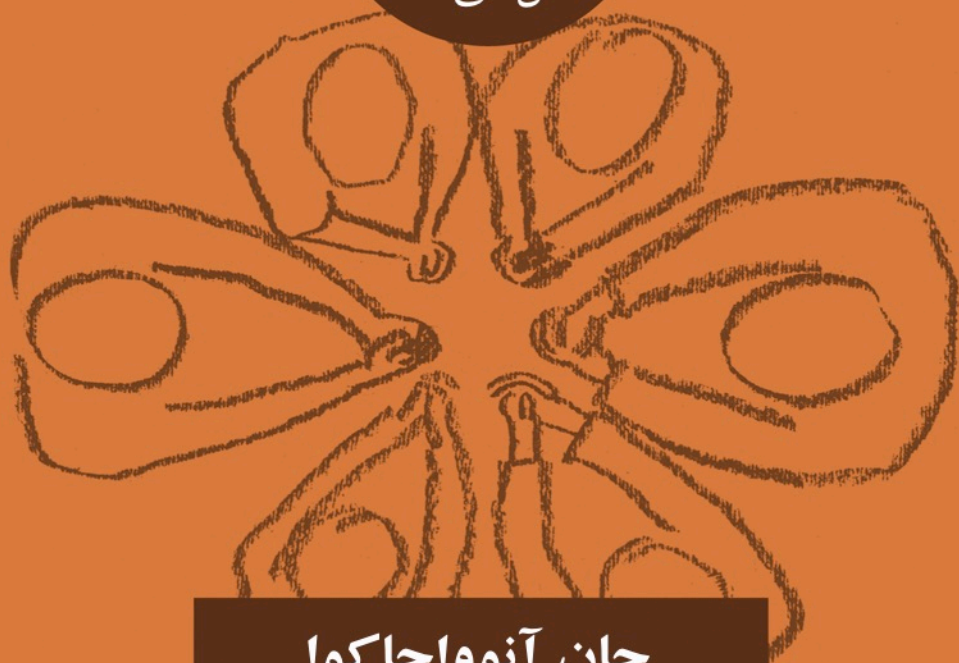
ما در مؤسسه ناین مارکس مقاله، کتاب، نقد و بررسی کتاب و مجله آنلاین تهیه می‌نماییم. در حال حاضر وب‌سایت ما شامل ۴۰ زبان مختلف دنیا است. با ثبت نام در سایت شما می‌توانید از مجله آنلاین ما استفاده نمایید.

9marks.org/about/international-efforts

9Marks.org

دعا

چگونه
دعای دسته جمعی
کلیسا را
شکل می دهد



جان آنوواچاکوا

محمد ثانوی